

تذکرة الملوك

مشمول بر

(تشکیلات اداری و سازمان حکومتی و درباری و طبقات و مشاغل و مناصب عهد صفویه)

تألیف

(حدود سالهای ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۲ هجری قمری)

بکوشش

محمد = دبیر سیاقی

از انتشارات

کتابفروشی طهوری

تهران : خیابان شاه آباد تلفن ۳۳۰۴۴

تذكرة الملوك

تأليف

(در حدود سالهای ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۲ هجری قمری)

بخش نخست

متن

بکوشش

محمد = دبیر میاقتی

تهران - بهمن ماه ۱۳۳۲ خورشیدی

دیباچه

کتاب حاضر که تذکرة الملوك نام دارد، تشکیلات اداری و دربار و طبقات و مشاغل و مناصب دوران صفویه را بنحو مستوفی شرح میدهد و حاوی اطلاعاتی درباره حکام و ولایات و سرحد داران و میزان درآمد و نیروی لشکری آنان میباشد و ظاهراً نیز بدستور اشرف افغان و برای این غاصب تاج و تخت برشته نگارش در آمده است. از مؤلف کتاب خبری نداریم و نسخه ظاهراً منحصر بفرد آن که توسط مستشرق شهیر مینورسکی بچاپ عکسی رسید، و باحواشی و تعلیقات سودمند و ممتع و ترجمه متن کتاب بانگلیسی در مجلدی سال ۱۹۴۳ در ^{لندن} طبع شده است نیز در این باره معلوماتی بماندهد، همینقدر است که افغانیان که بتشکیلات منظم و مرتب صفویان دست یافته اند نیازمند راهنمایی و ناگزیر از بدست آوردن اطلاعات و معلوماتی بوده اند این کتاب بر اثر این نیاز بدست کسی که خود از مبانی آداب و رسوم دربار صفوی و تشکیلات اداری آن عهد اطلاع کامل و جامعی داشته، مدون گشته و برای استفاده نسل آینده بیادگار مانده است. دانشمند نامی مینورسکی که این نسخه نفیس را بچاپ عکسی رسانده است با گردآوری اطلاعات و اخبار دقیق در آن صفویه و تجریر تحقیقات سودمند و ممتع خویش و افزودن فهرس لازم و ترجمه متن کتاب بانگلیسی هم جبران نقص معلومات ما کرده و هم فایده کتاب را دوچندان ساخته و هم برای دوستداران مسائل اجتماعی دورنمایی جالب از عصر صفوی ترتیب داده و هم با ترجمه آن بزبان انگلیسی اشاعه فرهنگ و آداب و رسوم سرزمین باستانی ما کرده است و جادارد سعی ایشان در نشر چنین کتاب سودمندی از جانب همه فارسی زبانان فرهنگ دوست مشکور آید. اما چون نسخ کتاب مذکور در ایران معدود بود و اطلاع بر تحقیقات سودمند خاورشناس نامی برای آنان که زبان انگلیسی نمیدانند متعذر می نمود و

فهرست مندرجات متن کتاب

باب اول

در بیان شغل ملاباشی و اهالی شرع دارالسلطنة اصفهان مشتمل بر پنج فصل - ص ۱

فصل اول - در بیان شغل ملاباشی - ص ۱

فصل دوم - در بیان شغل صدارت خاصه و عامه - ص ۲

فصل سوم - در بیان شغل قاضی دارالسلطنة اصفهان - ص ۳

فصل چهارم - در بیان شغل شیخ الاسلام دارالسلطنة اصفهان - ص ۳

فصل پنجم - در بیان شغل قاضی عسکر - ص ۳

باب دوم

در بیان منصب هریک از امراء عظام که لفظ عالیجاه مختص بایشانست - مشتمل بر یک مقدمه

و چهارده فصل - ص ۴

مقدمه - در بیان تفصیل امراء مشتمل بر دو نوع - ص ۴

نوع اول - امراء غیر دولت خانه (امراء سرحد) مشتمل بر چهار قسم - ولایت - بیکلری بیکیان -

خوانین و سلاطین - ص ۴

نوع دوم - امراء در دولت خانه (از کان دولت قاهرة) قورچی باشی - فوللر آقاسی -

ایشیک آقاسی و تفنگچی آقاسی - ص ۵

فصل اول - در بیان تفصیل شغل وزارت اعظم - ص ۵

فصل دوم - در بیان تفصیل شغل رکن السلطنة القاهرة عالیجاه قورچی باشی - ص ۷

فصل سوم - در بیان تفصیل شغل رکن الدولة العلیة عالیجاه فوللر آقاسی - ص ۷

فصل چهارم - در بیان تفصیل شغل ایشیک آقاسی باشی دیوان اعلی - ص ۸

فصل پنجم - در بیان شغل عالیجاه تفنگچی آقاسی - ص ۹

فصل ششم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه ناظر بیوتات - ص ۹

فصل هفتم - در بیان شغل عالیجاه مقرب الخاقان دیوان بیک - ص ۱۲

فصل هشتم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه امیر شکار باشی - ص ۱۳

فصل نهم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه توپچی باشی - ص ۱۳

فصل دهم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه امیر آخور باشی جلو - ص ۱۴

فصل یازدهم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه امیر آخور باشی صحرا - ص ۱۴

فصل دوازدهم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه مقرب الخاقان مجلس نویس - ص ۱۵

فصل سیزدهم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه مستوفی الممالک - ص ۱۶

فصل چهاردهم - در بیان تفصیل شغل عالیجاه خلیفة الخلفاء - ص ۱۸

استفاده از متن کتاب نیز به علت چاپ عکسی که تلچار مطابق نسخه اصل است دشوار وصول دشوار و وصول و ابواب آن غیر مشخص و غیر ممتاز و بی هیچگونه فهرست و خلاصه مطالب نگارنده در صدد برآمد که اولاً متن کتاب را با نمایاندن فصول و ابواب و تهیه فهرست مطالب و رعایت سجاوندی بچاپ رساند و آنگاه از یکی از دوستان انگلیسی دان فاضل خود بخواهد که تحقیقات و تبعات استاد مینورسکی را از زبان انگلیسی بفارسی برگرداند تا نفع کتاب عام و از هر جهت تمام باشد.

هر دو نیت جاهه عمل پوشید و متن کتاب با فهرست مطالب و تصحیحات فراخور اطلاعات ناچیز نگارنده بچاپ رسید و بعنوان بخش نخست در دسترس خوانندگان عزیز قرار گرفت. بخش دوم که ترجمه مقدمه و تعاریفات و فهرست و تصحیحات مینورسکی در متن کتابست که این اخیر محض رعایت امانت علیجده طبع میشود، هم اکنون زیر چاپست و قریباً در معرض استفاده از باب دانش قرار خواهد گرفت. نکته ای که تذکر آن ضرور می نماید اینست که چون تحقیقات خاور شناس نامی مینورسکی از لحاظ استفاده از کتب معتبر مربوط به مصر صفوی و سفر نامه های سیاحان و مسافری آن روزگار با اطلاعات سودمند مشحون و حاوی منابع و مآخذ لازم و متذکر کیفیت بدست آمدن نسخه کتاب و چاپ آنست، اذ نگارنده از بحث در این ابواب بکلی تن زد، بدیهی است مواردی که برای تکمیل اطلاعات گرد آورده مینورسکی بویژه از نظر سبک نگارش کتاب بنظر آید یا ابیاض برخی مطالب او را ضروری ندانند یا احیاناً به سهو القلمی از ایشان برخورد در مقدمه بخش دوم یا در حواشی متذکر خواهد گردید، باشد که هر دو بخش کتاب طالب عامانرا سودمند افتد.

تهران - بهمن ماه ۱۳۳۲ خورشیدی.

محمد دبیرسیاقی.

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فصل اول - در بیان شکار معرکه آفتاب در آفتاب
فصل دوم - در بیان شکار سگ در آفتاب
فصل سوم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل چهارم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل پنجم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل ششم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل هفتم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل هشتم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل نهم - در بیان شکار گاو در آفتاب
فصل دهم - در بیان شکار گاو در آفتاب

فصل اول - در بیان حال و سیرت حضرت علی علیه السلام
فصل دوم - در بیان جنگ جمل و خیبر
فصل سوم - در بیان وفات حضرت علی علیه السلام

در قطع ۲۹
بعد از آن در ذکر اجزای خونی صاحبصیغ مذکور سن ۱۹
و بعد در ذکر اجزای خالصصیغ مذکور سن ۳۰
فصل چهارم - مباحث معتمدخانه اورتی سن ۳۰
فصل پنجم - فصل شول اورش اشر و متعلقه اشر سن ۳۹
بابت اول - در ذکر تعویلات سن ۴۱
بابت دوم - در ذکر حیاض که تابع و غایب اورش یا فیلان میباشد سن ۴۱

فصل هفتم - در بیان شغل صاحب جمع غنائات : ۳۱

فصل هشتم - در بیان شغل صاحب جمع آبادان خانه ص ۳۲

فصل دهم - در بیان شغل صاحب جمع قهوه خانه ص ۳۲

فصل دوازدهم - در بیان شغل صاحب جمع (کاجخانه) و

فصل چہارم - در بیان شغل صاحب جمع اشیاء

فصل شہادت دہم - ۲۵ باب شہادۃ صاحب جمیع شرطتہا ، م

فصل هجدهم - در بیان مشق صرف باشی خرابه

باب چہارم

مقصد اول - در بیان شغل و درج یوتات و مشومی الزامات التعاون و مشرف بیوتات
مستعمل بر سه فصل - ص ۳

فصل دوم - در بیان تفصیلی مثل معنوی زیات التحویل ص ۳۵

مقصود ثانى - در بيان تقصير شاعر و مراد و مستحق قرار جمع و غير خود

تعداد و قیمت اجناس در دسترس از این منبع

فصل دوم - در بیان معیال شغل و آروغۀ دفترخانه ۴۶۵

فصل سوم - در بیان بعضی از اشیاء و ذرات فیزیکی

فصل چهارم - در بیان افعال معلوم و مجهول و مرکب و معرب و ... ص ۴۷

فصل پنجم - در بیان شغل و وزیر سرکار غلامان ص ۳۷

فصل پنجم در بیان فضائل شکر و ثواب آن

فصل دوم - در بیان احوال و حال

فصل پنجم - در بیان فضل شعل و نور و جلاله -

فصلی در نجوم - در بیان تفصیل شعب مستوفی در ۶۸ مرقع و ۱۰۰۰

فصل یازدهم - در بیان تفصیل شغل اشکری و احوال و اعلیٰ و سفلای

۱- درجه کتاب ۱۸ فصل ۱۰۰

۱- در متن کتاب ۶۸ فصل بیشتر نیامده است

- فصل دوازدهم - در بیان تفصیل شغل سرخط نویس دیوان اعلیٰ ص ۴۱
 فصل سیزدهم - در بیان تفصیل شغل ضابطه نویس ص ۴۱
 فصل چهاردهم - در بیان تفصیل شغل صاحب توجیه دیوان اعلیٰ ص ۴۳
 فصل پانزدهم - در بیان تفصیل شغل دفتر دار دفترخانه همایون ص ۴۳
 فصل شانزدهم - در بیان تفصیل شغل عرب باشی ص ۴۳
 فصل هفدهم - در بیان تفصیل شغل ضابطه شاک وکیل ص ۴۳
 فصل هجدهم - در بیان شغل اوارجه نویسان ص ۴۳

باب پنجم

- در ذکر شغل مختص هر يك از عمال دارالسلطنة اصفهان مشتمل بر چهارده فصل ص ۴۴
 فصل اول - در بیان شغل وزیر سرکار و وزیر آثار ص ۴۴
 فصل دوم - در بیان شغل مستوفی موقوفات ممالك محروسه ص ۴۴
 فصل سوم - در بیان تفصیل شغل وزیر دارالسلطنة اصفهان ص ۴۴
 فصل چهارم - در بیان تفصیل شغل وزیر سرکار انتقالی ص ۴۶
 فصل پنجم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت مستوفی سرکار مل بود ص ۴۶
 فصل ششم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت کلانتر ص ۴۷
 فصل هفتم - در بیان تفصیل شغل داروعدة اصفهان ص ۴۸
 فصل هشتم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت محتسب الممالك ص ۴۹
 فصل نهم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت قریب ص ۴۹
 فصل دهم - در بیان تفصیل شغل حیرات دارالسلطنة اصفهان ص ۵۰
 فصل یازدهم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت مستوفی سرکار فیض آثار ص ۵۰
 فصل دوازدهم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت مستوفی اصفهان ص ۵۰
 فصل سیزدهم - در بیان تفصیل شغل رباع دارالسلطنة اصفهان ص ۵۱
 فصل چهاردهم - در بیان تفصیل شغل متصدی باغات ص ۵۱

خاتمه

- در ذکر مبلغ و مقدار و مواجب و رسوم ارباب مناصب درگاه معالی و مداخل و قدر ملازم
 امراء سرحدات و ولایات ایران مشتمل بر سه مقاله ص ۵۱
 مقاله اول - در ذکر تفصیل مواجب و رسوم هر يك از امراء عظام و ارباب
 مناصب ص ۵۲
 مقاله دوم - در ذکر مواجب و قبول امراء سرحد و نفری ملازمان هر يك از بکریکیان
 و حکام و سلاطین و مجمل مداخل و مخارج ایران پس تفصیل مداخل امراء سرحد و نفری ملازمان
 مقرر در ولایات بتفصیل جرو ص ۷۱
 مقاله سوم - در ذکر مداخل و مخارج ولایات ایران ص ۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي دلنا على قواعد الرشاد و هداانا الى ضوابط السداد والصلوة
 والسلام على اشرف البريات و افضل اهل الارض والسموات محمد و آله واصحابه الذين
 بمواليتهم تقبل الصلوات (ب) و بركاتهم تستجاب الدعوات و بعد : اين خلاصه اوست
 مسما به تذكرة الملوك كه مشتملست بر دستور العمل خدمت هريك از ارباب مناصب
 درگاه معالی موافق ازمنه سلاطین صفویه كه در اين وقت حسب الامر الاعلى بطريق
 اجمال و استعجال بموقف عرض ميرسد، محتويست بر پنج باب و خاتمه :

(باب اول)

در بیان شغل ملاباشی و اهالی شرع دارالسلطنة اصفهان و اين باب مشتملست
 بر پنج فصل :

فصل اول

در بیان شغل ملاباشی

مشارالیه سر کرده تمام ملاها و در ازمنه سابقه سلاطین صفویه (۲ الف)
 ملاباشیگری منصب معینی نبود، بلکه افضل فضلاء هر عصری در معنی ملاباشی، در مجلس
 پادشاهان نزدیک بمسند مکان معینی داشته، احدی از فضلا و سادات نزدیکتر از
 ایشان در خدمت پادشاهان نمی نشستند. و ایشان بغير از استدعاء وظيفه بجهت طالب
 علما و مستحقين و رفع تعدی از مظلومين و شفاعت مقصرين و تحقیق مسائل شرعیه
 و تعلیم ادعیه و امور مشروعه بهیچوجه بکار دیگر دخل نمیکردند. و در اواخر زمان
 شاه سلطان حسین میر محمد باقر نام فاضلی با آنکه در فضیلت از آقا جمال (ب)

همعصر خود کمتر بود بر تبه ملائیگری سرافراز، و بتقریب مصاحبت، مدرسه چهار باغ را بنا گذاشته، خود مدرس مدرسه مذکور گردید و دادوستد وجوهات حلال را نیز می نمود و رجوع بر تصدقات را پادشاه نرد او میفرستاد که به مستحقین رساند. و بعد از فوت او ملا محمد حسین نامی ملا باشی شده، و بغیر از تدریس مدرسه مزبوره سایر اموری که ملا باشیان آنرا مرتکب بودند قیام و اقدام داشت.

فصل دوم

در بیان شغل صدارت خاصه و عامه

مجملاً لازمه منصب مطلق صدارت: تعیین حکام (۳ الف) شرع و مباشرین اوقاف. تفویضی وریش سفیدی جمیع سادات و علما و مدرّسان و شیخ الاسلامان و پیش نمازان و قضاة و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و بقاع الخیر و وزرای اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عماله سرکار موقوفات و محرران و غسالان و حفاران یا اوست. و دیوان احداث اربعه را که عبارت از: «قتل» و «ازاله بکارت» و «شکستن دندان» و «کور کردن» است و عالیجاه دیوان بیکی بدون حضور صدور عظام نمیرسد، و حکام دیگر شرع را مدخلیت در احداث اربعه نیست (ب) و امور شرعی سرکار قبض آثار متعلق و مختص عالیجاه صدر خاصه است، و صدر ممالک را مدخلیتی در آن نیست و مجملی از شغل مختصه هریک بدین موجب است:

عالیجاه صدر خاصه روز شنبه و یکشنبه با دیوان بیکی در کشیکخانه عالی قاپو و دیوان می نشیند، و در محال ایران حکام شرع یزد و ابر قوه و نائین و اردستان و قوشه و نطنز و محلات و دلیجان و خوانسار و برورد و فریدن و رار و مزدج و کیار و چایلق و جرفادقان و کمره و فراهان و کاشان و قم و ساوه و مازندران و استرآباد (۴ الف) و کرایلی و حاجیلر و کبود جامه را، صدر خاصه تعیین، و امور متعلق بصدر خاصه را در ولایات مفصله مذکوره نایب الصدرة و سایر مباشرین صدر خاصه متوجه میشده اند.

عالیجاه صدر ممالک صاحب اختیار تعیین حکام شرع و مباشرین موقوفات از

مزارات و مدارس و مساجد و غیرهم، از کل ممالک محروسه: از آذربایجان و فارس و عراق و خراسان میباشد، سوی آنچه در تحت اسم صدر خاصه تفصیل یافته، با صدر ممالک است و در بعضی از ازمینه سلاطین، صدارت خاصه و عامه (ب) بایک شخص بوده. مجملاً عزل و نصب مباشرین موقوفات، اگر تفویضی بوده باشد، بصدر خاصه و عامه متعلق است. و اگر شرعی باشد، هیچیک از حکام شرع و صدور را مدخلیتی در آن نیست، بلکه شرعاً هر کس را واقف اوقاف، متولی و صاحب اختیار قرارداد داده باشد مباشر خواهد بود و تغییر آن مخالف شریعت مقدسه نبویست.

فصل سوم

در بیان شغل قاضی دارالسلطنه اصفهان

دستور آن بود که قاضی اصفهان بغیر از جمعه در خانه خود بتشخیص دعاوی شرعیه مردم موافق قانون شریعت غراً و (۵ الف) ملت بیضا میرسید. و ضبط مال غایب و یتیم را بعد از زمان شیخ جعفر قاضی بهر کس قاضی اصفهان میشد رجوع می نمودند. و هر دعوائی را که قاضی حکم شرعی آنرا می نویسد دیوانیان اجرای و حق را بمن له الحق می رسانند.

فصل چهارم

در بیان شغل شیخ الاسلام دارالسلطنه اصفهان

مشارالیه در خانه خود بدعواهای شرعی و امرای معروف و نهی از منکرات میرسید. و طلاق شرعی را در حضور شیخ الاسلام میدادند و ضبط مال غایب و یتیم اغلب با شیخ الاسلام بود و بعد از آن بقضاة مرجوع شد.

فصل پنجم (ب)

در بیان شغل قاضی عسکر

در قدیم الایام قاضی عسکر در کشیکخانه دیوان بیکیان بحکم شرعی عساکر منصوره میرسیده. و بعد از آنکه صدر در اصفهان تعیین، و مقرر شد که دیوان بیکی در

حضور صدر بمرافعة شرعية عباد الله رسد، آمدن قاضی عسکر بکشیخانه دیوان
یکی متروک و شغل قاضی عسکر در اواخر زمان سلاطین صفویه منحصر بآن شد که
عساکر نصرت مآثر سواد ارقام تنخواه موجب خود را که بممالک محروسه میفرستادند
بمهر قاضی عسکر میرسایند و مادام که سواد ارقام تنخواه موجب قشون (۶ الف) بمهر
قاضی عسکر نمیرسید بیکلریکیان و حکام ولایات سواد مزبور را اعتبار و اعتماد ننموده
تنخواه نمیدادند.

(باب دوم)

در بیان منصب هریک از امراء عظام که افظ «عالیجاه» مختص بایشانست.
و آن مشتملست بر یک مقدمه و چهارده فصل.

مقدمه

در بیان تفضیل امراء

باید دانست که امراء ایران مطلقاً بر دو نوع میباشند: نوع اول - امراء
غیر دولت خانه که ایشانرا «امراء سرحد» مینامند و این نوع بر چهار قسم است:
اول ولات؛ دوم بیکلریکیان؛ سوم خوانین؛ چهارم سلاطین.
اما ولات در مرتبه منصب (ب) و اعتبار زیاده از بیکلریکیان میباشند و رتبه
بیکلریکیان زیاده بر خوانین و در هر سرحدی که بیکلریکی نشین است جمعی که در
حوالی و اطراف مملکت او حاکم میشوند تابع و قول بکی بیکار بکی همان سمت و بعرض
بیکلریکی معزول و منصوب میگردند. و باین نسبت سلطانهای هر سرحدی تابع
خوانین همان سرحد میباشند. و والی در ممالک ایران چهار است که اسامی هریک
موافق اعتبار و شرف و ترتیب نوشته میشود:

اول والی عربستان که باعتبار سیادت و شجاعت و زیادتی ایل و عشیرت از
والیهای دیگر بزرگتر و عظیم (۷ الف) الشأن تراست. و بعد از آن والی ترستان فیلی

است که باعتبار اسلام، اعز از والی گرجستان است. و ولات گرجستان متعلقه بایران،
گرجستان کارتیل و کاخ و تفلیس است و بعد از مرتبه والی گرجستان والی کردستانست
که سنج محل سکناى ایشان میباشد. و بعد از او حاکم ایل بختیاری. و در قدیم
الایام کمال اعزاز و احترام داشته اند.

اما بیکلریکیان عظیم الشأن ایران سیزده است: اول قندهار. دوم شیروان.
سوم هرات. چهارم آذربایجان. پنجم چخورسعد. ششم قراباغ و گنجه. هفتم استرآباد.
هشتم کوه گیلویه (ب): نهم کرمان. دهم مروشاهی جهان. یازدهم قلمرو علی شکر.
دوازدهم مشهد مقدس و علی. سیزدهم دارالسلطنه قزوین.

نوع دوم در ذکر امراء در دولت خانه مبارکه - همگی در درگاه جهان پناه
شاهی حاضر و هریک بمنصب مختصی سرافراز میباشند که غرض از تسوید این رساله
ثبت شغل مختص هریک از ایشان و سایر ارباب مناصب اصفهان میباشد. اولاً باید دانست
که امراء در دولت خانه چهار نفر و ارکان دولت قاهره مینامند: اول قورچی باشی؛
دوم قوللر آقاسی؛ سوم ایشیک آقاسی باشی؛ چهارم تفتیشچی آقاسی و این چهار نفر
با وزیر اعظم و دیوان یکی (۸ الف) و واقعه نویس که مجموع هفت نفر میشوند از قدیم
الایام داخل امراء جاتی بوده اند. و در اواخر زمان شاه سلطان حسین در چند مجمع
ناظر و مستوفی الممالک و امیر شکار باشی داخل شدند و اگر جاتی بخصوص فرستادن
سپه سالار بسمتی از اطراف ممالک محروسه باشد حضور سپه سالار در مجمع جاتی
شرط است.

فصل اول از باب دوم

در بیان تفصیل شغل وزارت اعظم

عالیجاه وزیر اعظم دیوان اعلى و اعتماد الدولة ایران عمده ترین ارکان دولت
و قاطبه امراء در گاه معلی و سرحدات ولایات ممالک محروسه، و داد و ستد کل مالیات (ب)
دیوانی و وجوهای انفادی خزانه عامره و غیره بیوتات از کل ممالک ایران و دارالسلطنه
اصفهان بدون تعلیقه و امر عالیجاه معظم الیه داد و ستد نمیشود. و ارقام تعیین مناصب و

ضمن كل ارقام البتة باید اولاً بمهر عالیجاه معظم الیه رسیده، ثانیاً بمهر مهر آثار اقدس اعلیٰ مزین گردد. و باید در توفیر و تکثیر مالیات دیوانی و ضبط^۱ كل وجوهات ممالك محروسه و انفاذیات نهایت اهتمام نموده، اگر احدی از قانون حق و حساب و امور مستمره و معمول مملکت و ضابطه حقانیت تخلف و تجاوز نماید ممنوع، و اگر امراء و ارکان (الف ۹) دولت قاهره در ارتکاب امر خلاف قاعده یا ممنوع و متقاعد نگردند بخدمت بندگان قباله عالمیان عرض و بدانچه امر اقدس شرف صدور یابد از آنقرار معمول دارد. و جمعی که ملازم دیوان میشوند اگر رقم بالمشافه صادر نشده باشد و ریش سفیدان هر طبقه عرض نموده باشند مادام که تعلیقه وزیر اعظم نرسد، رقم خدمت و ملازمت داده نمیشود. و اگر رقم بر سالدی احدى از مقریان نوشته شود مادام که ضمن رقم بمهر وزیر اعظم نرسد، بمهر مهر آثار مزین نمیکرد. و خدمات جزئی و تعیین کتاب دفتر خانه (ب) همایون و خاصه و عملة بیوتات معموله که قابل عرض بخدمت اقدس نباشد از قرار تعلیقه^۲ «عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ» که بر طبق تجویز عالیجاهان «مستوفی الممالك» و ناظر بیوتات و مقرب الخاقان «مستوفی خاصه» صادر شده باشد رقم ملازمت و خدمت داده میشود و موقوف بعرض اقدس نیست. و نسخجات محاسبات عمال و مؤدیان حساب دیوانی كل ولایات از بیکلریسکیان و حکام و سلاطین و وزراء و تحویلداران جزو و كل و متصدیان و ضابطان و غیرهم بعد از تعلیقه عالیجاه معظم الیه دفتری، و مستوفیان (الف ۱۰) عظام محاسبه مشخص، و مقاصد حساب میدهند و اگر نقصانی و کسری در مالیات دیوان بجبتهی از جهات حسابه بهم رسد که در خدمت وزیر اعظم مؤدیان حسابه موجه و محکوم به نمایند، بجبتهی تحصیل دعای خیر و ترفیه حال رعایا و آبادی مملکت چنانچه جمع قدیم را جبر و ادعای نقصان را حسابی دانند، تعلیقه تخفیف داده، کتاب دفتر خانه دیوان اعلیٰ و خاصه شریفه بتعلیقه وزیر اعظم مستند و بهمان شرح در دفاتر خلود ثبت و بنقصان عمل مینمایند. و کشیکخانه در دولت خانه را بجبتهی دیوان (ب) وزراء اعظم بنا گذاشته اند که عامه خلایق واجب العرض، خود را بخدمت وزراء

اعظم عرض توانند نمود. و همچنین نسخجات دیوانی و اسناد خرج دفتری و مقاصدای صاحب جمعان و تحویلداران و تحصیلداران و تعلیقات^۱ مناصب جزو و كل بمهر وزراء اعظم رسیده، بدانچه مقرر دارد معمول میدارند. و امراء هر يك بترتیب موافق رتبه منصب خود در کشیکخانه بدستور مجلس بهشت آئین در پهلوی یکدیگر می نشینند و بغیر از امراء و ارباب مناصب و مستوفیان عظام و خوانین عظیم الشأن و وزراء و صاحب رقمان (الف ۱۱) دیگر کسی در کشیکخانه معمول نیست که بنشیند.

فصل دوم از باب دوم

در بیان تحصیل شغل رکن السلطنة القاهرة عالیجاه قورچی باشی است

مشارالیه عمده ترین امراء ارکان دولت باهره، و ریش سفید قاطبه ایالات و اویماقات «مالك» محروسه، و تیول و «همه ساله» و تنخواه قاطبه قورچیان ملازم دیوان، بعد از تصدیق و تجویز عالیجاه قورچی باشی، بر رقم وزیر دیوان اعلیٰ رسیده، تنخواه بازیافت، و خدمت ایالت و حکومت و سلطنت و یوزباشی گری و تیول و مواجب قاطبه قورچیان بر طبق عرض قورچی باشی و تعلیقه وزراء (ب) اعظم شفقت میشود. و امور متعلق بقورچیان را ریش سفید سرکار مزبور که عالیجاه قورچی باشی است، بحقیقت رسیده قطع و فصل میداده و قورچی باشیان عمده ترین ارکان دولت قاهره اند و ارقام و احکام ملازمت و مواجب و تیول و همه ساله و انعام جماعت مذکوره هر کدام که در سلك قورچیان عظام منتظم باشند بطغرا و مهر عالیجاه مشارالیه میرسیده و نسخه سان قورچیان را وزیر و مستوفی سرکار مزبور در خدمت اشرف، در حضور عالیجاه معظم الیه بمعرض عرض میرسانیدند و عالیجاه مذکور از امراء جانتقی است.

فصل سوم ۲ از باب دوم

در بیان شغل رکن الدولة العلیة عالیجاه قوللر آقاسی است

مشارالیه بعد از عالیجاه قورچی باشی عمده ترین امراء و ارکان دولت باهره و ریش سفید قاطبه غلامان سرکار خاصه شریفه، و تیول و مواجب همه ساله و براتی و انعام قاطبه غلامان بعد از تجویز عالیجاه مشارالیه بر رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ رسیده،

تنخواہ باز یافت، و خدمت ایالت و حکومت و یوزباشی گری و مین باشی گری و تیول و مواجب و انعام قاطبہ غلامان بر طبق عرض قوللر آقاسی و تعلیقہ (ب) وزراء اعظم و شفقت میبشده و امور متعلق بغلامان را ریش سفید سرکار مزبور کہ عالیجہ قوللر۔ آقاسی است بحقیقت رسیدہ قطع و فصل میدادہ و ارقام و احکام ملازمت و مواجب و تیول و ہمہ سالہ و انعام جماعت مذکورہ بطغرا و مہر عالیجہ مشارالیہ برقم عالیجہ مشارالیہ میرسد و نسخہ سان غلامان را وزیر و مستوفی سرکار مزبور در خدمت اشرف در حضور عالیجہ معظم الیہ بمعرض عرض میرسانیدند و عالیجہ مزبور از امراء جانی است.

فصل چہارم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل ایشیک آقاسی باشی (الف ۱۴) دیوان اعلیٰ است مشارالیہ ریش سفید کل یساولان صحبت و ایشیک آقاسیان دیوان و آقایان و قاپوچیان دیوان و یساولان و جارچیان دیوان، و امور و نسق مجلس از جماعت مجلس نشین و ترتیب نشستن مجلس نشینان و ایستادگان مجلس از اعلیٰ تا ادنی، متعلق بہ ایشیک آقاسی باشی دیوان، و اگر خلاف قاعدہ در ترتیب قواعد مجلس بہر سبب از ایشیک آقاسی باشی بازخواست، و بدستور امراء ریش سفید قورچی و غلام عالیجہ مشارالیہ ریش سفید کل آقایان و مواجب و تیول و ہمہ سالہ تاواین عالیجہ مشارالیہ بر طبق عرض عالیجہ (ب) مزبور، اگر عالیجہ وزیر اعظم ممضی دارد، رقم صادر می گردد. و کیفیات عوض جمعی کہ خراہند در عوض معوض غنہ خود ملازم شوند۔ و کیفیات مواجب براتی و ہمہ سالہ و تیول بتجویز عالیجہ مشارالیہ و مہراو۔ و ارقام ملازمت و اضافہ مواجب تاواین معظم الیہ و احکام تیول و ہمہ سالہ و مواجب براتی ایشان بطغرا، و مہر معظم الیہ میرسد. و لشکر نور۔ دیوان اعلیٰ وزیر و سر خط نویس دیوان اعلیٰ مستوفی سرکار عالیجہ مذکور، و در اوقاتی کہ عالیجہ مشارالیہ سان تاواین خود را ملاحظہ یا بسفری ایشان را مأمور (الف ۱۴) نماید نسخجات سان را سر خط نویس و محرران آن سرکار نوشتہ و لشکر نویسان در حضور عالیجہ مزبور می۔ خواندند. و حکمیکہ ریش سفید مزبور دربارہ ایشان مینمود، لشکر نویس و سر خط

نویس در تحت اسم ایشان مینوشتند و پیشکش نویس سرکار خاصہ شریفہ نیز باعتبار اینکه پیشکش های نوروزی و غیرہ کہ بجهت پادشاہان میآوردہ اند، سوای اجناس خوراکی کہ پیشکش سرکار خاصہ مینمایند، ہمگی را تفصیل و سیاہ نمودہ طومار آنرا بہ عالیجہ ایشیک آقاسی باشی میسپرد. و اجناس خوراکی کہ پیشکش میآوردند سررشتہ آن با عالیجہ (ب) ناظر بیوتات، و مشارالیہ اضافہ نویسی تعیین مینماید کہ موافق طومار جمع و بمناسبت تحویل صاحبجمعان بیوتات و مشرفان در روزنامچہ عمل مینمایند. و اعلام پای بوس مناصب و پای بوس فرمودن ارباب مناصب و جمعی دیگر کہ در مجلس بہشت آئین مأمور پیاپوسی میگردند، شغل مزبور مختص عالیجہ معظم الیہ و دیگری را دخلی و نسبتی نیست.

فصل پنجم از باب دوم

در بیان شغل عالیجہ تفنگچی آقاسی است

مشارالیہ ریش سفید مین باشیان و یوز باشیان و جارچیان و ریکایان و قاطبہ تفنگچیان است. و تیول و ہمہ (الف ۱۵) سالہ و مواجب براتی و انعام کل تاواین مشارالیہ بتصدیق و تجویز عالیجہ معزّی الیہ برقم عالیجہ وزیر دیوان اعلیٰ رسیدہ، تنخواہ بازیافت. و خدمت مین باشیگری تفنگچیان و جارچیان و تعیین جماعت تفنگچیان و تیول و ہمہ سالہ و مواجب ایشان کہ بر طبق عرض عالیجہ مشارالیہ برقم وزیر دیوان اعلیٰ رسیدہ باشد، شفقت، و رقم اشرف صادر میگردد. و امور متعلقہ بہ تفنگچیان را عالیجہ مشارالیہ بحقیقت رسیدہ تمیز و تشخیص میدادہ، و ارقام و احکام ملازمت و تیول و ہمہ (ب) سالہ و تنخواہ براتی و انعام جماعت مذکورہ بطغرا و مہر عالیجہ مشارالیہ میرسد. و نسخہ سان تفنگچیان را وزیر و مستوفی سرکار مزبور در خدمت اشرف در حضور عالیجہ معظم الیہ بمعرض عرض میرسانیدند.

فصل ششم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجہ ناظر بیوتات است

و شغل مشارالیہ آنست کہ در اول سال تعلیقہ مینوشت کہ مشرف بیوتات

اخراجات ششماهه سرکار خاصه شریفه را بمحصلاتی احدی بعد از وضع باقی نقدی و جنسی واجناس همه سالجات که از ولایات حسب الرقم مقرر بوده که انقاد شود، بوقوف (الف ۱۶) صاحبجمعان بخیمتا بر آورد، و وزیر بیوتات بر آورد مزبور را بناظر بیوتات میخواند و خاطر نشان میگرد، و وزیر بیوتات در همان بر آورد بخدمت اعتمادالدوله چیزی می نوشت و ناظر مهر می کرد که اخراجات ششماهه بیوتات سرکار خاصه را مشرفان بفلان مصالح بر آورد نموده اند، مقرر دارند که مقرب الخاقان صاحب جمع خزانه باهره اوجه بر آورد را از قرار قبوض الواصل مهمسازی صاحب جمعان نماید. و صاحب جمعان قبوض را بصاحب جمع خزانه سپرده، وجه بازیافت می نمودند و صاحبجمعان اجناسی که بایست خریداری کنند، بعضی اجناس بود که سالی یکمرتبه (ب) قیمت مشخص میشد و مقرر بود که ناظر بیوتات بعهده تائینی مقرر میکرد که وزیر بیوتات و محتسب الممالک و مستوفی اصفهان و ریش سفیدان صنف را در یکجا حاضر سازد و همگی نشسته، قیمت اجناس بنا بر صرفه دیوان مشخص، و نمونه اجناس را مهر نموده، و قیمت نامچه را مأمورین و ناظر بیوتات مهر نموده، بصاحبجمعان سپارند، که آنچه اجناس بجهت اخراجات خاصه در عرض سال احتیاج شود، صاحبجمعان اجناس را موافق نمونه مهوره خریداری، و قیمت را از قرار قیمت نامچه مذکوره از بابت تحویلات خود مهمسازی (الف ۱۷) صاحب مال نمایند. و بعضی اجناس دیگر را صاحب نسق بایست ماه بماء التزام از ریش سفید هر یک گرفته بمحتسب الممالک سپارد که او التزام مزبور را ضبط و از روی آنها تسعیر نامجات نوشته، بمناسبت بناظر بیوتات عرض و بحقیقت واقع آن برسد. و اگر داند که بعضی اجناس را قیمت زیاد نوشته اند بخوی که ظالم نشود و "بد دعائی" در ضمن آن نباشد، کم نموده تسلیم صاحبجمعان نمایند که مشرفان بیوتات موافق اخراجات بعد از وضع باقی صاحبجمعان سند ابتیاع، بانضمام ده نیم رسومات بر ضمن تسعیر نامچه قلمی، و ناظر مهر نموده بخرج (ب) خود مجری دارند. و ناظر قدغن نماید که مشرفان ماه

بماه روز نامجات مقرر می هارا موافق مقرر می که بخدمت پادشاه عرض، و سند گذشته باشد، و اضافه بجهت خاصه شریفه و مجلس و مهمانان و غیره سوانح که روی داده باشد، در آن باب سند نوشته، بمهر ناظر بیوتات داخل روز نامجات نمایند، و ماه بماء روز نامجات را بوزیر بیوتات رسانند که وزیر مذکور با اسناد مقابله و خط گذاشته، ناظر مهر نموده بمستوفی ارباب التحویل سپارند که مشارالیه جمع و خرج صاحبجمعان را مشخص نماید. و آنچه کارخانجات خوراکی است (الف ۱۸) ششماه بششماه مشرفان و سال بسال مستوفی، جمع و خرج را مشخص می نمودند. و هرگاه روز نامجات و اسناد پس افتد، مبلغهای کلی هر سال بمرکار خاصه نقصان میرسد. و بعضی که از ولایات همه ساله مقرر بود، ناظر محصلی تعیین می نمود که بولایات رفته اجناس را وصول و انقاد نمایند. و هرگاه اجناس مزبور بجهتی از جهات انقاد بیوتات نمیشد، صاحبجمعان کیفیت بمهر ناظر بیوتات رسانیده، نزد اعتمادالدوله برده، عوض از خزانه یاسایر وجوه دیوانی می گرفتند. و بدستور اجناس گرفته صرف می نمودند. (ب) و سالی یکمرتبه سان عمله بیوتات و تجویز موجب و رخصت ایشان با ناظر بیوتات است. و هرجنسی را در وقت خود که صرفه دیوان در آن بوده باشد ناظر بخرد و منبر سازد که اگر در عرض سال ترقی در قیمت اجناس بهمیرسد، نقصان بمال دیوان نرسد. و سالی یکمرتبه شتران را ناظر دیده، بجاقی و لاغری و زبونی و اسقاط شتران برسد. و در اول پائیز بعهده معمار باشی کند که ملاحظه تعمیر عماراتی که از لوازم باشد نموده؛ بنا بر صرفه دیوان تنخواه بدهد. و پادشاه بهر کس انعام و خلعت شفقت کند باید سند آن (الف ۱۹) بخط اعتمادالدوله و مهر ناظر برسد. و اقمشه که مقرر است که بجهت لباس خاصه شریفه و خلایع فاخره امرا و غیرهم سال بسال داده شود، ناظر در اول سال تعلیفه نوشته، اعتمادالدوله رقم کند، و تواین ناظر بالکا رفته انقاد نمایند. و قدغن حمامات و یخچالها و آوردن هیمة زمستانی بجهت مطبخ و غیره همگی را باید ناظر در وقت خود بقدر اخراجات سالیانه حاضر کند و جو و کاه بجهت اخراجات طوایل و شترخان سرانجام کند. و روز بروز بخوبی و بدی و کم و زیاد اخراجات

و طعام خاصه و خادمان رسیده [که] تحویلداران (ب) اجناس زبون بخرج ندهند. و ناظر قدغن نماید که تحویلداران و عمله بیوتات مال رعیت و فقیران را نکشند و نبرند و چیزی را بی رضای صاحب خریداری نکنند که «بددعائی» حاصل شود، و قیمت موافق آنچه مشخص شده بدهند، و هر قسم اخراجات که در بیوتات واقع شود بدون اطلاع ناظر نباشد. و احدی از غلامان و ملازمان پادشاه بدون تعلیقه ناظر از کارخانه جات چیزی نبرند. و عالیجاه ناظر بیوتات ریش سفید و صاحب اختیار کل سی و سه کارخانه بیوتات معموره و ریش سفید صاحبجمعان است، حتی (۲۰ الف) امیر آخورباشی و جبارباشی، و عرض مطالب مستدعیات اکثر صاحبجمعان بناظر بیوتات تعلق دارد.

فصل هشتم از باب دوم

در بیان شغل عالیجاه مقرب الخاقان دیوان بیکی است

مشارالیه از جمله امراء اعظام، و ضابطه در منصب مزبور آنست که هر هفته چهار روز باتفاق صدور بکشیك خانه که مختص دیوان بیکان بوده است آمده، احداث اربعه را که عبارت از: قتل و ازاله بکارت و کور کردن چشم و شکستن دندان است، از گناهکاران بحکم صدور بازخواست نموده، بسایر دیوان های ارباب رجوع کل ممالك محروسه، (ب) و بر ظلم و زیادتی که واقع میشود، و طلب تنخواهی که اهل شهر و دهات زیاده بر چهار پنج تومان بایکدیگر داشته اند میرسیده اند. و اجرای احکام شرعی^۱ و ضبط و نسق شهر که از اقویا بر ضعف ستم و زیادتی واقع نشود، نیز بدیوان بیکیان متعلق است. و جمعی که از ظلم و تعدی یا احداث اربعه و غیره بدیوان بیکی شکایت میکردند، اگر ظلم مزبور در حوالی شهر که مسافت آن بیش از ده دوازده فرسخ نبوده واقع میشود، دیوان بیکی تعلیقه بیاضی بر طبق عرض عارض بعهده قورچی اجرلو و غیره (۲۱ الف) تایینان نوشته، غورسی مینمود، و اگر عارض از محال بعیده عرض شکایتی مینموده، دستور چنان بود که در مقدمه قتل مبلغ پنج تومان التزام عارض، و دیوان بیکی تعلیقه قلمی، و منشی دیوان هم تعلیقه قلمی، و بعد از آن

حکم صادر، و وجه التزام ابوابجمع محصل مزبور، و حکم مزبور در دفترها ثبت، و بدستور سایر وجوهات داد و ستد میشد. و دو روز دیگر از روزهای هفته درخانه خود بدعواهای حسابی عرفی میرسید. و هر يك از دیوانهایرا که دیوان بیکی متوجه میشد، اگر دعوی در باب مالیات دیوان یا طرف (ب) دعوی از جمله ارباب قلم تواین وزیر اعظم بود، بخدمت وزراء اعظم می فرستاده، و همچنین اگر احدی از طرفین دعوی، قورچی یا غلام یا سایر عساکر منصوره و عمله بیوتات بوده، بریش سفید هر سرکار رجوع مینموده، و سایر سکنه اهل شهر و ده را بخصوص دعاوی که تعلق بمال دیوان نداشته خود متوجه شده، قطع و فصل میداد. و اگر جمعی از مردم ولایات بشکایت بیکار بیکیان و حکام و سلاطین خود باردوی معلی می آمده اند و عرض مطلب خود را بوزراء اعظم نموده بدیوان بیکی عرض می نموده باشند، دیوان بیکی (۲۲ الف) بحقیقت شکایت هر يك رسیده، بخدمت پادشاه کیفیت شکایت ایشانرا عرض، و از قرار که مقرون بصلاح دوات و ضابطه مملکت میدانسته غورسی می نموده اند.

فصل هشتم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجاه امیر شکار باشی است

مشارالیه از جمله امراء عظیم الشأن، و جمیع قوشچیان تابین مشارالیه، و تصدیق خدمت ایشان و عرض مطالب و استدعای انعام تواین، نسبت بعالیجاه مشارالیه دارد. و کیفیات طلب و تنخواه و تیول و همه ساله جماعت مزبوره، بعد از تجویز عالیجاه مذکور، برقم عالیجاه وزیر (ب) اعظم رسیده، تنخواه داده میشود. و هر ساله مبلغی از قرار تعلیقه عالیجاه معظم الیه از دفترخانه همایون اعلی بصیغه تحصیل قوشچیان، که مومی الیه تعیین نموده باشد، تنخواه داده میشود، و بعد از وصول، مبلغ مزبور را عالیجاه معزئی الیه فیما بین تواین خود بدستور معمول قسمت مینماید.

فصل نهم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجاه توپچی باشی است

مشارالیه ریش سفید یوزباشیان و مین باشیان و توپچیان و جارچیان توپخانه

است. و تیول و مواجب و همه ساله و براتی و انعام تواین مشارالیه (۲۳ الف) برطبق تجویز عالیجاه مزبور، برقم عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ رسیده، تنخواه باز یافت. و خدمت مین باشیگری و یوز باشیگری توپچیان و جارچی باشیگری و جارچیان توپخانه و تواین ایشان و تعیین مواجب و تیول و همه ساله کل جماعت مزبوره، برطبق عرض عالیجاه، مزبور شفقت، و بعد از تعلیقه نمودن عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ، رقم اشرف صادر میگردد. و امور متعلقه بتوپچیان و توپخانه مبارکه را عالیجاه مشارالیه بحقیقت رسیده، تمیز و تشخیص میداده. و ارقام و احکام ملازمت و تیول و همه ساله و تنخواه براتی و انعام جماعت مذکوره بطغرا (ب) و مهر عالیجاه مشارالیه میرسیده. و نسخه سان توپچیان را وزیر و مستوفی سرکار مزبور در خدمت اشرف، در حضور عالیجاه معظم الیه، بمعرض عرض میرسانند.

فصل دهم از باب دوم

در بیان شغل عالیجاه امیر آخور باشی جلو است

خدمت مشارالیه آنست که در حین ملاحظه^۱ نمودن نواب کامیاب اسباب طوایل سرکار خاصه شریفه و دواب پیشکشی و غیره که باسطبل می آوردند، و در وقت سواری فرمودن جلوهای خاصه باید حاضر باشند. و نظم و نسق طوایل و تعیین امیر آخور و مهتران و سقائیان طوایل با مشارالیه میباشد. و تعلیقه جات ملازمت جماعت مذکوره و جلوداران خاصه و خادمان و خواجه سرایان و غلامان و سایر عمله را امیر آخور باشیان جلو می نویسند،^۲ مینماید. بعد از آن بتصدیق عالیجاه امیر آخور باشی میاندازند. عالیجاه مزبور سوای جلوداران خاصه که جلودار باشی تصدیق مینماید،^۳ تتمه عماله اصطبل را که بشرح فوق عرض شده با تعلیمندان و بیطاران ایشان تصدیق میکنند، و بعد از آن برقم عالیجاه وزیر (۲۴ الف) دیوان اعلیٰ رسیده، تنخواه میدهند.

فصل یازدهم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجاه امیر آخور باشی صحراست

خدمت مشارالیه آنست که سال بسال باتفاق ناظر دواب عرض ایلخیهای

سرکار خاصه و نتاج آنها را ملاحظه، و طومار عرض بخط مشرف درست داشته، به سرکار از باب التحویل رساند. و علیق و ضروریات ایلخیهای مذکور بدستور معمول از قرار بر آورد مشرفان که بتصدیق و تجویز امیر آخور باشی صحرا و ناظر دواب رسیده باشد تنخواه داده میشود. و ضبط و نسق قورقات نسبت به عالیجاه مشارالیه دارد. و تعیین امیر آخوران و بلوک (ب) باشیان و مهتران و غیره عمله ایلخی، موقوف بتصدیق و تجویز عالیجاه مشارالیه است.

فصل دوازدهم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجاه مقرب الخاقان مجلس نویس محفل بهشت آئین

تفصیل شغل واقعه نویسان آنست که جواب نامهایی که از پادشاهان، به پادشاه^۱ ایران نوشته شود، واقعه نویس انشانماید، و ارقام مناسب و ملازمت و همه ساله و تیولی که از دفاتر خلود صادر شود، و هر گونه رقمی که پادشاه «بزرگانی» مقرر دارد، که آنها مشافیه میگویند، یا این که از قرار تعلیقه عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ یا اینکه بقید «حسب الامر الاعلیٰ» امرا و مقر بان (۲۵ الف) برساله خود چیزی نوشته به واقعه نویس، سیارند باطلاع و طغراء قلم مداد واقعه نویس ارقام مذکور میگذرد. و طغراء کشیدن ارقام بقلم سیاهی مختص واقعه نویس، و بدیگری نسبت ندارد. و عالیجاه مزبور از جمله امراء جاتقی و انیس و جلس مجالس خاص و عام و عرایض و فصول امرا و حکام که از ممالک محروسه بیایه سریر اعلیٰ فرستاده شود، پادشاه همگی را نزد مجلس نویس میفرستد که در خدمت اشرف فصول و عرایض را در مجالس خاص و عام خوانده، جواب آنها قلم مینمایند. و آنچه را باید رقم صادر شود از قرار یادداشت بمسوده (ب) واقعه نویس، رقم نویسان تواین واقعه نویس قلمی مینمایند. و جواب فصول را واقعه نویسان در تحت هر فصل بشرحی که امر اشرف صادر گردد بخط خود قلمی، و در سر رشته خود ثبت مینمایند و^۲ تواین واقعه نویسان ده نفر بدینموجب بوده اند و عرایضی که بخدمت نواب اشرف داده شود عرض نمودن:

۱- کلمه در حاشیه است. ۲- و او مکرر شده است.

رقم نویسان و سر رشته دار ارقام : هفت نفر .

رقم نویس دیوان اعلی و سه نفر
دیگر که بگویند او مقرر و سر رشته دار
ثبت ارقام اند : پنج نفر .

که حسب الصلاح عالیجاه معظم الیه بخدمات (۲۶ الف) دفتری و غیره از جانب

او قیام نموده اند : سه نفر .

که حسب الصلاح مشارالیه خدمت
نامه نویس : یک نفر .

مینموده اند : دو نفر .

عرائض بواقع نویسنده نسبت دارد و مطالبی که در عرض مناصب و غیره امور متعلقه بدولتخواهی عرض مینموده اند ، هرگاه مقرون بصلاح دولت بوده اعتبار و اعتماد میگردانند ، و هر ساله مبلغ سی تومان بصیغه کاغذ بها از وجوهای اصفهان بجهت تحریر ارقام و ثبت و سر رشته دفاتر آن تنخواه میدادند ، و هرگاه استدعاء عرض مطلبی از خود و دیگری داشته ، بدون ممانعت (ب) در مجالس خاص و عام بخدمت پادشاهان میرفته و عرض مینموده اند . و هر گونه عریضه که هر کس بخدمت پادشاه بدهد خواندن عرائض و جواب نوشتن در خدمت بندگان اشرف بدیگری غیر از مجلس نویس نسبت ندارد . و بهمین جهت واقعه نویسان را «مجلس نویس» میگویند . و در میان از باب قلم بغیر از وزیر اعظم در رتبه خدمت و تقرب زیاده بر واقعه نویس دیگری نیست ، و همیشه از قدیم الایام واقعه نویسان در خدمت پادشاهان در مجالس خاص و عام مینشسته اند و در تحقیق امور جزئی و کلی سخن واقعه نویسان و عرض (۲۷ الف) ایشان مناسبت و معتبر بوده .

فصل سیزدهم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجاه مستوفی الممالک است

مشارالیه از جمله امراء اعظام . و شغل و عمل مشارالیه عظیم است و تعامات

مالیات دیوانی که در کل ممالک مجرو سه داد و ستد میشود باید از قرار نسخجاتی که مشارالیه از دفتر نویسند و بعد مال هر ولایت دهند مستند خود ساخته ، از آن قرار بدون زیاد و کم داد و ستد نمایند . و تعامات تیولات و همه سالجات بیکلر بیکیان و خوانین و حکام و سلاطین و رسومات و وزراء و مستوفیان و کلانتران و مواجب ارباب قلم و سایر عساکر (ب) منصوره و وظایف و سیور غالات و غیرهم ، و کیفیات دفتری که بمهر مشارالیه رسیده باشد ، داد و ستد و تنخواه داده میشود . و وزراء دیوان اعلی بدون تصدیق مشارالیه از مالیات دیوانی چیزی داد و ستد نمینمایند و در مالیات دیوانی تصدیق و تجویز مشارالیه مناسبت اعتبار و اعتماد است ، و محرران دیوان اعلی بعد از تصدیق ریش سفید هر سرکار و تجویز مشارالیه تعیین میشود . و ناظر و داروغه دفتر و صاحب توجیه و ضابطه نویس و اوارجه نویسان و غیرهم همگی جزو مشارالیه . و از وجوهای سرکار خاصه و ارباب التحاویل که داد و ستد آن (۲۸ الف) بامستوفی خاصه و ارباب التحاویل است آنچه مشارالیه «رسد» رساند ایشان تنخواه میدهند . و ارقام ملازمت و احکام تنخواه کل ملازمان ، اعم از آنکه تنخواه از دفتر دیوان و خاصه و ارباب التحاویل نگذرد ، سوای ارقام وظایف و معافیات و غیره سرکار خاصه تنخواه بمهر مشارالیه میرسد . و بازخواست تقصیرات محرران دفتر دیوان با عالیجاه مشارالیه است . و مستوفیان جزو ممالک مجرو سه را بتجویز عالیجاه مشارالیه باید تعیین نمود .

کتاب سرکار مزبور که بشغل تحریر در خدمت (ب) عالیجاه مستوفی الممالک قیام دارند . صاحب رقم آن عالیجاه مشارالیه که حسب ارقام ملازم دیوان بودند ، پنج نفر . و شغل و خدمت ایشان آن بوده که کیفیات و ارقام و احکام ملازمت و تنخواه و همه سالجات و تیول و وظایف و معافیات و سیور غالات و غیره نوشتجاتی که متعلق بداد و ستد دفتری است ملاحظه و تصحیح نموده ، آنچه مقرون بحساب باشد بمهر و بخط عالیجاه مشارالیه رسانیده ، و آنچه خلاف حساب باشد جواب دفتری قلمی و بصاحب کاغذ رد نمایند . محرران سرکار خالص که دفتر مزبور متعلق (۲۹ الف) با عالیجاه مشارالیه و بجهت استحضار و هم قلمی

سایر سرکارات خرج ارقام مناصب و ملازمت و احکام تیولات و همه سالجات و تنخواه براتی و انعام و سیورغالات و معافیات و غیره وجوہات داد و ستدی دفتر راتبت مینمودند. و چهار نفر محرر بودند که حال هیچیک موجود و در قید حیات نیستند.

فصل چهاردهم از باب دوم

در بیان تفصیل شغل عالیجاه خلیفه الخانقاست

شغل مشارالیه آنست که بدستور زمان شیخ صفی الدین اسحق در شبهای جمعه درویشان و صوفیان را در توحیدخانه جمع و بدکر کلمه (ب) طیه لاله الا الله بطریق ذکر جلی اشتغال، و در شب جمعه نان و حلوا و طعام، و در سایر اوقات نان و طعام، مقرری درویشانرا صرف مینماید. و دو نفر خلیفه و خادم باشی و چند نفر عمله توحیدخانه و خلیفه، در کل ممالک محروسه، بجهت امر معروف و نهی منکر تعیین میشود بتعلیقه خلفا تعیین، و رقم بر طبق آن شرف صدور مییابد.^۲

(باب سوم)

در بیان منصب هر يك از مقربان که لفظ «مقرب الخاقان» و «مقرب الحضرت» مختص ایشانست. و آن مشتملست بر دو مقاله:

مقاله اول در ذکر شغل جمعی از مقربان که بسبب زیادتی تقرّب (۳۰ الف) و رتبه خدمت ایشان را مقرب الخاقان مینویسند و این مشتملست بر دو نوع:

نوع اول در بیان خواجه سرایان صاحب منصب - اولاً در ازمنه سلاطین سالفه صفویه خواجه سرای سفید نبوده، و از خواجه سراهای سیاه هر کدام عاقل و زیرکتر و بخدمت پادشاهان لایقتر بوده اند ایشانرا ریش سفید خواجههای حرم عالیّه نموده، امر و نهی کل خواجههای سیاه باریش سفید و سر کرده مزبور بوده، عرایضی که امراء سرحد نزد ایشیک آقاسی باشیان میفرستاده^۳ یا امرای در خانه عریضه که در حرم میفرستاده اند،^۴ اولاً عرایض بدست ایشیک آقاسی باشی حرم محترم که کشیک (ب)

۱- و او تکرار شده است. ۲- اصل: میآید. ۳- جمله مابین دو شماره در حادیه است.

خانه معین دارد داده میشود، و ایشیک آقاسی باشی حرم بریش سفید خواجهای حرم داده، مشارالیه در اندرون حرم بنظر پادشاه رسانیده، جواب را میآورد، و امراء را در کشیکخانه، ایشیک آقاسی باشی طلب و خود میگفته که پادشاه در جواب عریضه چه نحو مقرر فرمود. و خواجه سرای معتبر دیگر که در قدر و مرتبه و اعتبار برابری باریش سفید حرم مینموده، او را صاحب جمع خزانه عامره، و کل نقد و جنس خزانه اندرون و بیرون را باو اعتماد مینموده اند. و کلید دار خزانه نیز خواجه سیاه و تائین صاحب جمع خزانه و کل عمله (۳۱ الف) خزانه تابع فرمان خزانه دار، و در کمال استقلال و اعتبار بوده اند. و در زمان شاه عباس ماضی صد نفر از غلامان گرجی سفید را خواجه نموده، یکی که از همه معتبر تر بود^۱ یوزباشی ایشان نموده اند، و یوزباشی دیگر بجهت خواجه سرایان سیاه تعیین و باو نیز صد نفر تائین از خواجه های سیاه داده، تا زمان شاه سلطان حسین یوزباشی آقایان سفید، ابراهیم آقا، و یوزباشی آقایان سیاه، الیاس آقا بوده. هر يك از یوزباشیان در دور حرم محترم عمارتی و دستگاهی و تیول و مواجب معینی خود و توائین ایشان، بنحوی که از سر رشته (ب) دفاتر معلوم میگردد، داشتند. و خدمت نظارت و جبا دار باشیگری را که در زمان سلاطین سلف با مقربان قزلباش بوده، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بخواجه های سفید تفویض نمودند. مدتی محمود آقا و لا جبا دار باشی و ثانیاً ناظر. و بعد از فوت او جبا دار باشیگری با اسماعیل آقای خواجه سفید و نظارت به قزلباش برگشت. و خدمت مهتری و کیب خانه نیز با خواجه سرایان معتبر بوده. و خدمت نزدیک و نگاهداشتن قابلق دستمال مختص مهتران رکابخانه است. و غلامان خاصه در پشت سر پادشاهان (۳۲ الف) ایستاده میشوند، لله مخصوصی داشتند. و غلامان ساده کوچک که مادام ملتجی نبودند و ریش نداشتند لله مخصوص و معلم مخصوص داشتند که ایشانرا تربیت مینمودند، بعد از آنکه ریش برمی آوردند و بزرگ میشدند داخل یوزده و توائین قولر آقاسیان میگشتند.

نوع دوم از مقاله اول، در بیان شغل مقربانی که داخل خواجه سرایان نیستند

۱- کلمه بود تکرار شده است.

وایشانرا مقرب الخاقان مینویسند. و این نوع مشتمل است بر هشت فصل.

فصل اول. در بیان شغل مقرب الخاقان حکیم باشی است

مشارالیه ریش سفید اطبای سرکار خاصه شریفه و انیس و جلیس (ب) مجالس عام و خاص پادشاهان و معزز و مکرم بوده اند. و شغل مشارالیه آنست که طبابت ذات اقدس و وجود مقدس، که جانها فدای نام مبارکش باد، نماید و ملاحظه نبض بمشارالیه تعلق دارد و بدیگری نسبت ندارد. و مواجب و انعام و ملازمت اطبا بتصدیق و تجویز و عرض مشارالیه ممضی، و وزراء اعظم و ناظران بیوتات از آنقرار معمول. و عطار باشی سرکار خاصه شریفه، از جمله توابع عالیجاه مشارالیه، و منع اطبای غیر ملازم از شغل طبابت، هرگاه و قوقی نداشته باشند، بمعظمالیه متعلق است. و اگر احدی از ولات و یککار یکیمان (۳۳ الف) استدعای طبیب از خدمت نواب اشرف نمایند یا سپه سالار و سرداری که تعیین شود طبیب خواهد، تعیین طبیب بعالیجاه مشارالیه مقرر میشود. و اطباء زمار شاه سابق سوای میرزا رحیم حکیم باشی سابق که مبالغ چهار صد تومان مواجب همه ساله داشته، موازی شصت و هشت نفر ملازم دیوان و یک هزار و هفتصد و نود و شش تومان و شش هزار و سیصد و شصت و شش دینار در وجه سایر اطبا، از همه ساله و تنخواه براتی، مقرر بوده.

فصل دوم. در بیان شغل مقرب الخاقان منجم باشی است

مشارالیه (ب) هر روزه بدستور اطبا بدر دوایخانه حاضر میباشد که اگر پادشاه و مقربان بجهت بنای امری، و اختیار سفری، و رخت نو پوشیدن، و بریدن، تحقیق ساعت سعد فرمایند، عرض نمایند و در خسوف و کسوف، و روز مولود سلاطین و جوه تصدقی که قورچی باشیان و سایر امراء بنظر آفتاب اثر میرسانیده اند، در اوایل ازمنه سلاطین بعضی اوقات افضل و اصالح فضلا، عصر که در درگاه معالی حاضر بوده اند، بمستحقین تقسیم مینمودند، و در بعضی اوقات منجم باشیان قسمت میکردند و در ایامیکه ملا باشی تعیین شد و جوه مزبوره را مومیالیه باهل استحقاق (۳۴ الف) قسمت مینمود، ملاخص اینکه رسانیدن وجه تصدق خسوف و کسوف در روز مولود بجماعت مستحقین، بمنجم

باشی یا ملا باشی بی نسبت نیست.

فصل سوم. در بیان شغل مقرب الخاقان معیر الممالک است

شغل متعلق بمعیران از قدیم الایام الی الان آنست که استادان، بوقوف و اطلاع ایشان طلا و نقره را بعیار و وزن مقرر بدون غل و غش در ضرابخانه با تمام رسانیده، بسکه ایکه بنظر آفتاب اثر رسیده، سکه کنان ملازم دیوانی منقوش نموده باشند، زر و سیم را مسکوک و چون رونق و رواج امور سلطنت منوط بخطبه و سکه خلافت است (ب) و اعتماد سکه را بمعیران نموده اند، باین تقریب صاحبان این خدمت در کمال اعتماد و اعزاز و احترام بوده، جمیع امور متعلقه بضرابخانه را سلاطین خلافت مکین بمعیران رجوع، و محرم مجالس خاص و عام، و در عرض مطلب از شرف بساط بوسی مجالس خاص و عام ممنوع نموده، مستدعیات خود را بدون واسطه مشافهه عرض، و پادشاهان سابق هر گونه خدمتی و رجوعی بضرابخانه میداشته اند، معیران را بحضور طالب فرموده مرجوع میساخته اند. و اگر ضرابی باشی بغیر معیر دیگری بوده تصدیق و تجویز معیران را در عزل و نصب ضرابی باشیان (۳۵ الف) و مشرفان مناط و معتبر میدانسته اند. و عزل و نصب و تنبیه و بازخواست سکه کنان و حکاکان و صرافان و زر کشان و استادان نه دستگاه مفصله ذیل و کل عمله ضرابخانه:

۱- دستگاه سباکی: عمله دستگاه مزبور طلاء معشوش را بخالص و نقره کم عیار را بقال گذاشته خالص مینمایند.

۲- دستگاه قرص کوبی: قرص خالص را بجهت ساختن زر میکوبند.

۳- دستگاه آهنگری: بعد از آنکه قرص کوب کار خود را تمام نمود، (ب) در دستگاه آهنگری بشکل میل آهنگری شمش مینمایند.

۴- دستگاه چرخ کشی: بعد از آهنگری، عمله چرخ کشی، طلا و نقره را از حدیده فولاد بیرون میکشند.

۵- دستگاه قطاعی: طلا و نقره را [برای] ساختن نقود قطع مینمایند.

۶- دستگاه کهله کوبی: آنچه از شمش قطع شده، بجهت عباسی و پنجشاهی

وایشانرا مقرب الخاقان می نویسند. و این نوع مشتمل است بر هشت فصل.

فصل اول. در بیان شغل مقرب الخاقان حکیم باشی است

مشارالیه ریش سفید اطبای سرکار خاصه شریقه و انیس و جلیس (ب) مجالس عام و خاص پادشاهان و معزز و مکرم بوده اند. و شغل مشارالیه آنست که طبابت ذات اقدس و وجود مقدس، که جانها فدای نام مبارکش باد، نماید و ملاحظه نبض بمشارالیه تعلق دارد و بدیگری نسبت ندارد. و مواجب و انعام و ملازمت اطبا بتصدیق و تجویز و عرض مشارالیه ممضی، و وزراء اعظم و ناظران بیوتات از آنقرار معمول. و عطار باشی سرکار خاصه شریقه، از جمله توابع عالیجاه مشارالیه، و منع اطبای غیر ملازم از شغل طبابت، هرگاه و قوفی نداشته باشند، بمعظم الیه متعلق است. و اگر احدی از ولات و یککری یکیمان (۳۳ الف) استدعای طبیب از خدمت نواب اشرف نمایند یا سیه سالار و سرداری که تعیین شود طبیب خواهد، تعیین طبیب بعالیجاه مشارالیه مقرر میشود. و اطباء زمان شاه سابق سوای میرزا رحیم حکیم باشی سابق که مبالغ چهار صد تومان مواجب همه ساله داشته، موازی شصت و هشت نفر ملازم دیوان و یک هزار و هفتصد و نود و شش تومان و شش هزار و سیصد و شصت و شش دینار در وجه سایر اطباء، از همه ساله و تذخواه براتی، مقرر بوده.

فصل دوم. در بیان شغل مقرب الخاقان منجم باشی است

مشارالیه (ب) هر روز بدستور اطبا بدرد و لیتخانه حاضر میباشد که اگر پادشاه و مقربان بجهت بنای امری، و اختیار سفری، و رخت نو پوشیدن، و بریدن، تحقیق ساعت سعد فرمایند، عرض نمایند و در خسوف و کسوف، و روز مولود سلاطین و جوه تصدقی که قورچی باشیان و سایر امراء بنظر آفتاب اثر میرسانیده اند، در اوایل ازمنه سلاطین بعضی اوقات افضل و اصلح فضلاء عصر که در درگاه معالی حاضر بوده اند، بمستحقین تقسیم مینمودند، و در بعضی اوقات منجم باشیان قسمت میکردند و در ایامیکه ملا باشی تعیین شد و جوه مزبوره را مومی الیه باهل استحقاق (۳۴ الف) قسمت مینمود، و ماخس اینکه رسانیدن وجه تصدق خسوف و کسوف در روز مولود بجماعت مستحقین، بمنجم

باشی یا ملا باشی بی نسبت نیست.

فصل سوم. در بیان شغل مقرب الخاقان معیر الممالک است

شغل متعلق بمعیران از قدیم الایام الی الان آنست که استادان، بوقوف و اطلاع ایشان طلا و نقره را بعیار و وزن مقرر بدون غل و غش در ضرابخانه با تمام رسانیده، بسکه ایکه بنظر آفتاب اثر رسیده، سکه کنان ملازم دیوانی متقوش نموده باشند، زر و سیم را مسکوک و چون رونق و رواج امور سلطنت منوط بخطبه و سکه خلافت است (ب) و اعتماد سکه را بمعیران نموده اند، باین تقریب صاحبان این خدمت در کمال اعتماد و اعزاز و احترام بوده، جمیع امور متعلقه بضرابخانه را سلاطین خلافت مکین بمعیران رجوع، و محرم مجالس خاص و عام، و در عرض مطلب از شرف بساط بوسی مجالس خاص و عام ممنوع نبوده، مستدعیات خود را بدون واسطه مشافهه عرض، و پادشاهان سابق هرگونه خدمتی و رجوعی بضرابخانه میداشته اند، معیران را بحضور طالب فرموده مرجوع می ساخته اند. و اگر ضرابی باشی بغیر معیر دیگری بوده تصدیق و تجویز معیران را در عزل و نصب ضرابی باشیان (۳۵ الف) و مشرفان مناط و معتبر میدانسته اند و عزل و نصب و تنبیه و بازخواست سکه کنان و حکاکان و صرافان و زر کشان و استادان نه دستگاه مفصله ذیل و کل عملة ضرابخانه:

۱- دستگاه سباکی: عملة دستگاه مزبور طلا، مغشوش را بخلاص و نقره کم عیار را بقال گذاشته خالص مینمایند.

۲- دستگاه قرص کوبی: قرص خالص را بجهت ساختن زر می کوبند.

۳- دستگاه آهنگری: بعد از آنکه قرص کوب کار خود را تمام نمود، (ب) در دستگاه آهنگری بشکل میل آهنگری شمش مینمایند.

۴- دستگاه چرخ کشی: بعد از آهنگری، عملة چرخ کشی، طلا و نقره را از حدیده فولاد بیرون میکشند.

۵- دستگاه قطاعی: طلا و نقره را [برای] ساختن نقود قطع مینمایند.

۶- دستگاه کھله کوائی: آنچه از شمش قطع شده، بجهت عباسی و پنجشاهی

پهن مینمایند.

۷- دستگاه سفیدگری: عمله مذکور چهره زر را سفیدگری مینمایند.

۸- دستگاه تخش کنی: (۳۶ الف) که به میزان نظر، عباسی کم وزن را جدا نموده مجدداً میگذرانند.

۹- دستگاه سکه کنی: استادان سکه کن هر روزه بشغل سکه کنی اشتغال مینمایند.

شغل مختص بمعیران و عمال دیگر را دخلی نیست. و حسب الرقم اشرف مقرر است که ضابطان و مستأجران و عمله و فعلة ممالك محروسه، و زرکشان و زرگران و صرافان و زرکوبان و مسگران و غیرهم، بدون اطلاع و وقوف بمعیران و گماشتگان ایشان داد و ستد ننموده، خود را بعزل او معزول و بنصب او منصوب شناسند. و تمام عیاری (ب) طلافی که از خلاص بیرون می آید آنست که عیار آن با عیار اشرفی کهنه دویستی برابر باشد. و عیار طلا، خلاصی روپوش نقره باید بعیار دویستی کهنه رسیده باشد. و در دستگاه نقره سازی طلا، روپوش صدپنج معمول، و اگر زربفت بسیار زرین سنگین مقرر شود که بافته^۱ شود، اعلی را صده، و اعلای اعلا را صد پانزده، روپوش مینمایند. و علامت نقره کامل عیار آنست که از سطح قرص نقره بعد از بر آمدن از کوره قال شاخچه ها بشکل حباب سر میزند، و بهمین جهت نقره خالص را شاخدار میگویند. و کمال خوبی عیار آنست که اگر صد مثقال از نقره (۳۷ الف) شاخدار را بگذارند زیاده بر چهار دانگ الی یک مثقال کسر بهم نرساند، و حاصلی را که ضرابی^۲ باشند ضابط و تحویلدار اند و بجهت سرکار خاصه شریفه ضبط مینمایند و واجبی^۳ میگویند و واجبی سرکار دیوان از طلا و نقره که در ضرابخانه مسکوک میشود، در سوابق ایام بدین موجب بوده، طلا: از قرار مثقالی سی دینار. نقره: از قرار مثقالی دو دینار. و ثانیاً معیران تدریجاً بجهت^۳ کفایت سرکار دیوان بر قدر واجبی افزوده: طلا را از قرار

۱- در اصل: یافته. ۲- در اصل: زرایی. ۳- جای این چهار کلمه بین دو شماره ۳ را که بعد از دو کلمه «موجب بوده» واقع بود تغییر دادیم.

مثقالی پنجاه دینار - و نقره پنج دینار، استمرار داده بودند. و در سالی که شاه سابق^۱ بقزوین حرکت مینمود، وزن عباسی را هفت دانگ مقرر (ب)، و بعد از معاودت از سفر مزبور، قبل از ایام محاصره اصفهان، محمد علی بیك معیر الممالك بجهت توفیر سرکار دیوان اعلی، و مزید انتفاع سرکار خاصه، بخدمت شاه سابق عرض ویک دانگ از وزن عباسی را کم نموده، عباسی را شش دانگ مسکوک، ویک دانگ نقره اضافه را علاوه واجبی نموده، از آن تاریخ الی نه ماهه سال جلوس شاه محمود، واجبی ضرابخانه بهمان دستور شاه سابق بدین موجب ضبط و انقاد میشد:

طلا: مسکوک از قرار مثقالی پنجاه دینار. نقره: از قرار مثقالی سی و سه دینار

[و] نیم طسوج و شعیرین.

واجبی سابق: پنج دینار. سبع یک مثقال بیست و هشت دینار و نیم طسوج و شعیرین.

(۳۸ الف) و چون بخدمت شاه محمود عرض نموده بودند که وزن عباسی از قرار شش دانگ سکه پادشاهان را بیقدر و بی وقع میکند، در شهر رمضان المبارک توشقان عیل مقرر فرمودند که: عباسی را در ضرابخانه بوزن پنج شاهی نه دانگ و نیم سکه نمایند، و واجبی طلا و نقره بدین موجب:

طلا: از قرار مثقالی بدستور سابق.

مسکوک	روپوش نقره	مسکوک	نقد و نقره
پنجاه دینار	صد دینار	مثقالی	حلقه
		ده دینار	شانزده دینار

بجهت سرکار خاصه ضبط شود، و تفاوت بر طرف باشد، و باینجهت رواج سکه پنجشاهی بحدی رسید که بعد از سکه شدن باطراف میبردند (ب)، و در شهرهاییکه اطاعت نکرده، نیز رواج دارد. و قلابی که صرفه نمیکند که باین وزن زر سکه نمایند، و الحال سکه نواب کامیاب اقدس اشرف

۱- مراد ظاهراً سلطان حسین آخرین پادشاه صفوی باشد.

اعلی نیز پنجشاهی بوزن نه دایک و نیم زمان شاه محمود و طای اشرفی بدستور قدیم چهار دایک و نیم سکه میشود و کمال رواج و رونق الحمد لله در اصفهان و تمام اطراف ممالک محروسه دارد. و در عهد سلطنت سلاطین سلف کل منافع «واجبی» ضرابخانه در سال اعلی، که تجار فروش بسیار از اطراف می آوردند، و نده ساخته و فلوس کاری در عین معموری شهر، که چهار صد (۳۹ الف) عملة موجودی در نه دایکگاه ضرابخانه هر روزه کار میکردند، پانصد تومان الی ششصد [و] هفتصد تومان با جاره میدادند، که مستأجر از کل اجاره دیوانی موازی یک هزار عدد اشرفی و یکصد «دستجه کله» که قیمت آنها تخمیناً دویست و پنجاه تومان بدین موجب میشود، انقاد خزانه عامره، و سیصد و پنجاه تومان دیگر را بمواجب معمر و ضرابی باشی و سایر ارباب حوالات سرکار خاصه شریقه میدادند. و بقیه از همان مبلغ فوق، چیزی انقاد خزانه عامره نمیشده، و شانزده یک از وجه اصلی سرکار خاصه شریقه در وجه (ب) معیر الممالک از قدیم الایام الی الان مقرر و مستمر است.

فصل چهارم در بیان شغل مقرب الخاقان منشی الممالک است

شغل مشارالیه آنست که پروا نجات مبارک اشرف، و ملازمت و تیول، و همه ساله، و تنخواه مواجب و حکم هائیکه دیوان بیکی میدهد، همگی را منشی الممالک بسرخ و آب طلا بدین موجب:

بابی

که «حکم چهارم طاع شد» مینویسد، در

حکم هائیکه دیوان بیکی میدهد.

بابی

که «فرمان همایون شرت نفاذ یافت»

مینویسد، در جواب نامه ها و مثال هائیکه

که صدور میدهند،

طغرا میکشد و شجره صوفیان و سیورغالات (۴۰ الف) ایشانرا منشی الممالک

مینویسد و در ^۱ تواین او در دارالانشاء، بیست و هشت نفر بدین موجب بوده اند:

بابی

منشی دیوان یک نفر است.

محرران دارالانشاء بیست و هفت نفر.

بالفعل هیچیک موجود نیستند. و طغرای آب طلا و سرخی، مختص قلم منشی.

الممالک، و بدیگری نسبت ندارد. و از جمله مقربان دربار گیتی مدار و بار یافتگان ^۲ مجالس خاص و عام، و تصدیق ملازمت، و مواجب محرران و منشیان دارالانشاء، و اهلیت و قابلیت ایشان، بمقرب الخاقان مزبور متعلق است. و همیشه در ازمنه سلاطین، منشیان ممالک معزز و بصفت کمالات آراسته بودند. (ب).

فصل پنجم در بیان شغل مقرب الخاقان مهر دار مهر «همایون»

از قراری که از سر رشته مهر دار سابق معلوم میشود، در زمان قدیم اولاً سیصد و شصت و چهار تومان، و بعد از آن هزار و سیصد و شصت تومان و پنج هزار و سیصد و شصت و یک دینار تیول، از محال قم و غیره داشته. و در بعضی اوقات تیول مزبور ضبط ^۳ و در عوض ایالت و حکومت بایشان داده اند، و در بعضی ایام بدستوری که معولست شغل مهر داری بدون تیول داده شده، و در این ایام مهر داری مهر همایون را قبله عالم بدستور سابق بمقرب الخاقان (۴۱ الف) الله داد بیک شفقت فرموده اند و شغل مشارالیه از جمله مناصب عظیمه، و مجلس نشین مجلس بهشت آئین است. و شغل مهر داری در قدیم الایام آن بوده که ارقام وزارت ها و استیفاها و کالانتیری ها و سیورغالات و معافیات و تیول نامجات امرا و حکام و غیره را بعد از ثبت دفاتر، بمهر ثبت مهر همایون که نزد مهر دار مزبورست و در ضمن ارقام، در گوشه عنوان مهر مینموده. و در اواخر، این ضابطه مضبوط نبود بلکه رسوم خود را از قرار تصدیق دفتری بازیافت مینمودند.

فصل ششم در بیان شغل مقرب (ب) الخاقان مهر دار مهر «شرف نفاذ».

شغل مشارالیه آنست که ارقام و احکام امراء و ورزاء و مستوفیان و لشکر نویسان و قطعه ارباب مناصب جزو و کل را که در اردوی معالی بالممالک محروسه

ایران تعیین می‌شده؛ گوشه ضمن ارقام را در برابر مهر «همایون» بمهر کوچک «شرف» نفاد» مهر نماید؛ و چنانچه صاحبان مناصب رقم منصب خود را بجهت مدافعه رسوم مقرر به مهر مهرباران نمیداده‌اند، تصدیق رسوم مقرره خود را از سر رشته دفاتر توجیه دیوان اعلیٰ مشخص و معین، و بقلم ارباب حوالات دیوانی داده، عرض، از وجوه معینه باز یافت، و ارقام مناصب، خواه بمهری که در نزد مهر (۴۲ الف) داران ضبطست میرسیده یا نمیرسیده، رسوم مستمری خود را اخذ می‌نموده‌اند. و رسوم مهر «شرف نفاد» بدین موجب است که بصیغه دوشلک هشتصد و سی و پنج دینار در سال اول.

آنچه ارقام ایالت و حکومت و سایر
آنچه از ارقام ظهیر سیورغالات و
مناصب جزو کل ممالک محروسه باز یافت
معافیات باز یافت می‌نمایند از قرار
هر تومانی سیصد و سه قاربنکی
هر تومانی پانصد و بیست دینار.

قبض و اخذ می‌نماید و در سنوات بعد بدستور مهر همایون دوشلک
مجددی ندارد.

فصل هفتم - در بیان شغل مقرب الخاقان دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر

ارقام بیاضی و دفتری را واقعه نویسان طغرا میکشند، مشارالیه بمهر مهر آتار میدهد. (ب) سی تومانی مواجب و مساوی ششماه آن تیول دارد. و از بر آوردی مداخل امراء و حکام و غیره که منصب بایشان داده میشود، از هر تومانی مبلغ یکصد دینار رسوم در سال اول میگیرد. و از ارقام ملازمت از قرار تومانی پنجاه دینار دوشلک باز یافت می‌نماید. و ارقام تنخواه و اجارات بقرار تومانی بیست و پنج دینار میگیرد. و در مجلس عام در صف قورچیان یراق، در پهلوی دواتدار قدیمی که دواتدار پروانه جاتست ایستاده میشود.

فصل هشتم در بیان شغل مقرب الخاقان دواتدار

ارقام و احکام و پروانجات که عالیجاه منشی الممالک طغرا (۴۳ الف) میکشد، مهر دادن آن مختص دواتدار مذکور است. و مبلغ سی تومانی مواجب و ششماه تیول

و از ارقام ملازمت پنجاه دینار دوشلک دارد. و از ارقام تنخواه که از سرکار ممالک میگذرد و اجارات سرکار ممالک نیز ظاهر از هر تومانی مبلغ نیم شاهسی باز یافت می‌نماید. و جای او که می‌ایستد آنست که در صف قورچیان یراق، در پهلوی قورچی صدق که مهربار مهر «شرف نفاد» نیز بود ایستاده میشد.

مقالة دوم از باب سوم. در ذکر جمعی که ایشانرا «مقرب الحضرت» مینویسند و آن مشتملست بر دو صنف:

صنف اول مشتملست بر چهار فصل:

فصل (ب) اول. در بیان شغل مقرب الحضرت ایشیک آقاسی باشی حرم محترم.

خدمت مزبور را بجمعی که پیرتر، و قدیمی تر، و در دربار پادشاهی محرم تر، و بصفت صلاح و تدین و راستی آراسته بوده‌اند مرجوع مینموده‌اند. و شب و روز در در حرم حاضر بوده، قاپوچیان حرم و ایشیک آقاسیان حرم تائین و تابع فرمان او می‌باشند. و نسق در حرم، و امر و منع و نهی مردم اجنبی و بیگانه، مختص ایشیک آقاسی باشی حرم است. و تصدیق مواجب و خدمت تواین مزبور بامقرب الحضرت ایشیک آقاسی باشی مشارالیه است.

فصل دوم. در بیان شغل (۴۴ الف) یساولان صحبت

و یساولان صحبت بغیر از امر ازاده معتبر دیگر کسی نبوده، و در قدیم هشت نه نفر بیشتر نبوده‌اند، در مجلس خاص ایشان بجای ایشیک آقاسی باشی خدمت، و در مجالس عام در برابر پادشاه ایستاده میشوند. و خدمت مجلس را ایشیک آقاسیان مینمایند، و همگی تائین ایشیک آقاسی باشی دیوان اعلیٰ، و تصدیق مواجب و خدمت ایشان بعالیجاه مشارالیه متعلق است.

فصل سوم. در بیان شغل ایشیک آقاسیان مجلس

جماعت مزبور را از امر ازاده و غیر از امر ازاده، از آقایان معتبر، هر کدام لیاقت خدمت حضور دارند (ب) ایشیک آقاسی مجلس، و در مجالس عام خدمت مینمایند، و تائین ایشیک آقاسی باشی، و تصدیق مواجب و خدمت و امر و نهی ایشان

باشيك آقاسی باشی دیوانست.

فصل چهارم . در بیان قاپوچیان

در قاپوچی باشی مقرر است: یکی قاپوچی باشی دیوان؛ و یکی قاپوچی باشی خلوت، و هر يك جمع کثیری تواین دارند، امر و نهی در دولتیخانه میدان و سمت مطبخ و سمت چهار حوض با قاپوچیان دیوان، و از خلوت مختص قاپوچی باشی خلوت، و ایشان و تواین ایشان تاین ایشیک آقاسی باشی دیوان، و تصدیق مواجب و خدمت و امر و نهی ایشان (۴۵ الف) با عالیجاه ایشیک آقاسی باشی دیوان اعلی است. و همگی یساویان صحبت و ایشیک آقاسیان را «مقرب الحضرت» مینویسند.

صنف دوم مشتملست بر ذکر شغل صاحبجمعان بیوتات. و آن مشتمل است بر هجده فصل و دو ضابطه:

ضابطه اول

در بیان شغل صاحبجمع خزانه عامره و سایر بیوتات معموره

مجملاً خدمت ایشان آنست که آنچه بجهت اخراجات سالیانه هر کارخانه از نقد و جنس، از قرار بر آورد مشرفان، احتیاج داشته باشد، تفصیلاً یا عریضه‌یی نوشته، نزد ناظر بیوتات آورده، بعد از تحقیقات لازمه و تشخیص باقی و فاضل هر يك، بقدر احتیاج (ب) وزیر بیوتات از جانب ناظر شرحی بخدمت وزیر اعظم قلمی، از قرار تعلیقه که بر رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی رسیده، صاحبجمعان بیوتات از آن قرار قبض نوشته، تنخواه باز یافت. و قبوض صاحبجمعان مادام که بخط وزیر بیوتات و مستوفی ارباب التجار و مهر ناظر نرسد، تحویل ایشان داده نمیشود.

ضابطه دوم

در بیان شغل هر يك از صاحبجمعان بیوتات معموره و آن مشتمل است بر شانزده فصل^۱:

فصل اول - شغل صاحبجمع خزانه عامره آنست که صاحبجمع مزبور مقرب الخاقان،

۱ - این «شانزده فصل» پیور ذکر شده است و چنانکه بالا تر گفته شد صنف دوم مشتمل بر هجده فصل و دو ضابطه است و صحیح هم همان است چنانکه بیاید.

و آنچه نقد و جوهات ممالک محروسه و دارالسلطنه (۴۶ الف) اصفهان متعلق بسرکار دیوان است، بتحویل صاحب جمع خزانه عامره مقرر بود، و هر يك از عمال و حکام و مهابشرین مالیات دیوانی تأخیر در وجوه انفادی خزانه عامره مینمودند، صاحبجمع خزانه بجهت وصول انفادیات خزانه، تواین خود را محصل، و بولایات فرستاده، وجوه تحویلی را وصول، و ابواب جمع خود می نمود. و وجوه مالیه اصناف اصفهان و مدد خرج مهمانان که سه هزار تومان میشود، محمد مؤمن خان و شاه قلی خان وزیر اعظم، هر يك در ایام عمل، بتحصیل تاین باشی خود مقرر داشته بودند، آقا کمال صاحبجمع بخدمت پاشاده سابق عرض و حاجی مهدیخان (ب) معتمد خود را محصل، و هر ساله مومی الیه تمام و کمال وصول و انفاد خزانه عامره مینمود. و آنچه آنفس اجناس سرکار خاصه شریفه است، خواه از جواهر یا قمشه نفیسه پیشکش از کتاب و سمور و زر بفت و سایر اجناس بسیار تحفه، در خزانه عامره بتحویل مشارالیه مقرر، و صاحب جمع خزانه در نهایت اعتبار و کمال اقتدار، و کلید دار خزانه نیز از معتبرین خواجه سرایانست.

فصل دوم در بیان جباخانه - از صاحبجمعان عظیم الشان جبا دار باشی است که کل عمله جباخانه تاین او، و مواجب و تصدیق خدمت هر يك از عمله سرکار مزبور (۴۷ الف) بتجویز ریش سفید سرکار مزبور است، و مشرف جباخانه نیز معتبر، و تمام وجوه تحویلی قورخانه مبارکه، از آلات و ادوات حرب مکمل بجواهر و غیره، و سرب و باروط، باطلاع و سررشته مشرف سرکار مزبور بتحویل صاحب جمع مقرر، و کل اجناس قورخانه آنچه در جباخانه، خواه^۱ آنچه در جباخانه ایروان و سایر قلاع و ولایات که در آنها قورخانه شاهی میباشد جبا دار باشی تحویلدار تعیین، و حکام ولایات تمکین و توقیر او می نمایند. و مشارالیه از جمله اعظم مقربان و معتبرین در گاه پادشاهان میباشد.

فصل سوم از جمله مقربان، مقرب الحضرت صاحب (ب) جمع قیج جباخانه خاصه و تفعیل شغل صاحب جمع مزبور به وجبی است که در تحت دو دفعه نوشته میشود:

دفعه اول: در بیان تحویل اجناسی است که بصاحبجمع مزبور مناسبت دارد، از آن جمله

۱ - کذا و عبارت نیز اشر است.

لباسهای خاصگی پادشاهست، باین طریق که اقمشه نفیسه که بجهت پوشش سر کار خاصه بجهت قطع انتخاب میشود، صاحب جمع خزانه عامره تحویل قیجاچیخانه خاصه نموده، در ساعتی که منجم یاشی تعیین و بعرض اقدس رساند، خیاط یاشی در حضور معتمد عالیجاه ناظر و صاحب جمع قیجاچیخانه و مشرف، قطع و حاصل آن که آن لباس دوخته (۴۸ الف) باشد بآنچه از لباسهای دوخته که در سر کار مزبور جمع است، بتحویل صاحب جمع مذکور مقرر است. دیگر اقمشه انعامی و خلعتی و آنچه میباید شود، بتحویل صاحب جمع مزبور مقرر است، و طریق ابتیاع اقمشه در سر کار مزبور باین دستور است که باید عالیجاه ناظر، از باب خیریت و بصیرت را حاضر، و بوقوف ایشان قیمت مشخص، و قیمت ناهچه را بمهر اهل خیریت رسانیده بر طبق آن سند ابتیاع قلمی گردد، و اقمشه کاشان و سایر ولایات بدستور مذکور قیمت مشخص، و از آن قرار در ضمن توامیر انفاد، قبض الواصل قلمی، و بخرج وزراء و عمال مجرا میگردد. و اموال سنگین نیز (ب) بمناسبت در سر کار مزبور تحویل میشود. و قبایی که بجهت امرای عظام خلعت سنگین دوخته میشود، حکم قبای پوشیده دارد، در سر کار مزبور جمع است. و سمور و لندره نیز بتحویل صاحب جمع مزبور مقرر است.

دفعه دوم: در ذکر تواین صاحب جمع مذکور: خیاط، جوراب دوز، چاقشور دوز، لندره دوز، اتو کش، حلاج، صاف کن، کلاه دوز.

فصل چهارم: از جمله مقر بان صاحب جمع قیجاچیخانه امرایست و بیان شغل و ضابطه سر کار مزبور آنست که خلعتی که بحکام و وزراء و کلاتر و مین باشیان و یوز باشیان و سایر جماعت که در مرتبه امراء نداشتند، و در (۴۹ الف) کاشان و اصفهان دوخته و داده شود، در سر کار مزبور تحویل میشود. و اگر از قبا و بالاپوش، خلعت شفقست شود، قاعده آن است که هر کس مشافیه از پادشاه شنیده باشد، عریضه بخدمت وزیر اعظم نوشته، بعد از آنکه عریضه برقم وزیر دیوان اعلی و تجویز عالیجاه ناظر رسد، قبا و بالاپوش از سر کار مزبور داده میشود، و هر گاه تاج و هاج خواهند بکسی دهند، در سر کار مزبور از زر بفت بوم زر و غیره دوخته، اولاد در سر کار مزبور جمع، و ثانیاً

بخرج داده میشود.

فصل پنجم: از جمله مقر بان فراش یاشی^۱ مشعلدار یاشی است. و تفصیل شغل مشارالیه دو بابت است: (ب)

بابت اول: در ذکر تحویلات اوست. و تحویل او بدین موجب است: قالی و قالیچه، تکیه نمند و دوشک، خیام و آنچه متعلق باوست، پیه سوز و شمع دان، سوزنی، موم، شمع، پیه گداخته، صابون، طناب، نوار، نمند لنگه الوان، گلیم، نمند بور، میلک، مثقالی، جیت، دالبر، لندره، طشت مس، کاغذ پنجره، سریش، فانوس، موچکدان، پرتیهای چوبی، کجاوه مع کجاوه پوش.

بابت دوم: در ذکر جماعتی که تابع و تایین فراش باشیان میباشند بدین موجب است: خیمه دوز، لندره دوز، چراغچی، شماعی، فراش، صندوق ساز.

فصل ششم: در بیان شغل صاحب جمع میوه خانه و غیره اجناس متعلقه بمیوه خانه: خربزه، (۵۰ الف) خیار، انگور، رب انار، مهر هندی، سبزی، زرد الوان^۲ و غیره میوه ها بالتمام است. و ظروف طلا و نقره و مس بقدر احتیاج تحویل صاحب جمع مزبور میشود. و تحویل بدستوری^۳ که در حویجخانه نوشته شده، باز یافت مینمایند و اخراجات مقرری و اضافه بدستور^۴ حویج خانه است.

فصل هفتم: در بیان شغل صاحب جمع غانات. آنچه گوسفند از هر جا آورند باید در حضور معتمد ناظر کشته شود. و گوشت و دنبه و پیه خام و کله و پاچه و جگر و پوست او تحویل وضبط شود. و هر گاه گوسفند در سر کار نباشد و گوشت از بازار بخرند، هر ماده قیمت آن از قرار تسعیر صاحب نسق و محتسب الممالک و ریش سفیدان صنف، که (ب) بمهر ناظر رسد ابتیاع شود، که نقصان بمال دیوان نرسد. و بره و آنچه بجهت صرف خاصه و خادمان احتیاج باشد، استاد قصابان قیمت نامچه بقید التزام نوشته تسلیم نماید، که از آن قرار بخرج مجری گردد.

۱- دو کلمه میان دو شماره در حاشیه است. ۲- در اصل: باب. ۳- کذا: ظ: زرد آلو. ۴- عبارت میان دو شماره در حاشیه است.

فصل هشتم - در بیان شغل صاحب جمع آبدارخانه و غیره تنگ و جام آبخوری از طلا آلات و نقره^۱ و غیره، و مظهره و حسینی و جوال پنج کشی و اسباب یخچالها و دولچه، تحویل مشارالیه میشود.

فصل نهم - در بیان شغل صاحب جمع شترخان و اسبابی که بتحويل صاحب جمع مزبور داده میشود و اسباب مزبور از جل و تکلتو و جوال (۵۱ الف) و نمد و افسار و ریسمن و آنچه متعلق به شترخان است، ابواب جمع صاحب جمع سرکار مزبور میشود. و سالی یکمرتبه ناظر بمرافقت وزیر بیوتات ملاحظه شتران و نیاک و بد آنها مینمایند، و آنچه از شتران تلف شود از قرار تمقا بخرج صاحب جمع مجری، و تمقارا در حضور ناظر بآتش میسوزند.

فصل دهم - در بیان شغل صاحب جمع قهوه خانه - قهوه دانه های طلا و نقره و مس و قرا آفتابها و قهوه بریان کن و پیاله و سینی تحویل مشارالیه میشود.

فصل یازدهم - در دگر تحويل تحويل بلدان عمارات عمارات - آنچه از قالی و تکیه و نمد و جاجیم و طاقچه پوش (ب) و غیره است تحويل تحويل بلدان عمارات، و قالی تکانیدن و جاروب کردن متعلق به سرایدار است.

فصل دوازدهم - در بیان شغل صاحب جمع رکابخانه رخوت حمام خاصه و آنچه متعلق بآن است، و احاف و نازبالش و پشتی مخصوص خاصه و لباس خاصه و مفرشهای طلاطین که در سفر اسباب خادمان بسته میشود، و کفش و چکمه و جوراب و جانماز و آنچه متعلق بآنست.

فصل سیزدهم - در بیان شغل صاحب جمع مشعلخانه و نقاره خانه - مشاعل طلا و نقره و مس و دتبه و پیه و روغن چراغ و جرغاله و نواله و کوس و نقاره و کرنا و نفیر و سرنا (۵۲ الف) و آنچه متعلق بنقاره است، و عمله نقاره خانه و مشعلخانه، بتأیینی مشعلدار باشی مقرر است که که سال سال از قرار توهار سان، که بمهر ناظر و رقم اعتمادالدوله رسد، مواجب باز یافت مینمایند.

فصل چهاردهم - در بیان شغل صاحب جمع انبار - آنچه جو و کاه و یونجه و قصیل که بجهت علیق دواب طوایل و قطار استران بوده باشد، و آنچه جل و پیراهن و تنگ و افسار و قنطرغه و پابند و سطل و نعل و میخ و کمند و پارو و نمد بالا پوش و توپره و روشنائی طوایل، تحویل انباردار باشی میشود.

فصل پانزدهم - در بیان شغل صاحب جمع اصطبل - آنچه اسب و استر (ب) و الاغ که در سرکار بوده باشد، تحويل صاحب جمع سرکار مذکور میشود.

فصل شانزدهم - در بیان شغل صاحب جمع شربتخانه معموره - و شغل صاحب جمع مزبور آنست که آنچه اجناس که متعلق بشربتخانه است که تحويل او شود، ظروف طلا و نقره و چینی و کاشی و مس و شکر و قند و عتاقیر و قهوه و تنباکو و شیشه و سرونی و غیره اسباب غلیان و هلیله و امله و غیر مریات و آب لیمو و گلاب و غیره عرقها و ترشیا و عطرها و غیره است. و در باب مقرری خاصه و خادمان و مقربان و جیره خواران از قراری که روز اول سند محکوم به شده باشد (۵۳ الف) هر روز بخرج خود مجری نماید، و آن چه اضافه هر روز دهد، از قرار سندی که هر روز محکوم به گردد، مجری دارد، و بدون سند چیزی بخرج خود ننویسد.

فصل هفدهم - در بیان شغل ضرابی باشی - مشارالیه باید که متوجه باشد که ضرابیهای سکه زن بدستور مقرر در اشرفی و عباسی سکه کاری نمایند، بنحوی که عیب و علتی نداشته باشد، و احدی از ضرابیان خیانتی در سکه ننمایند، و متفحص بوده در هر جا قلابی بهمیرسد، صاحب نسق را مطلع ساخته، هرگاه تقصیر جزئی نبوده او را بازخواست و تنبیه، و چنانچه تقصیر او عظیم و گنجایش عرض (ب) داشته باشد، بخدمت نواب همایون عرض نماید، که آنچه مقرر گردد عالیجاه دیوان بیکی بعمل آورد، و اهتمام نماید که نقده سازی در ضرابخانه و در جای دیگر ننمایند و نگذارند که زر مغشوش سکه کنند. و ضرابی باشی تحويلدار مال دیوانست که مشرف ضرابخانه وجه واجبی را بفرموده و اصلاح معیر الممالک ابواب جمع ضرابی باشی نموده و روز بروز روزنامه قلمی و بنظر معیر الممالک میرساند، و ماه بماه حساب

ایرا حسب الواقع تشخیص دهد، و نویسنده بی که معبر الممالک تعیین نموده که بامشرف هم قلم است (۵۴ الف) مقابله نماید که اختلافی در وجوه تحویل ضابط بهم نرسیده، نقصان بمال دیوان نرسد، و عزل و نصب ضرابی و مشرف نیز بتصدیق^۱ و تجویز معبر الممالک مقرر است.

فصل هجدهم. در بیان شغل صراف باشی خزانه عامره - مشارالیه را خدمت آنست که آنچه استرفی و زر سفید از ولایات و وجوهات بخزانه عامره آورند، صاحب جمع بازیافت، و مشارالیه و صرافان در حضور صاحب جمع و مشرف و مؤدبی باو کیل او ملاحظه و صرافانی و در میان کیسه کرده سر آنرا مهر، و تحویل صاحب جمع است که بهر مصرفی که مقرر فرماید داده میشود، و آنچه (ب) از زرهای قلاتی و زیون باشد، جدا کرده تسلیم صاحب زر عینماید.

(باب چهارم)

و آن مشتمل است بر دو مقصد -

مقصد اول.

در بیان شغل وزیر بیوتات و مستوفی ارباب التحاویل و مشرفان بیوتات معموره و آن مشتمل است بر سه فصل :

فصل اول. در بیان تفصیل شغل عالیحضرت وزیر بیوتات - خدمت مشارالیه آنست که آنچه اخراجات در کارخانجات سرکار خاصه شریفه واقع شود، اسناد و روزنامجات آنها را بقدرن ناظر بیوتات، تواین مشارالیه روز بروز هفته به هفته و ماه به ماه بوزیر بیوتات برسانند (۵۵ الف) که وزیر مذکور بایک نفر نویسنده بی که از سرکار خاصه مواجب دارد، مقابله و موازنه و خاطر^۲ جمع نموده خط گذاشته بمهر ناظر دهد، که تأخیر در نوشتن روزنامجات و اسناد واقع نشود، که نقصان بمرکار خاصه شریفه برسد، و در اعیاد و روزهای مجلس، آنچه از طعام و افشیره و ترشی و غیره صرف شود و ناظر تصدیق کرده باشد که فلان قدر حاضر سازند، وزیر بیوتات ملاحظه و شماره و سیاهه برداشته، ضبط نماید، که در روزی که سند میرسد، زیاده از آنچه آورده اند بخرج ننوشته باشند و هر گونه دادوستدی که در بیوتات (ب) واقع

۱ - کلبه درخاشیه است ۲ - در اصل - خواطر

میشود مادام که آن کاغد بخط وزیر بیوتات نرسیده باشد ناظر مهر نکند، و سان عمله و عرض شتران و قیمت اقمشه انفادی را ناظر بدون حضور وزیر بیوتات نبیند، و اجناس و اقمشه و غیره که بجهت بیوتات در اصفهان خریده شود، ناظر بحضور^۱ وزیر بیوتات و اهل خیرت باید قیمت مشخص نمایند. و هر گاه ناظر دیگری را در خدمت وزیر بیوتات شریک و سهیم نماید البته خیانت و تقلب و تصرف داشته خواهد بود، و مواجب عمله بیوتات جمعی که در سان حاضر باشند، از قرار توامیر که بخط وزیر بیوتات و مهر (۵۶ الف) ناظر و رقم اعتمادالدوله رسیده باشد، داده میشود. و جمعی که بخدمت و رخصت رفته باشند بعد از حضور از قرار کیفیات که بدستور، بتجویز و رقم و خط مشارالیهم رسد مواجب گیرند.

فصل دوم. در بیان تفصیل شغل مستوفی ارباب التحاویل - شغلش آنست که آنچه بهر جهت از جهات از نقد و طلا آلات و مرصع آلات و نقره آلات و سمور و اقمشه و ملیوس و شتر و دواب و اجناس که تحویل صاحب جمعان شود، سر رشته منقحی در آن باب درست دارد که مال دیوان از میان نرود، و ماه به ماه روزنامجات را از مشرفان گرفته (ب) بطرح^۲ سر رشته ارباب التحاویل^۳ و ایل^۴ محاسبه بر^۵ صاحب جمعان نوشته باقی و فاضل هر يك را موافق قانون حساب مشخص نماید، بدون مهر ناظر چیزی بخرج احدی ننویسد.

فصل سوم. در بیان شغل مشرفان بیوتات معموره - شغل مشرفان آنست که روزنامجات و اسناد کارخانجات متعلقه بخود را روز بروز بنویسند^۳ و پس نیندازند که هر گاه روزنامجات پس افتد، نقصان کلی بمرکار خاصه شریفه میرسد، و چنانچه صاحب جمعان و محصلان اخراجات و اسناد را بایشان برسانند، باید بتناظر بیوتات بگویند، و عالیجاء ناظر کس تعیین نماید و اسناد را بایشان برسانند، و مشرفان (۵۷ الف) بدون سند يك دینار و یکمن بار بر بانی داخل روزنامجات نمایند، و هر گاه اسناد را غیر صاحبان کار، خط و مهر گذاشته باشند بر گردانند، و مادام که صاحب

۱ - یعنی با حضور ۲ - عبارت میان دو شماره درخاشیه است ۳ - اصل : بنویسند

جمعان باقی نقدی و جنسی پیش داشته باشند، آن مبلغ و مقدار را داخل بر آورد سال آینده نمایند.

مقصد ثانی

در بیان تفصیل شغل و وزراء و مستوفیان جمع و خرج دفترخانه همایون اعلی و داروغه و عزب باشی و غیره و آن مشتمل بر بیست و دو فصل است: فصل اول در بیان شغل مقرب الحضرت العالیة ناظر دفترخانه همایون اعلی - شغل مشارالیه آنست که ارقام ملازمت (ب) و مدد معاشی و معافیتها و سیورغالات و وظائف و احکام همه ساله و تیول و تنخواه کل عساکر و ارقام مناصب ارباب منصب و افراد محاسبات عمال کل ممالک محروسه، که از هر دفترخانه میگردد، بعد از تصحیح بمهر او میرسد. و مفروض نمودن محاسبات کل عمال ممالک محروسه، از وزراء و متصدیان و مستأجران و مباشران مالیات دیوانی، شغل مختص مقرب الحضرت مشارالیه است. و نه نفر محرر ملازم دیوان داشته، که هشت نفر از ارقام و احکام همه سالجات و تنخواه و تصدیقات و همه ساله و غیره که از سرکارات (۵۸ الف) میگردد، ایشان نیز ثبت و خط میگذارند و يك نفر دیگر در حین گذشتن محاسبات و ارقام و احکام و تصدیقات بعد از تصحیح، خط و شد میکشد.

فصل دوم. در بیان تفصیل شغل داروغه دفترخانه - شغل مشارالیه آنست که تسبی کل دفترخانه و تنبیه عزبان و سایر عمله دفتر با اوست. و طلب و دعوائی که فیما بین عمله دفتر بوده باشد، در حضور مشارالیه باید قطع شود، و ضمن تمامی احکام و ارقام مناصب و تنخواه و تیول و همه ساله و ارقام ملازمت کل عساکر منصوره و وصل ارقام و احکام را مهر مینمود، و کل عمال (ب) دیوانی از وزراء و مستأجران و ضابطان و متصدیان و مباشران مالیات دیوانی را بیای حساب میآورد، که مقرب الحضرة ناظر دفترخانه تقریر و تصحیح محاسبه ایشان نماید.

فصل سوم. در بیان تفصیل شغل وزیر سرکار قورچی - شغل مشارالیه آنست که کیفیات و تصدیقات حضور و خدمت اسفار و نسخجات و سپه سالاران و سرداران

که در باب ملازمان قدیمی نوشته میشد، و بعد آن رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی و تجویز عالیجاه قورچی باشی، در سرکار مزبور خط میگذاشته اند که در سرکار مزبور بدون مانعی معمول دارند و سایر کیفیات سرکار (۵۹ الف) مزبور را از قورچیان و یوزباشیان و یساولان قور و غیر هم را نیز وزراء قورچی خط گذاشته و طوامیر و تصدیقات و نسخجات ملازمت یوزباشیان و یساولان قور و قورچیان^۱ یراق و قورچیان^۱ جدیدی، نزد وزراء مذکوره ضبط، و ارقام ملازمت و اضافه تیول و مواجب آن جماعت را قلمی، و عنوان مینوشته اند، و ضمن احکام و ارقام مواجب و تیول و همه ساله و انعام و تنخواه براتی و کیفیات را مهر مینماید. و در روز سان قورچیان وزیر مزبور باتفاق مستوفی آن سرکار، در مجلس بیست آئین در خدمت پادشاهان نسخجات سان و قدر تیول و مواجب و همه ساله (ب) و نفری جماعت مزبوره را میخواند.

فصل چهارم. در بیان تفصیل شغل مستوفی سرکار قورچیان که چهار

نفر محرر ملازم دیوان دارد. و شغل مشارالیه آنست که سر رشته بر نفری، و تاریخ صدور ارقام ملازمت، و قدر مواجب، و انعام و تیول و همه ساله، و طلب و غیبت کشیک، درست میداشته. و اسناد دفتری و تصدیقات حضور و غیبت و نسخجات اخراج و متوفی، نزد مستوفی مشارالیه و نویسندہ های سرکار مزبور ضبط، و از آن قرار بقلم کتاب سرکار جمع میدادند، که رسد مواجب اخراجین و ایام غیبت و تفاوت (۶۰ الف) ورود سفرا را با همه ساله و تیولی که در وجه جماعت متوفی مقرر بوده بجهت دیوان ضبط نمایند. و تحریر کیفیات طلب و تنخواه و تیول و همه ساله و ثبت احکام و ارقام تیول و مواجب همه ساله و براتی جماعت قورچیان و ارقام ملازمت ایشان با محرران سرکار مزبور، و بعد از ثبت بخط و مهر مستوفی سرکار مشارالیه میرسید.

فصل پنجم. در بیان شغل وزیر سرکار غلامان - شغل مشارالیه آنست

که کیفیات و تصدیقات حضور و خدمت اسفار و نسخجات سپه سالاران و سرداران

که در باب ملازمان قدیم نوشته (ب) می شده ، بعد از رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی و تجویز عالیجاه قولاً آقاسی در سر کار مزبور خط می گذاشته اند ، که در سر کار مزبور بدون مانع معمول دارند و سایر کیفیات طلب و همه ساله و تیول و مواجب یوزباشیان غلام و یساولان قور و غلامان و جارچیان جزایری انداز و غیر هم را نیز وزراء غلامان مهر مینموده ، و طوابع و تصدیقات و نسخجات ملازمت یوزباشیان و یساولان قور و غیره غلامان جدیدی نزد وزراء مذکور ضبط و ارقام ملازمت و اضافه تیول و مواجب آن جماعت را قلمی و عنوانی مینوشته اند و کیفیات (۶۱ الف) مواجب و تیول و همه ساله و انعام و تنخواه براتی و ضمن ارقام و احکام ملازمت و تیول و همه ساله و طلب جماعت مذکوره را مهر می نموده ، و در روز سان غلامان ، وزیر مزبور باتفاق مستوفی آن سر کار در مجلس بهشت آئین در خدمت پادشاهان نسخجات سان و قدر تیول و مواجب و همه ساله و نفری جماعت مزبوره را میخواند .

فصل ششم . در بیان تفصیل شغل مستوفی سر کار غلامان که پنج نفر محرر ملازم دیوان داشت . و شغل مشارالیه آنست ^۱ که سر رشته نفری و تاریخ صدور ارقام ملازمت و قدر مواجب و (ب) انعام و تیول و همه ساله و طلب و غیبت و حضور کشیک درست میداشته ، و اسناد دفتری و تصدیقات حضور و غیبت و نسخجات اخراج و متوفی نزد مستوفی آن سر کار و محرران سر کار مزبور ضبط میشده ، و از آنقرار بقلم کتاب سر کار جمع میداده اند ، که رسد مواجب اخراجین و ایام غیبت و تفاوت ورود سفر را بجهت دیوان ضبط نمایند . و تحریر کیفیات طلب و تنخواه و تیول و همه ساله ، و ثبت احکام و ارقام و کیفیات و مواجب و همه ساله و براتی و غیره جماعت مزبوره با محرران سر کار مزبور ، و بعد از ثبت و تحریر بخط و مهر مستوفی مشارالیه میرسید . و استیقای سر کار مزبور همیشه با مستوفی سر کار غلامان بوده . و چهار نفر محرر در هر دو سر کار ملازمند .

فصل هفتم . در بیان تفصیل شغل وزیر تفنگچیان . شغل مشارالیه آنست که کیفیات و تصدیقات حضور خدمت اسفار و نسخجات و سپه سالاران و سرداران که در باب ملازمان قدیمی نوشته میشده ، بعد از رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی و تجویز

عالیجاه تفنگچی آقاسی ، وزیر سر کار مزبور خط می گذاشته که در سر کار مزبور بدون مانعی معمول دارند و سایر کیفیات سر کار مزبور را تفنگچیان و یوزباشیان و مین باشیان و جارچیان و غیر هم را نیز وزراء سر کار مزبور خط گذاشته (ب) و تواپیر و تصدیقات و نسخجات ملازمت مین باشیان و یوزباشیان و جارچیان ^۱ مذکوره ضبط ، و ارقام ملازمت و اضافه تیول و مواجب انجماعت را قلمی و عنوان مینوشته اند . و ضمن ارقام و احکام ملازمت و مواجب و کیفیات مواجب و تیول و همه ساله و انعام و تنخواه براتی را مهر مینمایند . و در روز سان تفنگچیان وزیر مزبور باتفاق مستوفی آن سر کار در مجلس بهشت آئین در خدمت پادشاهان نسخجات سان و قدر تیول و مواجب و همه ساله و نفری جماعت مذکوره را میخواند .

فصل هشتم . در بیان تفصیل شغل مستوفی (۶۴ الف) سر کار مزبور که چهار نفر محرر ملازم دیوان دارد . شغل مشارالیه آنست که سر رشته نفری و تاریخ صدور ارقام ملازمت و قدر مواجب و انعام و تیول و همه ساله و طلب و همیشه کشیک درست میداشته ، و اسناد دفتری و تصدیقات حضور و غیبت و نسخجات اخراج و متوفی نزد مستوفی مومی الیه و محرران سر کار مزبور ضبط میشده ، و از آنقرار بقلم سر کار جمع میداده اند ، که رسد مواجب اخراجین و ایام غیبت و تفاوت ورود سفر را بجهت دیوان ضبط نمایند . و تحریر کیفیات طلب و تنخواه و تیول (ب) و همه ساله و ثبت احکام و ارقام و کیفیات و مواجب و همه ساله و براتی و غیره جماعت مزبوره با محرران سر کار مزبور ، و بعد از ثبت و تحریر بخط و مهر مستوفی مشارالیه میرسید . و استیقای سر کار مزبور همیشه با مستوفی سر کار غلامان بوده . و چهار نفر محرر در هر دو سر کار ملازمند .

فصل نهم . در بیان تفصیل شغل وزیر توپخانه مبارکه . شغل مشارالیه آنست که کیفیات و تصدیقات حضور خدمت اسفار و نسخجات سپه سالاران و سرداران که در باب ملازمان قدیمی نوشته میشده ، بعد از رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی (۶۴ الف)

و تجویز عالیجاه توپچی باشی، وزیر سرکار مزبور خط میگذاشته، که در سرکار مزبور بدون مانعی معمول دارند. و سایر کیفیات سرکار مزبور از توپچیان و مین‌باشیان و یوزباشیان و جارجیان توپخانه و غیر هم را نیز وزراء مزبور خط گذاشته. و طوامیر و تصدیقات و نسخجات ملازمت مین‌باشیان و یوزباشیان و جارجیان و غیره تفنگچیان جدیدی نزد وزراء مذکوره ضبط، و ارقام ملازمت و اضافه و تیول و مواجب آن جماعت را قلمی و عنوان مینوشته‌اند. و ضمن ارقام و احکام ملازمت و مواجب و تیول، کیفیات مواجب و تیول و (ب) همه ساله و انعام و تنخواه براتی را مهر مینمایند. و در روز سان توپچیان وزیر مزبور باتفاق مستوفی آن سرکار در مجلس بهشت آئین در خدمت نواب اشرف نسخجات سان و قدر تیول و مواجب و همه ساله و نفری جماعت مزبوره را میخواند.

فصل دهم. در بیان تفصیل شغل مستوفی سرکار مزبور که سه چهار

نفر محرر ملازم دیوان داشته - و شغل مشارالیه آنست که سر رشته بر نفری، و تاریخ صدور ارقام ملازمت و قدر مواجب و انعام و تیول و همه ساله و طلب همیشه کشیک درست میداشته. و اسناد دفتری و تصدیقات (۶۵ الف) حضور و غیبت و نسخجات اخراج و مستوفی نزد مستوفی مومی‌الیه و محرران^۱ سرکار مزبور ضبط میشده و از آنقرار بقلم^۱ سرکار جمع میداده‌اند، که رسد مواجب اخراجین و ایام غیبت و تفاوت ورود سفر را بجهت دیوان ضبط نمایند. و تحریر کیفیات طلب و تنخواه و تیول و همه ساله و ثبت احکام و ارقام، و کیفیات تیول و مواجب و همه ساله و براتی و غیره جماعت مزبوره، بامحرران سرکار مزبور، و بعد از ثبت و تحریر، بخط و مهر مستوفی مشارالیه میرسید.

فصل یازدهم. در بیان تفصیل شغل لشکر نویس دیوان اعلی - که

وزیر سرکار آقایان و قوشچیان و یساولان و قاپوچیان (ب) دیوان حرم و غیر هم و کیفیات تیول و همه ساله و انعام مشارالیه و ارقام و احکام مواجب براتی و همه ساله

۱- عبارت بین دو شماره در حاشیه است.

کل امراء عظام و بیکلر بیکیان و حکام کرام و سلاطین خوانین ذوی الاحترام در گاه معالی و سرحد، و ارقام مناصب جماعت مزبوره، و کل عمال و مستوفیان عظام و اصحاب دریش سفیدان جزء و کل و محرران دفتر خانه وزراء و مستوفیان سرحدات و اطباء و منجمین و ناظران و کلانتران، و ارقام و احکام طلب و تنخواه امراء و مقربان در گاه و آقایان و قوشچیان و یساولان و قاپوچیان دیوان و حرم و صاحب (۶۶ الف) جمعان و مشرفان. عماله بیوتات معبوره، که غیر غلام باشند، و ارقام و احکام سیور غالات و معافیات و اجارات و وظایف و طوامیر یساقیان و چریک، بمهر او میرسید. و تحریر ارقام ملازمت جماعت مزبوره را مشارالیه قلمی مینماید. و در حین حرکت سپه سالاران و سرداران نایبی از جانب مشارالیه، باتفاق ایشان روانه، و سر رشته بر حضور و غیبت و چهره نویسی و قدر مواجب ایشان درست داشته، و انقاد در گاه معالی مینماید. و سر رشته نفری امراء و حکام و سلاطین سرحد بامشارالیه است. و در روزهای سان جماعتی (ب) که داد و ستد ایشان با سرکار سرخط است باتفاق سرخط نویس نسخه جات سائر را میخوانده و مینوشته‌اند.

فصل دوازدهم. در بیان تفصیل شغل سرخط نویس دیوان اعلی

که پیش از تحریر ارقام ملازمت قاطبه ملازمان و مهر کیفیات و ارقام و احکام جماعت مفصله معروضه، مختص لشکر نویس است. و فرستادن نایب باتفاق سپه سالاران و سرداران دیگر در همه امور بالشکر نویس دیوان اعلی شریک، و مستوفی سرکار آقایان و غیر هم، و همه احکام و ارقام ارباب مناصب و عمال و کیفیات طلب و تنخواه جماعت معروضه، و ضبط سر رشته (۶۷ الف) نفری، و قدر تیول و مواجب و همه ساله و براتی ایشانست. و بعد از تحریر کیفیات و تصدیق و ثبت ارقام و احکام مناصب و تیولات و همه سالجات و غیر هم جماعت مزبوره، بخط سرخط نویس میرسد.

فصل سیزدهم. در بیان تفصیل شغل ضابطه نویس - شغل مشارالیه آنست که

محصولات و مستغلات دیوانی تمام ممالک مجروحه و وجوه راهداری و تنباکو فروشی و تقیلات و جهات عملکردی ممالک و چوپان بیکی و التزامات منافع احضار و سرانه

هنود وسوق الدواب و رسومات ارباب مناصب دیوان اعلیٰ، سوی آنچه (ب) از وجوہات مذکورہ در سرکار خاصہ و اوارجہ جمع است، تتمہ دیگر تماماً در سرکار ضابطہ نویسی داد و ستد میشود، و خدمت مہر کسور بمہرزا ابوالحسن مرجوع است و سرکار مزبور یا نذرہ نفر نویسنده داشته، کہ چهار نفر آنها بالفعل در حیات، و یازده نفر دیگر در ایام محاصرہ و بعد از آن متوفی شده اند. و از اکثری آنها کسی باقی نمانده.

فصل چهاردهم . در بیان تفصیل شغل عالی حضرت صاحب توجیہ دیوان اعلیٰ .
شغل او اینست کہ کل ارباب فلم سرکارات خرج ہم قلم، و ہر قسم داد و ستدی کہ در دفتر خانہ شود باید کہ بخط (۶۸ الف) و مہر مشارالیہ برسد. و دوازده نفر محرر داشته کہ ہر یک از آنها صنفی از عساکر و غیرہ را سررشتہ داشته، و کل ارقام و احکام و پروانجات مناصب دیوان اعلیٰ و ملازمت و تیول و مواجب در ہمہ سالہ و معافی و سیورغال و وظائف و امثال آنها، اعم از آنکہ از دیوان یا خاصہ یا از ارباب التجار و سیورغال و غیرہ بوده باشد، باید ثبت سرکار مزبور برسد و کل محاسبات ممالک محروسہ، سوی صاحب جمعان بیوتات معمورہ و تحویلداران عمارات کہ در سرکار ارباب التجار و سیورغال ثبت میشود بتصدیق سرکار مزبور میرسد. و نسخہ محاسبات (ب) کل مؤدیان و تحویلداران سرکار خاصہ، کہ بموجب ارقام و احکام داد و ستد شدہ باشد، باید بتصدیق سرکار مزبور برسد. و ہم چنین کل کیفیات دفتری باید بتصدیق توجیہ دیوان اعلیٰ برسد. و برخی از سرکار مزبور نوشتہ شود. و تصدیقات ہمہ سالہ و غیرہ باید بالتمام بہ ثبت و خط صاحب توجیہ و محرران سرکار مزبور برسد. سررشتہ دستور رسومات مناصب دیوان اعلیٰ، و دستور العمل اخذ چوبیان بیکی و سایر وجوہات سایر الوجوہ، متعلق بسرکار مزبور. و دستور العمل نوآب گیتی ستان در سرکار (۶۹ الف) ضبط بود، کہ حقیقی کہ در عصری ضرور شود، از سرکار مزبور نوشتہ شود، کہ بخلاف آن عمل آید، و زیادتی بر احدی واقع نشود. و قدر نفری

قشون و مداخل حکام ممالک محروسہ از سرکار مزبور ظاہر میشود. و اکثر محررین سرکار مزبورہ موجود نیستند.

فصل پانزدہم . در بیان تفصیل شغل دفتر دار دفتر خانہ ہمایون اعلیٰ .
شغل مشارالیہ آنست کہ ارقام و احکام وزراء و مستوفیان و سیورغالات و معافی و تنخواہ مواجب یساوان صحبت و ایشیک آقاسیان و آقایان بخط او میرسید. و دفاتر سنوات سابقہ کہ ہمیشہ (ب) رجوعی با آنها نبودہ، بعضی اوقات رجوع میشدہ، و در انبار دفتر خانہ مضبوط بود، تحویل دفتر دار، ضبط دفاتر مزبور با او بودہ است.

فصل شانزدہم . در بیان تفصیل شغل عزب باشی . ریش سفید عزبان و فرآشان دفتر است، و دفاتر کہ در خارج انبار است، بتحویل او و اگر دفاتر مفقود گردد باز خواست آن از مشارالیہ میشدہ. و بدستور دفتر از ارقام و احکام بخط او میرسید.

فصل ہفدہم . در بیان تفصیل شغل ضابط دوشلک و کیل . شغل مشارالیہ آنست کہ ارقام مواجب و غیرہ کہ از دفتر خانہ ہمایون میگذرد دوشلک (۷۰ الف) و کیل را کہ بدیوان اعلیٰ متعلق است، آنچه را موافق دستور و معمول نقد باز یافت مینمایند، نقد داخل سررشتہ خود، و آنچه نقد مہمسازی نکنند از حشو طلب ایشان وضع، و در آخر سال قدر آنرا مشخص، و از دفتر تنخواہ باز یافت، و ابواب جمع خود، و بہر مصرف کہ مقرر شود مہمسازی میکند. و در ضمن ارقام بخط خود میگذارد کہ دوشلک باز یافت شد.

فصل ہجدهم . در بیان شغل اوارجہ نویسان . شغل ایشان آنست کہ در کیفیات حقایق دفتری اسم نوشتن، و در محاسبات مستأجران و ضابطان و متصدیان و سایر مباشرین (ب) مالیات دیوانی در اسناد خرج ایشان نسخ و در افراد بمطالعہ مینویسند. و پروانجات ہمہ سالہ و تیول و غیرہ را بعد از آنکہ کیفیات آنها برقم وزیر دیوان اعلیٰ و مستوفی الممالک [رسید] اسناد را ضبط و عنوان مینویسند. و بدستور ابضاً ارقام و پروانجات امراء و وزراء سرحدات و ولایات کہ مالیات بضبط ایشان مقرر

گردیده باشد، و حکام و کلانتر و مستوفیان و لشکر نویسان و ملکان و ریش سفیدان ایلات و ارباب و غیره مجال متعلقه بایشان که بمسودۀ دفتری صادر میشود، باشد اعم از اینکه امراء و بزرگان دولتی و مبارکه (۷۱ الف) و سرحد و غیره اعظم باشد، در مسودۀها قلمی، و در ارقام و پروانجات آن جماعت ملاحظه شده و بعد آن ثبت نمایند، اسناد را ضبط، و ارقام و پروانجات را قلمی و در ثبتها خط میگذارند، که سند دفتربان گردد. و بهمین دستور اگر اقطاع و سیورغال و مسلمانیات و معافیات و مدد معاش و پروانجات حسابی که صادر گردد، عمل مینمایند.

(باب پنجم)

در ذکر شغل مختص هر يك از عمال دار السلطنۀ اصفهان. و آن مشتمل است بر چهارده فصل :

فصل اول : در بیان شغل وزیر سرکار قیض آثار - شغل مشارالیه نسق املاك و زراعات و آبادی باغات (ب) و مستغلات و طوابع و قنوات است. و باید بهر اطلاع، وجه ریع مجال و مستغلات و غیره حاصل موقوفات سرکار مزبور از رعایا و مستأجران باز یافت شود، و بمصارف مقررۀ حاصل ساخته، حسن سعی خود را در آبادی مجال و تکثیر زراعات حاصل سازد.

[فصل دوم] ۱ در بیان تفصیل شغل مستوفی موقوفات املاك محروسه - شغل مشارالیه آنست که وزراء و مستوفیان و متولیان و مباشرین موقوفات خاصه و املاك، همگی محاسبۀ خود را بدفتر موقوفات رسانیده، مستوفی مزبور محاسبات را خط گذاشته، اسناد (۷۲ الف) خرج را نسخه کشیده، مفصلا حساب و طوابع نسق بهر يك داده، که از آن قرار داد و سند نمایند. و ارقام و امثاله دفتری که صادر میشود بدفتر موقوفات محسوران ارقام و مال نویسان مثال مینویستند. و ارقام را بعد از مهر داروغۀ دفترخانه مهر مینموده و در ضمن خط میگذرانند.

فصل سوم : در بیان تفصیل شغل وزیر دار السلطنۀ اصفهان - شغل مشارالیه

آنست که نسق مجال خالصه و ضبط بعضی از وجوهات و دكا كین بعهده اهتمام مشارالیه است که محلی از مجال بی نسق و نامزروع نماند. و آنچه بجهت نسق زراعات (ب) ضرورت دارد بعنوان بذر و مساعدۀ بمستأجر و رعیت داده، در رفع محصول باز یافت نماید. و از برای مستغلات سرکار خاصه شریفه، ضابط و مستأجر بهمرسانیده^۱ نگذارد که نقصان بسرکار خاصه برسد و هر محلی که رعیت نداشته باشد رعیت بهمرسانیده^۱ زراعت نماید. و در ضبط مالیات دیوانی نهایت اهتمام بعمل آورد. و وجوهات اصفهان که داد و ستد آن با مستوفی اصفهانست، اسناد تحویل صاحبجمعان بیوتات، و همه ساله در آن و سایر اسناد را وزیر مشارالیه رقم نموده، مستوفی اسناد را ضبط و بموجب بروات مهر وزیر و کلانتر و مستوفی حواله و باز یافت میشود. و در رفع محصولات که بعلت آفت ارضی یا سمائی (۷۳ الف) یا اینکه باز دیدی باشد، بعد از عرض بخدمت اقدس یا وزیر دیوان اعلی، مقرر میگردد که وزراء و عمال باتفاق رباع و مساح و محرران صاحب وقوف بمجال مزبوره رفته، باز دید و قرار ریع داده، بعد از وضع اگرۀ معمول که رسد رعیت است، تتمه بجهت دیوان ضبط، و تحویل رعایا در مجال منبر، و تحویلدار تعیین و تنخواه ارباب حوالات دیوان میشود. و جمع نمودن رعایا و توفیر و تکثیر زراعات و تعمیر عمارات و قنوات و دكا كین و خانات و خالصه و محافظت رعایا که از احدی برایشان جبر و تعدی واقع نشود و (ب) تعیین رؤسا باطلاع کلانتر متعلق بوزیر است. و وزیر اصفهان تنخواه باز یافت نموده، بمصارف ضروریۀ دیوان صرف، و در آخر سال اسناد حسابی در دست داشته، بر رقم وزیر دیوان اعلی رسانیده، مستوفی از آن قرار محاسبات او را تشخیص، و تنقیح داده، باقی و فاضل او را مشخص، و نسخه عمل کرد او را بعد از رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی، بعالیجاه مستوفی خاصه رسانیده، هر گونه باز یافت و دقت حسابی که داشته باشد مشارالیه بعمل میآورد. و چند نفر از ملازمان دیوانی بتایینی وزیر مقرر میبودند، که بتقدیم (۷۴ الف) خدمات دیوانی قیام مینموده اند. و نسخه باز دید مجال مادام که بر رقم وزیر دیوان اعلی نرسیده باشد

مناطق اعتبار نبوده، در دفتر عمل نمیشود، و در حین باز دید مجال، معتمدی از دیوان اعلیٰ تعیین میشود که در حضور او عمل، و سایر مأمورین باز دید نمایند.

فصل چهارم . در بیان تفصیل شغل وزیر سرکار انتقالی - شغل مشارالیه
آنست که نسق املاک و زراعات و آبادی باغات و مستغلات و طوابع و قنوات نموده، وجه ربع هر محل بمهر و اطلاع مشارالیه از رعایا و مستأجران باز یافت میشود. و محلی که بی نسق و نامزروع باشد، (ب) آنچه بجهت نسق زراعات ضرورت از مالیات سرکار بعنوان بذل و مساعدت و مؤنت زراعت بر رعیت داده، در رفع محصول وجه مساعدت و مؤنت را باز یافت نماید. و بجهت مستغلات ضابط و مستأجر بمهر رسانیده نگذارد که نقصانی بسرکار خاصه شریقه رسد. و محلی که رعیت نداشته باشد رعیت بمهر رسانیده و زراعت نماید. و در رفع محصول محالی که بعلت آفت ارضی و سماوی یا اینکه باز دیدی باشد، بعد از عرض بخدمت اقدس با وزیر دیوان اعلیٰ مقرر میگردد که احدی از توابع تعیین و باتفاق (الف ٧٥) وزراء و عمال و رباع و مساح و مجرران صاحب وقوف به محال رفته، موافق معمول باز دید و قرارداداده بعد از وضع اگر رعیت آنمه بجهت دیوان ضبط میشود. و سعی در توفیر و تکثیر زراعات و تعمیر عمارات و قنوات و دکاکین و خانان خالصه و وقفی و محافظت مؤدیان که احدی جبر و تعدی برایشان نکند و تعیین رؤسا مختار است که هر قدر بجهت امور مزبور ضرورت در کار داند بصیغه تحویل خود از مستوفی سرکار باز یافت، و بمصارف ضرورت دیوانی صرف و در آخر سال اسناد حسابدی درست داشته برقم وزیر دیوان اعلیٰ (ب) رسانیده مستوفی سرکار از آنقرار در محاسبات عمل نماید. و نسخه عملکرد او را بعد از رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ بمالیه مستوفی خاصه رسانیده، هر گونه باز یافتی و دقتی که داشته باشد مشارالیه بعمل می آورد.

فصل پنجم . در بیان تفصیل شغل عالیحضرت مستوفی سرکار مزبور -
حواله و اطلاق محصولات و مستغلات و تنقیح و تشخیص محاسبات رعایا و مؤدیان

در اصل مستغلات

و جوهات دیوانی و وقفی ضبطی و زیر مزبور مختص مشارالیه، و نویسنده بقدر احتیاج نگاه میدارد که جزو اویند و بدون اطلاع و مهر مشارالیه داد و ستد (الف ٧٦) متوجهات نمیشود. محاسبه کل رعایا و مؤدیان بعد از تشخیص و تسعیر قوس هر سال که عمال و مأمورین موافق دستور معمول مشخص نموده باشند در دفتر مفروع، و مفصلا حساب بمهر مستوفی مؤدیان داده میشود. و هر ساله نسخه بر جمع و خرج متوجهات سرکار مزبور را از قرار اسناد چنانچه که برقم وزیر دیوان اعلیٰ رسیده باشد نوشته بسرکار خاصه رسانیده، اگر سخن حسابدی و دقت دفتری داشته باشد، مستوفی خاصه بعمل می آورد.

فصل ششم . در بیان تفصیل شغل عالیحضرت کلانتر - تعیین کدخدایان
محلات و ریش سفیدان اصناف (ب) یا مشارالیه است، باین نحو که سکنه هر محله و هر صنف و هر قریه هر که را امین و معتمد دانند فیما بین خود تعیین و رضانا آنچه باسم او نوشته و مواجبی در وجه او تعیین نموده و بمهر نقیب معتبر نموده بحضور کلانتر آورده تعلیقه و خلعت از مشارالیه بجهت او باز یافت مینمایند، بعد از آن متوجه رتق و فتق مهمات آنها میگردد. و در سه ماه اول هر سال کلانتر و نقیب کس تعیین و همگی اصناف را جمع نموده نزد نقیب دارالسلطنه اصفهان میبرند و بنیچه هر کس مشخص، و نقیب مهر نموده، بر سر رشته کلانتر (الف ٧٧) میرسانند، بعد از آن بموجب بروات مهر وزیر و کلانتر و مستوفی متوجهات دیوانی هر يك از دفتر حواله و محصص کلانتر موافق بنیچه فیما بین هر صنف توجیه، و محصلان دیوانی از آن قرار باز یافت مینمایند، و چند نفر از ملازمان دیوانی بتائینی کلانتر مقرر بوده اند که خدمات دیوانی را بتقدیم رسانند، و تمیز و تشخیص گفتگویی که اصناف در باب قدر بنیچه و سایر امور متعلق بکسب و کار خود بایکدیگر داشته باشند یا کلانتر است که بهر نحو مقرون بحق و حساب و معمول مملکت باشد از آنقرار بعمل آورند و از هر کس که بر رعیت (ب) جبری و تعدی و اقع شود، بعد از آنکه بکلانتر شکوه نمایند، بر دمه اوست که از جانب رعیت مدعی شده اگر خود تواند رفع نمود فیها

والا یو کلاه دیوانیان عرض نموده ، نگذارد که از اقویا برضعفا جبر و تعدی واقع شده ، موجب « بد دعائی » گردد . و همیشه باید در مقام اصلاح حال رعایا بوده دعای خیر بجهت ذات اقدس و وجود مقدس حاصل نماید .

فصل هفتم . در بیان تفصیل شغل داروغه اصفهان . مشارالیه جزو دیوان بیکی و شغل مشارالیه آنست که اصل شهر و خارج شهر را محافظت نماید که هیچکس (۷۸ الف) مرتکب خلاف حساب و ظلم و نزاعی نگردد و امور خلاف شرع و فاحشه و شراب و قمار و سایر امور نامشروع را قدغن نماید که کسی متوجه آن نشود و هرگاه متوجه آن گردد او را تنبیه و از آن عمل منع و فرائض و تقصیر جریمه از گناهکاران باز یافت نماید و شبها بعد از آنکه سه ساعت بگذرد اولاً آمده ، ساعتی در درب قیصریه توقف ، و بعد از آن باجمعی که بتائینی مقرراند سوار شده هر شب یکسمت شهر را خود ، و سمت دیگر را احداس و سایر توابع ایشان گردش ، و وقت تقارن بخانه خود مراجعت نماید و معمول بود که از سرکار (ب) قورچی و غلام و آقایان و تفنگچی و توپچی بتائینی داروغه مشارالیه مقرر بوده اند ، که حسب الصلاح او بخدمات قیام ، و جماعت مذکوره را بنحوی که مناسب و ضرور داند بسرکردگی شخصی از ایشان که او را « سر دسته » مینامند در هر محله از محلات شهر تعیین نماید که روز و شب در آن محله بوده ، بمحافظت و محارست قیام نمایند که کسی مرتکب ظلم و خلاف حساب و نامشروعی نگردد . و آنچه در آن محله بوقوع رسد چگونگی را بعرض داروغه رسانیده که او تمیز و تشخیص و بازخواست نماید و هر شب آن جماعت آن محله را گردش نماید ، و چنین دستور (۷۹ الف) بوده که دعوای کم تا پنج تومان الی دوازده تومان را اعم از اینکه در اصل شهر یا دهات بوده ، داروغه احضار ، و زیاده براین را دیوان بیکی احضار مینموده . و ضابطه کلیه فیما بین دیوان بیکی و داروغه آنست که آنچه را داروغه تواند نمود دیوان بیکی دخل نمیتواند کرد ، بعد از آنکه بدیوان بیکی رسید دیگر داروغه را وضع بر آن نیست . و احداسی که باصطلاح او را

« میرشب » خوانند جزو داروغه ، و او نیز باجمعی که باخود دارد شبها در محلات میگردد که دزدی که در محلات واقع شود باید در روز بعرض داروغگان رساند ، و در جایی که دزدی واقع شده باشد و (ب) مالی که میرشب بدست میآورد ، بعد از برداشتن دو دانگ مال که موافق معمول حق اوست ، تتمه مال را که چهار دانگ بوده باشد باید با اطلاع دیوان بیکی و داروغه بصاحب مال رساند . و اگر دزد را بدست نیاورد مهلتی طالب نموده ، هرگاه بعد از مهلت بدست نیاورده باشد ، از عهده غرامت مال دزدی از عین المال خود بیرون آید .

فصل هشتم . در بیان تفصیل شغل عالیحضرت محتسب الممالک .

بعد از آنکه صاحب نسق ماه بماه التزام قیمت اجناس از ریش سفیدان هر صنف گرفته ، خاطر خود را جمع نموده ، مهر بمحتسب (۸۰ الف) الممالک سپرده باشد ، مشارالیه نظر بهر فصل بر طبق آن تصدیق کرده ، نزد عالیجاه ناظر بیوتات میفرستد که ناظر ملاحظه و او نیز خاطر جمع کرده مهر و بصاحب جمعان میدهد که موافق آن مشرفان اسناد اجناس ابتیاع قلمی نمایند . و در باب تسعیرات اجناس که اصناف بمردم شهر میفروشند اگر احدی از اهل حرفه از قرار داد او تخلف نماید او را تخته کلاه نماید تا موجب عبرت دیگران گردد و محتسب الممالک در ممالک محروسه همه جا نایب تعیین مینماید که از قرار تصدیق نایب مشارالیه اصناف (ب) هر محل ماه بماه اجناس را بمردم فروشند تا باعث رفاه حال رعایا و مساکین و متوطنین آنجا گشته ، دعاء خیر بجهت ذات اقدس حاصل شود .

فصل نهم . در بیان تفصیل شغل عالیحضرت نقیب . خدمت مشارالیه

تشخیص بنیچه اصناف است که هر سال در سه ماهه اول کس تعیین ، و کدخدایان هر صنف را حاضر نموده برضای یکدیگر بروفق قانون و حق و حساب و معمول و دستور مملکت بنیچه هر يك را مشخص و طوماری نوشته ، مهر نموده ، بسر رشته کلانتر سپارد که متوجهات دیوانی هر صنف در آن سال از آن قرار تقسیم (۸۱ الف) و توجیه شود . دیگر هر صنف که استاد تعیین مینمایند باید نزد نقیب اعتراف برضامندی باستادی آن

شخص نموده و معتبر ساخته، نزد کلانتر آورده، تعلیفه باز یافت^۱ نمایند. دیگر

تعیین ریش سفیدان درویشان و اهل معارف و امثال اینها با مشارالیه است.

فصل دهم - در بیان تفصیل شغل میسراب دارالسلطنه اصفهان -
تعیین مادی^۲ سالاران و تنقیه انبار و جداول و رسانیدن آب زایده رود بتمامی
محل اصفهان که از آب رودخانه شرب میشود، موافق هر محل بمشارالیه متعلق
است. و آنکه رعایای محل در باب حقابه (ب) بردیگری زیادتیی نمایند، و نگذارد
که از اقویا برضما در باب حقابه زیادتیی شود. و بعهده مشارالیه است هر گونه
گفتگوئی و دعوائیکه بخصوص حقابه از باب و رعایای^۳ هر محل بایکدیگر داشته
باشند، تمیز و تشخیص آن با مشارالیه است، بتصدیق و تجویز وزیر و کلانتر و مستوفی
در هر باب باید معمول دارد.

فصل یازدهم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت مستوفی سرکار فیض آثار -
شغل مشارالیه آنست که سر رشته بر جمع و خرج محل و باغات و طوابعین و مستغلات
و آنچه متعلق بسرکار مزبور است نگاهداشته، اسناد (۸۲ الف) جمع و خرج را که
وزیر سرکار مزبور رقم نموده باشد ضبط، و شرط نامه و برات قلمی نماید و محاسبات
رعایا و مستأجران و غیره مؤدیان مالیات سرکار مزبور را تنقیح داده، مفاسدا بمهر
خود تسلیم مینماید.

فصل دوازدهم - در بیان تفصیل شغل عالیحضرت مستوفی اصفهان -
حواله و اطلاق وجوهات و محصولات و تنقیح و تشخیص محاسبات رعایا و مؤدیان
وجوهات دیوانی ضبطی و وزیر دارالسلطنه اصفهان مختص مشارالیه و چهار نفر نویسنده
میدارد که جزو اویند و بدون مهر مشارالیه داد و ستد وجوهات و محصولات (ب)
نمیشود و محاسبه کل رعایا و مؤدیان بعد از تشخیص تسعیر قوس هر سال، که عمال
و مأمورین موافق دستور و معمول مشخص نموده باشند، در دفتر مفروع و مفاسدا حساب
بمهر مستوفی بمؤدیان داده میشود و مستوفی و نوشتن طوابع توجیه مردالاغذار

و یلدار و نظایر آن که بر سر جمع باید تقسیم شود آن نیز در دفتر اصفهان قلمی و بمهر
عمال میرسد و مستوفی مزبور هر ساله نسخه بر جمع و خرج وجوهات و محصولات
محل ضبطی وزیر اصفهان از قرار اسناد حسابه که برقم وزیر دیوان اعلی رسیده باشد
نوشته، بسرکار (۸۳ الف) خاصه رسانیده، اگر سخن حسابه و دقت دفتری داشته
باشد مستوفی خاصه بعمل آورد.

فصل سیزدهم - در بیان تفصیل شغل ریاع دارالسلطنه اصفهان -
شغل مشارالیه آنست که در هر سال که محصولات محل اصفهان، که بعضی بچهاریک
نسق و برخی باز دیدی و بعضی بعلت آفت ارضی یا سماوی مقرر شده باشد که باز دید
شود، باتفاق عمال و مأمورین باز دید روانه محل میگردد، و علامت حاصل را در حضور
عمال و مأمورین گرفته وزن میشود، و عمال از آن قرار بر آوردن کل حاصل و ابواب جمع
رعایا و مؤدیان، و بعد از آنکه (ب) نسخه باز دید برقم وزیر دیوان اعلی رسیده،
محکوم به باشد که کتاب سرکار از آن قرار در سر رشتهجات خود ابواب جمع مؤدیان،
و محاسبه مفروع مینمایند.

فصل چهاردهم - در بیان تفصیل شغل متصدی باغات - شغل او این
است که پیوسته متوجه آبادی باغات دیوانی بوده آنچه لازمه سعی و اهتمامست بعمل
آورده، در هر فصلی از فصول بغرس اشجار و گلکاری مشغول و اکثر اوقات از گلهای
الوان و میوه نوبر بجهت پادشاه سر انجام و بنظر رساند و حسن خدمات خود را ظاهر
سازد. و باغبانی که در خدمت خود (۸۴ الف) تقصیر نموده باشد تنبیه و اخراج و بخدمت
ناظر بیوتات عرض و عوض تعیین مینمایند. و مادام که متصدی تصدیق خدمات ننماید
مرسوم و جیره باغبان و خرکار باغات داده نمیشود. و در هر فصل گل تفتهای گل در هر
مجلس حاضر سازد.

(خاتمه)

در ذکر مبلغ و مقدار مواجب و رسوم ارباب مناصب درگاه معلی و مداخل
و قدر ملازم امراء سرحدات و ولایات ایران و آن مشتمل است بر سه مقاله:

مقاله اول

در باب تفصیل مواجب و رسوم هر يك از امراء عظام و ارباب مناصب درگاه
معلى و كیل دیوان اعلى (ب) كه در ایام تعطیل منصب و كالت ضابطی بجهت ضبط
دوشلك او تعیین و ده نیم دوشلك در وجه ضابط مقرر گشته ، و مواجب در وجه
و كیل دیوان اعلى مقرر نبوده، و رسومات اواز قرار تومانی بشرحی است كه در تحت
هر بابت نوشته میشود :

باب ————— ت :

از اخراجات : يكصد و بیست و شش دینار و از تنخواه امراء و مقربان و آقایان : يكصد و
يكدانگ و نیم .

باب ————— ت :

از تیول و غیره امراء : از تیول سیصد و از انعام امراء و جمعی كه ملازم نباشد
پنجاه و هفت دینار و از همه ساله : دویست و سی و هشت دینار و مسلمات و حق السعی عمال : هفتصد و
چهارده دینار .

وزیر دیوان اعلى كه مواجبی ندارد و بشرح جزو رسم الوزارة و غیره و انعام
و رسومات در وجه (۸۵ الف) او مقرر است :

رسم الوزارة و غیره كه از محال معین بوده

رسم الوزراء : هشتصد و سه تومان و سه هزار و اجناس بوده يك نصف هفت تومان و
و كسری

هفت هزار و كسری

رسومات از قرار تومانی بشرح جزو

باب ————— ت :

از اجارات بصیغه حق القرار : پانصد دینار . از تیول : سیصد و سی دینار و از همه ساله
دویست و بیست دینار .

باب ————— ت :

از انعام امراء و جمعی كه ملازم نباشند
و سیورغال و معافی و مسلمات
و مواجب و حق السعی عمال : هفتصد و
چهارده دینار .

صدور عظام عشر و ده نیم كل سیورغالات و حق التولیه (ب) و حق النظاره
بعضی از محال وقفی در وجه ایشان مقرر است . میزا ابوطالب در ایام صدارت يك هزار
و سیصد و شصت تومان بصیغه مدد معاش و مقرری همه ساله داشته .
قورچی باشی و قوللر آقاسی و تفنگچی آقاسی و توپچی باشی ،
وزراء ایشان كه هر يك از توایین خود بدینموجب دارند :

وزیر :

ریش سفید :

از انعام و قرار و مواجب و تیول : پانصد و از انعام و قرار مواجب و تیول : يكصد
دینار ، و از تنخواه همه ساله و يكساله : دینار و از تنخواه يكساله و همه ساله :
يكصد دینار . ده دینار .

و مواجب و تیول ایشان بنحویست كه در تحت (۸۶ الف) اسم هر يك نوشته شده :

قورچی باشی

كه كازرون ۱ به

تیول ۱ بوده و يكصد

تومان حق التولیه نیز

باقورچی باشیان بوده :

و هزار و سیصد ۲ و

و يك تومان و هفت هزار

دویست دینار و كسری .

تفنگچی آقاسی

كه اكثر اوقات

الكاء ابرقوه با ایشان

بوده : هفتصد و یازده

تومان و پنج هزار و سیصد ۳

دینار و كسری .

قوللر آقاسی

كه الكاء گلپایگان

بلا ، مبلغ با ایشان بوده .

توپچی باشی

كه الكاء شفت با

ایشان بوده : پانصد

تومان

ایشیک آقاسی باشیان دیوان که حکومت ری یا ایشان بوده و قشون مقرری نیز داشته اند و رسوم نیز برین موجب دارند: (ب)

باب ————— باب —————

از پیشکش که بدرگاه معالی آورند ده يك از داغانه شتر: از پنجاه نفر، يك نفر باز یافت و فیمابین مشارالیه و پیشکش نویس و از بره و بزغاله: از پنجاه رأس قسمت میشود.

حرم: سیصد تومان موجب داشته.

امیر آخور باشیان

جلو: یکصد و هشتاد و دو تومان و چهار هزار و کسری موجب و شرح ذیل رسوم: در وجه امیر آخور باشی و تحویلدار و عمله مقرر است و رسیده هر يك مشخص نیست:

باب ————— باب —————

آنچه هر کس پیشکش نماید و از آنچه از آنچه بموجب دهند^۲ ده نیم باز بانعام داده شود ده يك^۱ باز یافت. و از بافت. و از جمله ده نیم دو^۳ ده يك جمله ده يك دو ده يك در وجه مشرف در وجه مشرف و تقمه در وجه امیر آخور مقرر است. و عمله مقرر است. (۸۷ الف)

صحرا: مبلغ هشتاد تومان که بر آوردی آن مبلغ یکصد^۴ و بیست و هفت تومان و پنجاه هزار و کسری میشود موجب دارد. در نسخه ای که بر رسومات نوشته اند رسوم را در تحت امیر آخور باشی مجعلا بلاقید «جلو» و «صحرا» تفصیل داده اند. بقرینه ظاهر میشود که آنچه از اصطبل دهند متعلق بامیر آخور باشی صحرا باشد و رسوم پیشکش و انعام اصطبل را مشرف تصدیق نموده که بدین موجب باز یافت میشود.

۱- در اصل: يك. ۲- در اصل: دهند. ۳- در اصل: و دو. ۴- در اصل: و او مکرر شده است.

باب ————— باب —————

از پیشکش از قرار رأسی سه هزار دینار. از انعام از قرار رأسی پنجاه و دینار. (ب) و آنچه از پیشکش و انعام ضبط شود از یکتومان بدین موجب قسمت میشود: سه هزار دینار^۱ - صاحب جمع: سه هزار دینار - مشرف: دو هزار دینار - جلوداران: دو هزار دینار - مهتران: بلوکات خاصه و انبار: یک هزار دینار^۲ و اعراب و شرفاء مکه و سکن^۳ عتبات عالیات و جماعت شاهی سیون و جمعی که مهمانند اگر پیشکشی آورند دوشلک نمیدهند، انعامی نیز که بایشان داده شود دوشلک باز یافت نمیشود.

دیوان ییکی مبلغ پانصد تومان موجب و پانزده تومان تیول که بر آوردی آن مبلغ نود و دو تومان و سه هزار (۸۸ الف) [و] هشتصد و چهل پنج دینار میشود که مجموع موجب و تیول پانصد و نود و دو تومان و سه هزار و هشتصد و چهل و پنج دینار بوده باشد در وجه او مقرر بوده و در بعضی از منته هزار تومان داشته و از جرایم ده يك رسوم دارد. **امیر شکار باشی** مبلغ هشتصد تومان موجب و تیول و غیره و بدین موجب رسوم داشته:

باب —————	باب —————	باب —————
در عوض صیادان ^۳	بصیغه رسوم امیر	انعام همه ساله ارامنه
شیروان مقرر شده:	شکار باشی دارالمرز	جولاهی: پنجاه تومان.
یکصد تومان.	بصیغه انعام: یکصد و	و از مجوسیان اصفهان:
	و پنجاه تومان.	بیست تومان.

و از داروغگی^۴ سلاخان و کلاه پزان و مرغ فروشان و کبوتر پران (ب) و ببله دوزان و غیره بلا تشخیص مبلغ، نیز رسوم داشته، ناظر بیوئات سیصد و شش تومان

۱- کذا بدون ذکر صاحب قسمت. ۲- عبارت میان دو شماره در اصل پس از کلمه «قسمت میشود» بود جای آنرا تغییر دادیم. ۳- در اصل: صیادان. ۴- جای کلمه «داروغگی» را که در اصل اینجا بود تغییر دادیم.

ویک هزار و کسری موجب و تیول و همه ساله و برین موجب رسوم داشته :
دفعه که صاحب توجیه سابق نوشته :

باب	باب
از آنچه کرکیر اقان بعمل میآورند از يك تومان و دو بیست و بیست دینار رسوم باز یافت میشود و از آن جمله پنجاه دینار رسد ناظر است	از ده نیم ایتباع از یک تومان پانصد دینار رسوم باز یافت میشود و از آن جمله پنجاه دینار رسد ناظر است

دفعه که مشرفان بیوتات تصدیق نموده اند که در جزو معمولست :

باب	باب
از ده نیم ایتباع قیمت اجناس ده يك	از موجب و مرسوم عساکر که نقد داده شود تومانی سیصد و شصت [و] شش دینار و چهار دانگ (۸۹ الف).

باب	باب
از اجناس براتی که بواجب عساکر داده شود ده نیم باز یافت و از ده نیم ده يك ناظر میگردد	از انقاد و وزراء و غیره صد يك قیمت مقرر است و از ده يك انعام و ده نیم پیشکش نیز رسوم دارد

ناظر دواب مبلغ یکصد و پنجاه تومان موجب و از ایتباع جل و یراق طوایل بابا شیخعلی ده نیم معمول و از جمله ده نیم ده يك رسوم داشته
ناظر دفر خانه مبلغ دو بیست و بیست [و] پنج دینار و شش هزار و هشتصد و کسری رسوم و موجب داشته :

باب	باب
موافق دستور قدیم از اجارات از تومانی چهار ده دینار و سه دانگ و نیم و از تنخواه امرا : دو دینار و از تیول : هفت دینار و همه ساله چهار دینار و چهار دانگ و از	که در این اواخر حسب الرقم مقرر شده از قرار موجب : تومانی پنجاه دینار و از تنخواه یک ساله و همه ساله : بیست دینار

انعام امر او جمعیکه ملازم نباشند و سیورغال و موجب و غیره چهار ده دینار رسوم داشته.

مهر دار «مهر همایون» در هر سه سال يك نوبت (ب) مبلغ سی تومان قیمت بند مهر میگیرد و از يك تومان بدین موجب رسوم دارد :

تیول امرا : دو بیست و شصت دینار .	همه ساله امرا : یکصد و سی و سه
انعام امر او جمعیکه ملازم نباشند	دینار و دو دانگ
و سیورغال و معافی و اقطاع و موجب و حق السعی عمال : پانصد و بیست دینار .	تنخواه موجب امرا : شصت و شش دینار و دو دانگ

مهر دار «مهر شرف نفاد» از تیول امرا و موجب و حق السعی عمال و قرار موجب امرا از قرار تومانی سیصد و پانزده دینار و از موجب همه ساله امرا یکصد و پنجاه و هفت دینار و نیم رسوم دارد.

توشمال باشی مبلغ سیصد و یازده تومان [و] ششصد و کسری موجب و تیول (۹۰ الف) همه ساله و بشرح جزو رسوم داشته :

باب	باب	باب
از سرگوسفند که ذبح شود : بیست دینار .	از پوست بره : ده دینار .	از ایتباع مطبخ از صد دینار رسوم شصت دینار رسد اوست .
و از بره : ده دینار .		

دواتدار احکام مبلغ بیست و چهار تومان و دو هزار و کسری موجب و تیول و بشرح جزو رسوم داشته :

باب	باب
از اجارات از تومانی هجده دینار یک دانگ ^۱ و نیم .	از تیول امرا و مقربان و آقایان : بیست و پنج دینار

باب ————— ت

از همه ساله امرا و غیره : شاتزده دینار .
و از برای : هشت دینار و دو دانگ .
دواتدار ارقام مبلغ چهل و سه تومان و یک هزار و کسری موجب و تیول
و بدستور دواتدار احکام ، رسوم^۱ داشته .

محتسب الممالک مبلغ پنجاه تومان موجب و مبلغ دو بیست و پنجاه و سه (ب)
تومان و سه هزار و کسری بشرح جزو رسوم محالی داشته :

قزوین : شاتزده تومان [و] یک هزار [و] یکصد دینار . همدان : هفده تومان و سیصد
[و] هفتاد دینار . کرمان : سه تومان و هفت هزار دینار . مشهد مقدس : دوازده تومان .
اردبیل : بیست و یک تومان و یک هزار [و] دو بیست دینار . دارالسلطنه تبریز :
شصت تومان . مازندران : ده تومان . بلدة عباس آباد گنجه و ایروان و ارومی : دوازده
تومان [و] پنج هزار دینار . فارس : پنج تومان و سه هزار و چهارصد و شصت و سه دینار .
قیانات : چهار تومان . خوی : پانزده هزار دینار . گرم رود : هفت تومان . انکوب : مبلغ
یک تومان . سراب : پنج تومان . مقانات : چهار تومان . زنوز : پنج هزار دینار . مرند :
پانزده هزار دینار . جماعت جوانشیر و اتوز یکی :

داروغه اصفهان [دا] رسوم بعنوان مختلف از سیصد تومان الی پانصد تومان میشد . داروغه
دفتر خانه^۲ مبلغ پنجاه و هفت تومان و هشت (۹۱ الف) هزار و کسری در قدیم موجب و تیول
داشته و در زمان شاه حسین تیول بسطام آقا که بر آوردی آن قریب بدویست تومان میشده
در وجه او مقرر شده بود و مبلغ هفتاد و سه تومان و هفت هزار و چهارصد و سی دینار رسوم محلی
و از قرار تومانی بشرح جزو نیز رسوم داشته :

باب ————— ت

از اجارات : پنج دینار و نیم .
از تنخواه امرا : دو دینار و نیم .

۱ - در اصل : و رسوم ۲ در اصل : دفتر دفتر خانه .

باب ————— ت

از تیول امرا : هفت دینار و نیم و همه
ساله امرا : پنج دینار .
نباشند و سیورغال و غیره : پانزده دینار .
داروغه فراشخانه مبلغ ده تومان و سه هزار و هفتصد و شصت دینار تیول
و نود و پنج تومان و کسری از خیاطان و نقاشان و غیره اصناف (ب) رسوم داشته
که باز یافت مینموده . مستوفی الممالک بشرح جزو رسم^۱ الاستیفاء : و غیره داشته
رسم الاستیفاء و غیره

رسم ————— رسم الحساب

از محال سیصد و دو تومان [و] نه هزار و
پنجاه و هشت دینار .
از محاسبات از قرار تومانی سی دینار .

باب ————— ت

از همه ساله امرا و غیره : مبلغ سی دینار .

باب ————— ت

از تیول امرا و مقربان و آقایان :

چهل و پنج دینار .

باب ————— ت

از انعام امرا جمعی که ملازم نباشند و
سیورغال و غیره و حق السعی عمل : نود دینار .
از تنخواه براتی امرا و مقربان و آقایان :
پانزده دینار .

مجلس نویس مبلغ سیصد تومان مقرری و مدد معاش داشته و از بر آوردی
تیول و همه ساله امرا و غیره از قرار تومانی دویست دینار رسوم و مبلغ ۲ قیمت
سی دستجه کاغذ اکلی سر (۹۲ الف) از وجوهات محال ضبطی وزیر و مستوفی اصفهان
بانعام مقرر بوده . مستوفی خاصه شریفه در سنوات سابقه از قرار تومانی سی دینار
رسم الحساب داشته که فیما بین او و محرران ، چهار دانگ دو دانگ قسمت میشده ،
بعد از آن رسم الحساب ۳ فیما بین او و محرران ، چهار دانگ دو دانگ قسمت میشده ،

۱ - در اصل : و رسم ۲ - در اصل : يك باندازه کلمه سفید است .

۳ - عبارت میان دو شماره در حاشیه است .

بعد از آن رسم الحساب^۳ مشارالیه و محرران از قرار تومانی چهل و پنج دینار مشخص شده. و سایر رسومات از محال خاصه بدستور مستوفی الممالک است. و مبلغ بیست و یک تومان و پنجاه دینار نقد و دو هزار و یکصد و بیست و نه من جنس بوزن سابق رسوم محلی در وجه اوارجه نویس گیالات (ب) و اصفهان مقرر بوده. منشی الممالک مبلغ یکصد و پنجاه و سه تومان و هفت هزار و کسری مواجب، و از تیول امراء و مقربان و آقایان از قرار تومانی بیست و پنج دینار و از همه ساله شانزده دینار و چهار دانگ و از انعامات امراء و جمعی که ملازم نباشند و سیورغالات و غیره پنجاه دینار و از تنخواه امراء و مقربان هشت دینار و دو دانگ و از اجارات هجده دینار و یک دانگ و نیم رسوم داشته. وزیر قورچی و غلام و تفنگچی برین موجب مواجب داشته اند: وزیر قورچی: یکصد تومان. وزیر غلام: یکصد تومان. (۹۳ الف) وزیر تفنگچی: پنجاه تومان. وزیر توپچی: پنجاه تومان. و از انعام و تیول و قرار مواجب از قرار تومانی دو بیست دینار و از تنخواه یک ساله و همه ساله چهل و پنج دینار رسوم در وجه هر یک مقرر بوده مستوفی قورچی و غلام و تفنگچی و توپچی بدین موجب مواجب: مستوفی قورچی: پنجاه تومان. مستوفی غلام و تفنگچی: سی تومان. مستوفی توپچی: سی تومان. و از قرار مواجب و انعام و تیول از قرار تومانی یکصد دینار و از تنخواه و همه ساله مبلغ بیست و پنج دینار رسوم داشته اند ضابطه نویس مبلغ هشتاد و نه تومان و سه هزار و پانصد و کسری مواجب بر آوردی و (ب) مبلغ نوزده تومان رسوم محلی و از تیول امراء و مقربان و آقایان از تومانی مبلغ یازده دینار و یک دانگ و نیم و از انعام امراء و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و غیره بیست و دو دینار و نیم و از همه ساله امراء و مقربان و آقایان هفت دینار و نیم و از براتی سه دینار و چهار دانگ و نیم رسوم و از قرار تومانی سی دینار رسم الحساب داشته. صاحب توجیه مبلغ بیست تومان مواجب و دو تومان و دو هزار و پانصد دینار رسوم محلی، و از اجارات از قرار تومانی بیست و دو دینار و نیم، و از تنخواه مواجب امراء سه دینار و چهار (۹۴ الف) دانگ و نیم و از عساکر بیست دینار و از تیول امراء و مقربان و آقایان یازده دینار و یک دانگ

و نیم، و از تیول قورچیان و غلامان و تفنگچیان و توپچیان پنجاه دینار، و از همه ساله امراء و غیره هفت دینار و نیم و از همه ساله قورچیان و غیره پنجاه دینار، و از انعام امراء و جمعی که ملازم نباشند بیست و دو دینار و نیم، و از انعام قورچیان و سایر عساکر پنجاه دینار، و از سیورغال و معافی و غیره بیست و دو دینار و نیم رسوم داشته. اوارجه نویس عراق مبلغ چهارده تومان مواجب و پنجاه و پنج تومان [و] دو هزار دینار رسوم محلی و از اجارات از قرار (ب) تومانی هشت دینار و یک دانگ و از تیول امراء و مقربان یازده دینار و یک دانگ و نیم و از همه ساله ایشان هفت دینار و نیم، و از انعام امراء و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و غیره بیست و دو دینار و نیم و از تنخواه مقربان و آقایان سه دینار و چهار دانگ و نیم رسوم داشته، و از قرار تومانی یازده دینار رسوم الحساب در وجه او مقرر بوده. اوارجه نویس آذربایجان مبلغ پنجاه تومان مواجب و سایر رسومات او بدستور اوارجه نویس عراق است و رسوم محلی مشارالیه بجهت دیوان (۹۵ الف) ضبط شده. اوارجه نویس فارس مبلغ پانزده تومان مواجب و یکصد و سه تومان [و] هفت هزار و کسری از خارج المال محال فارس رسوم محلی و سایر رسومات او بدستور اوارجه نویس عراق است. اوارجه نویس خراسان مبلغ پانزده تومان مواجب و شصت و هشت تومان و شش هزار و کسری رسوم محلی و سایر رسومات مشارالیه بدستور اوارجه نویس عراق است. و اوارجه نویس معدن مبلغ بیست تومان مواجب و سایر رسومات او بدستور اوارجه نویس عراق است. لشکر نویس مبلغ سه تومان و یک هزار و دو بیست (ب) و پنجاه دینار و کسری تیول، و از اجارات از قرار تومانی هجده دینار و یک دانگ و نیم، و از تنخواه امراء و مقربان و آقایان هشت دینار و دو دانگ، و از مواجب مقربان و یساولان و غیره سوی عمله بیوتات چهل دینار، و از تیول امراء و مقربان و آقایان بیست و پنج دینار، و از همه ساله امراء و مقربان و آقایان شانزده دینار و چهار دانگ، و از انعام امراء و جمعی که ملازم نباشند پنجاه دینار رسوم، و مواجب و حق السعی عمال پنجاه دینار، و از سیورغال و معافی و مسلمی

واقطاع پنجاه دینار رسوم دارد (۹۶ الف) و از پیشکش که ده يك باز یافت میشود از جمله ده يك، يك ده يك در وجه مشارالیه و سرخط نویس مقرر بوده، **سرخط نویس** مبلغ دوازده تومان موجب و از قرار تومانی از اجارات پنج دینار و چهار دانگ، و از تنخواه يكساله امرا و مقربان سه دینار و چهار دانگ، و از تنخواه آقایان و مقربان و ساولان بیست دینار، و از تیول امرا و غیره هشت دینار، و از همه ساله ایضاً پنج دینار و دو دانگ، و از انعام امرا و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و معافی و موجب و حق السعی عمال شانزده (ب) دینار رسوم داشته. و رسوم پیشکش بشرح اسم اشکر نویس است. **كشيك نویس** دو نفر بوده اند و مبلغ سی و هفت تومان موجب داشته اند. نویسنده بقایا مبلغ بیست تومان موجب داشته. پیشکش نویس مبلغ پانزده تومان موجب و از جمله ده يك که از پیشکش گرفته میشود يك ده يك رسوم دارد. **دفتر دار** مبلغ نه تومان موجب و بیست و یک تومان و شش هزار و سیصد دینار رسوم محلی، و از اجارات از قرار تومانی از قرار ^۱ دو دینار و چهار دانگ ^۲ و نیم، از تنخواه امراء يك دینار و یک دانگ و نیم، و از تیول امراء (۹۷ الف) سه دینار و چهار دانگ و نیم، و از همه ساله دو دینار و نیم، و از انعام امرا و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و غیره هفت دینار و نیم رسوم داشته. **نویسنده نظارت** نوزده تومان موجب و از اجارات از قرار تومانی یک دینار و نیم رسوم داشته. **مشرّف خزانه عامره** از ده يك انعام و خلعت و ده نیم پیشکش از یک تومان که جمع شود مبلغ سه هزار دینار، و از ده نیم رسوم ابتیاع یک تومان که جمع شود سی و سه دینار و دو دانگ، و از موجب مرسوم که نقد داده شود از یک تومان شصت دینار، و از اجناس (ب) براتی که تنخواه عساکر شود ده نیم باز یافت، و از جمله یک تومان که جمع شود سه هزار دینار، و از اجناس انفاد و وزراء و عمال و کرکیر اقان صد يك قیمت، و از اجناس شعر بافخانه صد نیم رسوم دارد. **مشرّف قیجاجیخانه امرائی** از ده يك خلعت از يك تومان که جمع شود یک هزار و دو بیست دینار، و از انفاد و وزراء و عمال صد يك ^۳ و از ده

۱ - کذا مکرر است. ۲ - در اصل: دو دانگ. ۳ - در اصل: صد و يك.

نیم ابتیاع یک تومان [که] جمع شود یکصد و سی سه دینار و دو دانگ رسوم در وجه او مقرر است. **مشرّف آبدارخانه** از انفاد صد يك ^۱ و از ده نیم ابتیاع یک تومان که جمع شود از آنجه یکصد و سی و سه (۹۸ الف) دینار و دو دانگ در وجه او مقرر است. **مشرّف کتابخانه** بشرح **مشرّف آبدارخانه** رسوم داشته. **مشرّف قیجاجیخانه خاصه** از انفاد و وزراء و عمال صد يك ^۱ و از ده نیم ابتیاع یکصد و سی و سه دینار و دو دانگ ^۲ و از ده نیم پیشکش و خلعت و اجناس براتی یک هزار و نهصد و شصت و شش دینار و چهار دانگ رسوم در وجه او مقرر بوده. **مشرّف حویج خانه و مطبخ و مرغخانه و ایامی خانه**، بايك شخص بوده، مبلغ سی تومان موجب و آنچه بانعام دهند صد دو، آنچه بموجب دهند صد يك، و از ده نیم ابتیاع دو دانگ (ب) متعلق بمشرّف مذکور است، و هر روز يك قاب طعام صباح و يك قاب مسا و شش عدد نان: دو خاصه و چهار عدد خرجی، جیره داشته. **مشرّف مطبخ** از گوشت که بانعام دهند از جمله ده يك بیست دینار و از ده نیم ابتیاع دو دانگ و از خوراکی صباح و مسا نیز رسوم داشته. **مشرّف میوه خانه و قورخانه و غانات**، باشراف یک شخص مقرر بوده، مبلغ بیست تومان موجب داشته و از پیشکش صد يك و از انعام از صد دینار و دو دینار و از تحویل اصاف که یراق سرانجام نمایند از جمله پنج دینار ده نیم (۹۹ الف) یک دینار و از آنچه بموجب دهند ^۳ از جمله ده نیم ده يك و از ابتیاع دو دانگ ^۴ رسوم داشته. **مشرّف شرابخانه** سی و پنج تومان موجب داشته و از انفاد صد يك و از ده نیم ابتیاع بعد از وضع دو ده يك که تعلق بناظر و مستوفی ^۴ از باب التحاویل دارد، دو دانگ در وجه **مشرّف** مقرر است و از پیشکش و انعام نیز رسوم می گرفته. **مشرّف شهر بافخانه** ^۵ مبلغ پانزده تومان موجب و از یک تومان رسوم که جمع شود سی و سه دینار و دو دانگ رسوم داشته. **مشرّف قوشخانه** مبلغ شصت تومان و چهار هزار و نهصد و کسری موجب (ب) و از جمله ده نیم طعمه کلاب و جوارح قدری رسوم دارد. **مشرّف توپخانه** مبلغ بیست تومان مر اجب و از جمله ده يك رسوم بار و ط سازی و بیست و شصت و شش دینار و چهار دانگ رسوم

۱ - در اصل: صد و يك. ۲ - در اصل: دو دانگ. ۳ - در اصل: دهند.

۴ - کلمه در حاشیه است. ۵ - در اصل: شعر بافخانه.

داشته، صاحب جمع خزانه عامره موافق آنچه در نسخه نوشته شده بدین موجب رسوم در وجه مشارالیه مقرر بوده^۱ :

باب _____ ت

از ده يك انعام و ده نیم پیشکش یکتومان رسوم که جمع شود بدین موجب تقسیم میشود:
صاحب جمع : سه هزار دینار . مستوفی ارباب التحاویل : یک هزار دینار .
کلیددار : دو هزار و چهار صد دینار . عزبان : سیصد دینار . مشرف : سه هزار دینار .
بیضه (۱۰۰ الف)

باب _____ ت

از ده نیم اشیاع بشرح ایضا :

ناظر : یک هزار دینار . مشرف : دو هزار و سیصد و شصت و
مستوفی ارباب التحاویل : یک هزار دینار . شش دینار و چهار دانگ .
صاحب جمع : پنج هزار و سیصد و
شصت و سه دینار و دو دانگ .

باب _____ ت

از ده نیم جنسی که بمواجب دهند بشرح ایضا :

صاحب جمع : سه هزار دینار . مستوفی ارباب التحاویل : یک هزار دینار .
مشرف : سه هزار دینار . کلیددار و غیره :

کلیددار : دو هزار و چهار صد دینار .

عزبان : سیصد ۲ دینار .

و آنچه مشرف بقلم داده بدین موجب رسوم باز یافت می نمودند :

باب _____ ت

آنچه تقدیم واجب دهند، از یکتومان از اجناس انقاد کر کیر اقبالان و وزراء
دو ست دینار رسوم باز یافت و از آن جمله و عمله بقرار صد ۳ يك و از انقاد شعری .

۱ - کلمه « و آنچه مشرف » در اصل اینجا بود، جای آن تغییر دادیم .

۲ - در اصل : سیصد . ۳ - در اصل : صد .

بیست دینار بجهت سرکار خاصه شریفه بافخانه صد نیم مقرر بوده . (ب)
ضبط میشود و ارتتمه یکصد و بیست دینار
در وجه صاحب جمع مقرر است .

صاحب جمع رکابخانه مبلغ چهار صد و هشتاد و نه تومان و یک هزار و کسری
موجب و پنجاه تومان انعام همه ساله و برین موجب رسوم داشته :

دفعه _____ ه

موافق دستور حسن يك :

باب _____ ت

از پیشکش و غیره که تحویل (داده) باشند :
از آنچه با انعام دهند، از ده يك :
صد يك . صاحب جمع : سی دینار .
قیجاجی : پنجاه دینار .

باب _____ ت

از آنچه تحویل اصناف نمایند که یراق
سر انجام کنند و از آنچه بمواجب هر کس
دهند که از جمله ده نیم چهار حصه رسد
صاحب جمع است .

دفعه _____ ه

موافق زمان جنت مکان از خلعتی که بهر کس دهند، ده يك قیمت واقعی باز یافت
و برین موجب تقسیم میشود : (۱۰۱ الف)

دوشلك : از یکتومان ، یک هزار دینار . عمله قیجاجی خانه : پانصد و پنجاه دینار .

تحویلدار : دو ست و چهل دینار . مشرف : یکصد و بیست دینار . کلیددار : بیست

دینار . مستوفی ارباب التحاویل : چهل دینار . عزبان : یکصد و بیست دینار .

پیشخدمت : سی دینار . رکابداران ، علی السویه : چهار صد و پنجاه دینار .

بوقچه بافی : یکصد دینار . کلیددار : سی و سه دینار [و] دو دانگ . عزبان :

شصت و شش دینار و چهار دانگ.

صاحب جمع قیجاییخانه خاصه و خیاطخانه چهل تومان مواجب و برین موجب روم باز یافت میشود^۱.

باب _____

ده يك دوشلك خلعت و ده [ه] نیم مواجب و ده نیم پیشکش: (ب)

ناظر بیوتات: مستوفی ارباب التحاویل: صاحب جمع: مشرف:

یکصد دینار: نود دینار: سیصد و نود و نه: یکصد و نود و شش

دینار و دودانگ: دینار و چهار دانگ.

کلیددار: پیشخدمت: عزیمت: ان:

سی و سه دینار: بیست و پنج دینار: یکصد و شصت [و] دو

دینار و دو دانگ.

باب _____

از ده نیم ابتیاع: یک هزار دینار.

ناظر بیوتات: مستوفی ارباب التحاویل: صاحب جمع: مشرف:

یکصد دینار: یکصد دینار: پانصد و سی و سه: دویست و (و) شصت و شش

دینار و دودانگ: دینار و چهار دانگ.

باب _____

آنچه کرکر اقان بکارخانه آورده قبض باز یافت نمایند:

صاحب جمع: صدیک: مشرف: صدیک.

صاحب جمع فراشیخانه مبلغ هفتاد تومان و سه هزار و دویست [و] چهل و یک دینار و نیم مواجب، و بدین موجب رسوم در وجه او مقرر بوده:

باب _____

ده نیم ابتیاع: یک هزار دینار (۱۰۲ الف).

ناظر: مستوفی ارباب التحاویل: صاحب جمع: مشرف:

یکصد دینار: یکصد دینار: پانصد و سی و سه: دویست [و] شصت [و]

دینار و دودانگ: شش دینار و چهار دانگ.

باب _____

ده نیم پیشکش: یک هزار دینار.

عزبان: صاحب جمع: مشرف:

دویست دینار: پانصد و سی (و) سه دینار: دویست و شصت و شش

دودانگ: دینار [و] چهار دانگ.

باب _____

ده نیم جنسی که بمواجب دهند و ده يك انعام: یک هزار دینار.

ناظر: مستوفی ارباب التحاویل: صاحب جمع: مشرف:

یکصد دینار: یکصد دینار: پانصد و سی و سه: دویست و شصت و شش

دینار و دودانگ: دینار و چهار دانگ.

صاحب جمع زین خانه مبلغ شصت تومان و پنجاهار و هشتصد و چهل و شش

دینار مواجب، و برین موجب رسوم در وجه او مقرر بوده:

باب _____

ده يك انعام و ده نیم پیشکش: یک هزار دینار. (ب)

صاحب جمع: مشرف: زین داران و جلوداران: عزبان:

پانصد دینار: دویست دینار: دویست دینار: یکصد دینار.

باب _____

ده نیم آنچه بمواجب دهند و آنچه ابتیاع شود: پانصد دینار.

ناظر: مستوفی ارباب التحاویل: صاحب جمع: مشرف:

پنجاه دینار: پنجاه دینار: دویست و شصت و سی^۱: یکصد و سی و سه

دینار و چهار دانگ: دینار و دودانگ.

باب _____ ت

آنچه از تحویل وزراء و کرکر ا قان تحویل نمایند ده نیم^۱ گرفته میشود:

ناظر:	صاحب جمع:	مشرف:
یکصد دینار.	یکصد دینار.	یکصد دینار.

مستوفی ارباب التحاویل [و] عامل که جنس انقاد مینماید بالمناصفه:

دو صد دینار.

صاحب جمع حویجخانه^۲ مبلغ پانزده تومان مواجب و برین موجب

رسوم داشته:

باب _____ ت

از ده نیم پیشکش: یکصد دینار.

ناظر:	مستوفی:	صاحب جمع:	مشرف و عزبان بالمساوات:
ده دینار.	ده دینار.	بیست و شش دینار [و]	پنجاه و سه دینار و دودانگ
			چهار دانگ.

باب _____ ت (۱۰۳ الف)

از صد تومان انقاد وزراء و عمال، چهار تومان فیما بین ناظر و مستوفی و صاحب جمع

و مشرف بالمساوات قسمت میشود:

باب _____ ت

ده نیم ابتیاع: صد دینار.

ناظر:	مستوفی:	صاحب جمع:	مشرف:
-------	---------	-----------	-------

ده دینار. ده دینار. پنجاه و سه دینار و دودانگ. بیست و شش دینار و چهار دانگ.

صاحب جمع غلات مبلغ هشت تومان و هفت هزار [و] چهار دینار مواجب

و برین موجب رسوم در وجه او مقرر بوده:

باب _____ ت

از جنسی که بسرکار خاصه شریفه آورند و آنچه عمال نقد انقاد و گوسفند

ابتیاع نماید صد دو باز یافت و فیما بین صاحب جمع و مشرف بالا سارات

۱- در اصل «ده نیم» در حاشیه است. ۲- در اصل: حویجخانه.

(ب) قسمت میشود.

صاحب جمع میوه خانه مبلغ بیست تومان مواجب و بر این موجب رسوم در وجه او مقرر است:

باب _____ ت

از ده يك انعام و ده نیم پیشکش:

ناظر:	مستوفی:	صاحب جمع:	مشرف:
-------	---------	-----------	-------

هشتصد دینار. نهصد دینار. سه هزار و هشتصد دینار. یک هزار و هشتصد دینار.

عزبان: کلید دار و دوشلکی:

یک هزار و هشتصد دینار. یک هزار دینار.

باب _____ ت

ده نیم آنچه مواجب دهند: یک تومان.

ناظر:	مستوفی:	صاحب جمع:	مشرف:
-------	---------	-----------	-------

یک هزار دینار. هشتصد دینار. سه هزار و نهصد و سی و یک هزار و نهصد و شصت و

سه دینار و دودانگ. سی^۳ دینار و چهار دانگ.

کلیددار: پیشخدمت: عزب:

سیصد و سی دینار. دو صد و پنجاه دینار. یک هزار و سیصد و بیست دینار.

صاحب جمع شرابخانه مبلغ سی و چهار تومان و^۳ (۱۰۴ الف) شش هزار و نهصد

دینار مواجب و برین موجب رسوم در وجه او مقرر بوده:

باب _____ ت

از آنچه عمال و غیره در جزو ابتیاع نموده انقاد نمایند صد دو باز یافت و فیما بین

صاحب جمع و مشرف بالمساوات قسمت میشود:

باب _____ ت

از ده نیم آنچه ابتیاع نمایند:

ناظر:	مستوفی:	صاحب جمع:	مشرف:
-------	---------	-----------	-------

۱- در اصل عبارت میان دو شماره در حاشیه است. ۲- کذا و شاید: سه. ۳- در اصل و او مکرر است.

پنج دینار . پنج دینار . بیست و شش دینار و دو دانگ . سیصد دینار و دو دانگ .

باب _____ ت

از ده يك انعام: يكصد دینار .

ناظر :	مستوفی :	صاحب جمع :	مشرف :
ده دینار .	ده دینار .	چهل دینار . (ب)	سی دینار .

عزبان :

پنج دینار .

صاحب جمع شربتخانه غانات مبلغ ده تومان مواجب و از ده نیم اقباع و صد يك انفاد بتفصیل سرکار خاصه رسوم داشته .

صاحب جمع ایاغخانه مبلغ چهارده تومان و نه هزار و هشتصد و نود و شش دینار مواجب و از پوست و کله و جگر گوسفند بیست دینار و از پوست و کله و جگر بره ده دینار رسوم داشته .

صاحب جمع شیرخانه مبلغ یکصد تومان مواجب و دو از ده تومان انعام همه ساله و برین موجب رسوم در وجه او مقرر بوده : (۱۰۵ الف)

باب _____ ت

از ده يك انعام و ده نیم پیشکش: يكصد دینار .

ناظر :	مستوفی :	صاحب جمع :	مشرف :	و عمله :
ده دینار .	ده دینار .	سی و پنج دینار .	سی و پنج دینار .	ده دینار .

باب _____ ت

از ده نیم اقباع : پنجاه دینار .

ناظر :

ده دینار .

صاحب جمع شترخان مبلغ بیست تومان مواجب داشته .

صاحب جمع هیمة خانه مبلغ هشت تومان مواجب و بدستور حویجخانه

رسوم داشته .

صاحب جمع سقاخانه مبلغ نوزده تومان و هفتصد و چهل دینار مواجب و از ده نیم اقباع چهار دانگ و از ده يك انعام، از یکصد دینار هشتاد دینار (ب) متعلق باو بوده .

صاحب جمع شعلخانه مبلغ دوازده تومان مواجب و از يك تومان قیمت جنس اقباع، دویست و شصت و شش دینار و چهار دانگ ار او بوده .

صاحب جمع زرگر خانه مبلغ پنج تومان و شش هزار و کسری مواجب، و دیدنی جواهر اصفهان یا او بوده، و برین موجب رسوم فیما بین ناظر و غیره قسمت میشده :

ناظر : مستوفی از باب التحاویل : صاحب جمع :

یکهزار دینار . یکهزار دینار . پنجهزار و سیصد و سه دینار و دو دانگ . مشرف :

دو هزار و سیصد و شصت و شش دینار و چهار دانگ .

صاحب جمع مسگرخانه مبلغ سی تومان مواجب داشته .

صاحب جمع آبدار خانه مبلغ هشتاد و هفت تومان و شش هزار و کسری مواجب، از ده نیم اقباع دویست (۱۰۶ الف) و شصت و شش دینار و چهار دانگ و از انفاد صد يك رسوم داشته .

صاحب جمع کتابخانه پنجاه تومان مواجب و از باسمه چای و زرکوب و کاغذگر و مقراض اگر و مذاهب، بلا تشخیص مبلغ، رسوم داشته .

صاحب جمع مطبخ نه تومان مواجب داشته و رسوم مشخص نیست .

صاحب جمع اصطبل مبلغ دوازده تومان مواجب و از پیشکش و انعام بشرحی که در تحت اسم امیر آخور باشی نوشته شد رسوم داشته .

صاحب جمع قهوه خانه مبلغ پنجاه تومان مواجب و دو هزار من گندم بوزن شاه انعام داشته و رسوم مشخص نشده .

صاحب جمع (ب) نقاشخانه مبلغ سی تومان انعام همه ساله و از ده نیم مصالح نقاشی از

پانزده دینار و دو بیست و شش دینار^۱ و چهار دانگ رسوم داشته.

صاحب جمع عطار خانه مبلغ ده تومان موجب و از اقباع و انقاد بدستور سایر بیوتات رسوم داشته

صراف باشی خزانه عامه مبلغ ده تومان موجب و از زر که بخزانه آورند تومانی بیست دینار باز یافت مینماید. و اگر زر قاب بر آید یا سبک باشد از عهده غرامت آن بیرون آید.

مقاله دوم

در ذکر موجب و قبول امراء سرحد و نفری ملازمان هر يك از بيكلى بيكلى [ن] (۱۰۷ الف) و حکام و سلاطین و مجمل مداخل و مخارج ایران. پس تفصیل مداخل امراء سرحد و نفری ملازمان مقررده هر ولایت را بتفصیل جزو بدین موجب بمعرض عرض میرساند:

آذربایجان - بيكلى بيكلى تبریز و توایین سی و چهار هزار و دو بیست و سی و چهار تومان و چهار هزار و نهصد و شش دینار و نیم.

م	داخل:	م
دو هزار و [و] سیصد و سی و هفت تومان و نهصد نفر.		
هشت هزار و سیصد و هفده دینار		

م	داخل:	م	حاکم آستارا (ب)
پنج هزار و پنجاه و دو تومان و پنج هزار و سیصد ^۲ نفر.			
سیصد ^۲ و پنجاه و هفت دینار.			

م	داخل:	م	حاکم مراغه و ایل مقدم
سه هزار و هفتصد و بیست و نه تومان و دو هزار و [و] هفتصد نفر.			
و هفت هزار [و] چهارصد و پنجاه دینار.			

م	داخل:	م	حاکم الگاء ایل افشار
هفت هزار و سیصد و نود تومان سه هزار و دو هزار و دو بیست نفر.			
هفتصد و چهل و هفت دینار.			

م	داخل:	م	حاکم قراچه داغ
---	-------	---	----------------

دو بیست نفر (۱۰۸ الف)	هشتصد و بیست و هشت تومان و چهار هزار و دو بیست دینار.
-------------------------	---

م	داخل:	م	حاکم حورس -
---	-------	---	-------------

هفتصد نفر.	یک هزار و صد و شصت و هشت تومان و نه هزار [و] ششصد و چهل دینار.
------------	--

م	داخل:	م	حاکم کورد
---	-------	---	-----------

صد نفر.	دو بیست و پنجاه و هفت تومان و هفت هزار [و] پنجاه دینار.
---------	---

م	داخل:	م	حاکم قانیات
---	-------	---	-------------

صد و هشتاد و هشت نفر.	هشتصد و بیست و دو تومان و پنج هزار و پانصد و شصت دینار.
-----------------------	---

م	داخل:	م	حاکم ورکمان (ب)
---	-------	---	-----------------

هشتاد و پنج نفر.	صد و نود و پنج تومان و نه هزار و پانصد دینار.
------------------	---

م	داخل:	م	حاکم گرم رود
---	-------	---	--------------

بیست و پنج نفر.	صد و سی و شش تومان و هشتصد و نود دینار.
-----------------	---

م	داخل:	م	حاکم ایل آذربا
---	-------	---	----------------

صد و پنجاه نفر.	سیصد و ده تومان و دو هزار و پانصد و پنجاه دینار.
-----------------	--

م	داخل:	م	حاکم هشترود و وطاب طاب
---	-------	---	------------------------

صد و پانزده نفر.	صد و نوزده تومان و شش هزار و پانصد و سی و دو دینار.
------------------	---

حاکم مدك	مداخـل	م	الازمان
هفتصد و بیست و نه تومان و سه هزار	یکهزار و صد و هفتاد	و نه نفر	
حاکم لاهیجان (۱۰۹ الف)	مداخـل	م	الازمان
هشتصد و هفتاد و چهار تومان و پنج هزار	پانصد و نود نفر		
و سیصد و نود دینار			
حاکم ایل دابلی	مداخـل	م	الازمان
سیصد و نوزده تومان و نه هزار و نود و شش دینار	صد و چهل و یک نفر		
حاکم اوچرود	مداخـل	م	الازمان
پانصد و ده تومان و دو هزار و نود و پنج دینار	هفتاد نفر		
حاکم ابدالوا	مداخـل	م	الازمان
هشتاد و هشت تومان و پنج هزار و هفتصد و بیست و سه دینار	صد نفر		
حاکم سراب	مداخـل	م	الازمان
هشتصد و چهل و پنج تومان و یک هزار و هفتصد و شش دینار	نه نفر		
حاکم ایل شتاقی (ب)	مداخـل	م	الازمان
سیصد و بیست و شش تومان [و] دو هزار و بیست [و] دو دینار	سیصد و نوزده نفر		
حاکم زنوز و قلعه قارنیاق	مداخـل	م	الازمان
چهار صد و پنجاه و پنج تومان و پنج هزار و دو بیست [و] هشتاد دینار	صد و پنجاه نفر		
حاکم مشکین	مداخـل	م	الازمان
صد و سی و شش تومان و نه هزار و هشتصد و پنجاه و شش دینار	شصت نفر		

حاکم الکاء انهار	مداخـل	م	الازمان
من مزارع مغانات	دو هزار و دو بیست و دو تومان و دو هزار و دو بیست و بیست و دو دینار	پنجاه نفر	
حاکم قلعه پشک	مداخـل	م	الازمان
پنجاه و هفت تومان و پنج هزار و نود دینار	پانزده نفر		
حاکم سلطان لك سلماسی (۱۱۰ الف)	مداخـل	م	الازمان
سیصد و چهل و نه تومان و سه هزار و هفتصد و چهل و هشت دینار	صد نفر		
حاکم قرا آغاچ طالش	مداخـل	م	الازمان
دو بیست و شانزده تومان و هشت هزار و سیصد و پنجاه و دو دینار	چهل نفر		
حاکم شاهی سون ایناوا	مداخـل	م	الازمان
یکهزار و صد و سی تومان و نهصد و هشتاد دینار	هشتاد نفر		
حاکم سلطانیه و زنجان	مداخـل	م	الازمان
یکهزار و ششصد و شصت تومان و دو هزار و پنجاه و نه دینار	هشتصد و هفتاد		
بیکار بیکی چخور سعد و تو این	بیست و پنج هزار و نهصد و ده تومان [و] شش هزار و سیصد و بیست و شش دینار (ب)		
بیکار بیکی	مداخـل	م	الازمان
بیست هزار و پانصد و سی و نه تومان	دو هزار و هشتصد و شصت نفر		
حاکم تومان نخجوان	مداخـل	م	الازمان
سه هزار و چهار صد و شصت و یک تومان و چهار هزار و سیصد و چهل [و] شش دینار	هفتصد و نود و نه نفر		

حاکم ماکو	م _____ داخل :	م _____ لازم :
پانصد و هشتاد تومان و دوهزار و هشتصد و هشتاد و هشت دینار.		صد و پنجاه نفر.
حاکم زار و زبیل	م _____ داخل :	م _____ لازم :
چهارصد و سی و هشت تومان [و] چهار هزار و ششصد و هفتاد [و] پنج دینار.		دویست نفر.
حاکم صدرک	م _____ داخل :	م _____ لازم :
شصت و پنج تومان و چهار هزار و سیصد و پنجاه و هشت دینار.		پنجاه و چهار نفر.
حاکم قلعه بایزید (۱۱۱ الف)	م _____ داخل :	م _____ لازم :
سیصد و شش تومان و سه هزار و چهارصد و هشتاد و هفت دینار.		صد نفر.
حاکم شادیلو	م _____ داخل :	م _____ لازم :
بیست تومان.		سی نفر.
حاکم دنیلی اکراد	م _____ داخل :	م _____ لازم :
ده تومان.		چهل نفر.
حاکم معاربرد	م _____ داخل :	م _____ لازم :
صد و پانزده تومان و شش هزار و پانصد و هفتاد و دو دینار. پنجاه و چهار نفر.		
بیگلر بیکی قرا باغ و توابعین : بیست و چهار هزار و هفتصد و بیست و شش تومان و نهصد و هفتاد و هشت دینار (ب)		
بیگلر بیکی	م _____ داخل :	م _____ لازم :
ارباب قرا باغ که از کاخ معلوم، بیست و هشت هزار [و] ششصد و چهارده تومان و نه هزار و چهارصد و سی و پنج دینار.		یک هزار و چهارصد و سی نفر.

حاکم زکم	م _____ داخل :	م _____ لازم :
پنجاه هزار و نهصد و نود و هشت تومان و پنجاه هزار و نهصد و هشتاد دینار.		یک هزار و دویست نفر.
حاکم بردع	م _____ داخل :	م _____ لازم :
سه هزار و هفتصد و نود [و] دو تومان و دوهزار و هفتصد و سی و پنج دینار.		پانصد و پانزده نفر.
حاکم احما باد	م _____ داخل :	م _____ لازم :
هشتصد و پنجاه و دو تومان و پنجاه هزار و نهصد و سی دینار.		هفتصد نفر.
حاکم جوان شیر	م _____ داخل :	م _____ لازم :
دوهزار و صد و دو تومان و هشت هزار دینار.		هشتصد و سی و دو نفر.
حاکم برکشا ط	م _____ داخل :	م _____ لازم :
سیصد و چهل و یک تومان و دوهزار و هفتصد و پنجاه دینار.		سیصد نفر.
حاکم قرا آغا ج	م _____ داخل :	م _____ لازم :
ششصد و سی و شش تومان و پنجاه هزار و چهارصد و سی و چهار دینار.		دویست و ده نفر.
حاکم لوزی و پنبک	م _____ داخل :	م _____ لازم :
یک هزار و پانصد و چهل و پنج تومان [و] هشت هزار و چهارصد و سی و چهار دینار.		پانصد و پنجاه نفر.
حاکم الکای ارسبار	م _____ داخل :	م _____ لازم :
ششصد [و] یک تومان و هشت هزار و سیصد و چهل و پنج دینار.		سیصد نفر.

حاکم الکای سماوی و تر کور م داخل : م لازم :

سیصد تومان و دوهزار و نهصد و چهل و هفت نفر.

بیگلریکی (ب) شیروان و توایین.

بیگلریکی م داخل : م لازم :

بیست و یک هزار و نهصد و هشتاد و سه تومان و نه هزار و سی و سه دینار و هشتاد و یک نفر.

حاکم سالیان و قبه و قلعهان م داخل : م لازم :

سالیان سه هزار و سیصد و چهل و دو تومان و سه هزار و هشتصد و چهل و پنج دینار و هشتصد و شصت نفر. قبه : هفت هزار و هفتصد تومان.

حاکم ارس و شکي م داخل : م لازم :

هشت هزار و چهارصد و هفتاد و شش تومان و دوهزار و چهارصد و شصت و پنج دینار و سیصد و پنجاه و پنج نفر.

حاکم باب الابواب در بند م داخل : م لازم :

شش هزار و چهارصد و هشتاد و هفت تومان و سه هزار و نهصد و پنجاه و پنج دینار. (۱۱۳ الف)

حاکم الپاوت م داخل : م لازم :

هشت هزار و هشتاد و چهار تومان و چهار هزار و هفتصد و بیست و هفت دینار و دو بیست و سی نفر.

حاکم باد کوبه م داخل : م لازم :

پانصد تومان و صد نفر.

حاکم چمشگزک و آغداش م داخل : م لازم :

هزار و دو تومان و شش هزار و صد و نو و پنج دینار و سی نفر.

خراسان- بیگلریکی هرات و توایین (ب)

بیگلریکی هرات م داخل : م لازم :

پانزده هزار و دو بیست و هفتاد و هفت تومان و شش هزار و سی و چهار دینار و هشتاد و دو نفر.

حاکم ماروچاق م داخل : م لازم :

سه هزار و دو بیست و شصت و هفت تومان و پنج هزار و پانصد و سی و یک دینار و نود و هفت نفر.

حاکم فراه م داخل : م لازم :

چهار هزار و نهصد و هشتاد و نه تومان و شش هزار و هشتصد و هفتاد و سه دینار و ششصد و سه نفر.

حاکم خواف (۱۱۴ الف) م داخل : م لازم :

یک هزار و چهارصد و سی و چهار تومان و دو هزار و ششصد و بیست و چهار دینار و یک نفر.

حاکم جام م داخل : م لازم :

یک هزار و ششصد و هشتاد و دو تومان و دو بیست و بیست دینار و پانصد نفر.

حاکم بالامرغاب م داخل : م لازم :

هشتصد و هشتاد و سه تومان و سه هزار و چهارصد و شصت و شش دینار و یک صد نفر.

حاکم پنجاه م داخل : م لازم :

نصد و پنجاه و هشت تومان و چهار هزار و شش صد و هفتاد و سه دینار و یک صد و پنجاه نفر. (ب)

حاکم بادغیس م داخل : م لازم :

یک صد و نه تومان و شش هزار و صد و پنجاه و یک دینار و سی نفر.

حاکم کرج	م داخل :	م لازم :
چهار صد و چهل و دو تومان و سه هزار و هشتصد و سی و هفت دینار.	یکصد و نود و نه نفر.	
حاکم رودمی	م داخل :	م لازم :
چهار صد و پنجاه تومان و هفت هزار و نود و یک دینار.	پانصد نفر.	
حاکم غور	م داخل :	م لازم :
یکصد و سه تومان و یک هزار و ششصد دینار.	سی نفر (۱۱۵ الف)	
حاکم تون	م داخل :	م لازم :
یک هزار و دو بیست و نود تومان و سه هزار و یک صد دینار.	سیصد نفر.	
بیگلریکی مشهد مقدس و توابع		
بیگلریکی	م داخل :	م لازم :
هفت هزار و چهار صد و چهل و سه تومان و نه هزار و یک صد و نود و پنج دینار.	ششصد و هفتاد نفر.	
حاکم سرخس	م داخل :	م لازم :
دو هزار و نود و نه تومان و سه هزار و بیست و چهار دینار.	چهار صد و سی و هفت نفر.	
حاکم نیشابور	م داخل :	م لازم :
دو هزار و یکصد و هفتاد تومان و هشت هزار و ششصد دینار.	هفتصد و نوزده نفر.	
حاکم تربت	م داخل :	م لازم :
نصد و نود و چهار تومان و دو هزار و نصد و هفتاد و دو دینار.	شش صد و شانزده نفر.	

حاکم ایورد	م داخل :	م لازم :
سه هزار و پانصد و هشتاد و هشت تومان و هفت هزار [و] هشتصد و بیست و هشت دینار.		پانصد و پنجاه نفر.
حاکم آزادوار	م داخل :	م لازم :
یکصد و سی و نه تومان و سه هزار و پانصد و سی و سه دینار.		بیست و یک نفر.
حاکم نما (۱۱۶ الف)	م داخل :	م لازم :
دو هزار و هشتصد و دو دوازده تومان و سیصد و سی و هفت دینار.		پانصد و پنجاه و پنج نفر.
حاکم سبزوار و وزیر کل خراسان	م داخل :	م لازم :
یک هزار و سیصد و دو تومان و یک هزار و صد و پنجاه و یک دینار.		دویست و هفتاد و هفت نفر.
حاکم اسفرائین	م داخل :	م لازم :
نصد و هجده تومان و هفت هزار و دویست و هشت دینار.		یکصد و سی نفر.
حاکم حوروز و یساگو	م داخل :	م لازم :
دویست و شانزده تومان و هفت هزار و سیصد و پنجاه و سه دینار.		چهل و پنج نفر.
حاکم درون (ب)	م داخل :	م لازم :
دو هزار و نصد و بیست و سه تومان [و] سه هزار و سیصد و بیست و نه دینار.		یک هزار و سیصد و بیست نفر.
حاکم تربت	م داخل :	م لازم :
سیصد و هفتاد و نه تومان و چهار هزار و هفتصد و یک دینار.		پنجاه و پنج نفر.

حاکم بر او ندق داخل م لازم :
یکصد و هفتده تومان و یکصد و دو و بیست
و هشتاد و هفت دینار
پنججاه نفر

حاکم دارالقرار قندهار و توابعین

حاکم دارالقرار قندهار داخل م لازم :
یکصد و بیست و سه نفر
یکصد و بیست و سه نفر (الف ۱۱۷)

حاکم زمین داور و غوریان داخل م لازم :
نقد دو هزار و پانزده تومان [و] سیصد و شش^۱ دینار
چهارصد و شصت
اشجار هشتصد و سی و یک اصله، بلا مبلغ و سه نفر

حاکم کوشک داخل م لازم :
هزار و هشتصد و چهل و هفت تومان
صد و نود و نه نفر
و هشتصد و نهصد و بیست دینار

حاکم ابل کری و او که و بادغیس و تیموری و علی خواجه^۲ [و] میر عارف بلوچ
مواجه سی تومان (ب)

یکصد و بیست و نه نفر و غیره

یکصد و بیست و نه نفر داخل م لازم :
هشتصد و نود و سه تومان و ششصد و شش
صد و چهل دینار
دو هزار و سیصد و پنجاه و دو نفر

حاکم مستان داخل م لازم :
یکصد و دو و بیست و نود و یک تومان و چهار
هزار و نهصد و هشتاد دینار

یکصد و بیست و نه نفر داخل م لازم :
ده هزار و پانصد و پنجاه و سه تومان و چهار
هزار و هشتصد و شصت دینار

یکصد و بیست و نه نفر داخل م لازم :
سه هزار و سیصد و پنجاه و سه تومان و چهار
هزار و هشتصد و شصت دینار (الف ۱۱۸)

۱- در اصل: سفید است. ۲- در اصل: شش ۳- در اصل: خواجه

حاکم الکاء کرائی داخل م لازم :
یکصد و چهارصد و شش تومان
صد و چهل و پنج دینار
پانصد نفر

حاکم حاجیلر داخل م لازم :
ششصد و پنجاه و نه تومان
سیصد و بیست نفر

حاکم جلایر داخل م لازم :
هفتاد و دو تومان [و] هفتصد و دینار
یکصد نفر

حاکم کراچوی و داخل م لازم :
دویست تومان
سی نفر (ب)

حاکم کوکلان و غیره - حاکم کوکلان: حاکم یموت
دارالمرز و غیره

حاکم کسکر داخل م لازم :
پنجصد و پنجاه و دو تومان و پنجصد و
سیصد و پنجاه و چهار دینار
هزار و دو و بیست نفر

حاکم کهدم داخل م لازم :
هزار [و] دویست و هفت تومان و چهار
هزار و نهصد و چهل و سه دینار
دویست نفر

حاکم رانکو (الف ۱۱۹) داخل م لازم :
سه هزار و نهصد و سه تومان و ششصد و
نهصد [و] چهل و هفت دینار
باب: چهارصد و پنجاه نفر
باب: صد نفر

حاکم تنگابن داخل م لازم :
دو هزار و صد و چهل و دو تومان
و پنجصد و چهل دینار
پانصد و هفتاد و پنجاه نفر

کرمان داخل م لازم :
.....
.....

۱- در اصل: سفید است

عراق
بیگلربیگی (ب) قلمرو و توابع

بیگلربیگی قلمرو م داخل م لازم:

هفت هزار و هشتصد و هفتاد و نه تومان و نه هزار و هفتصد و پنجاه [و] پنج دینار

حاکم گروس و الکاء م داخل م لازم:

زرین کمر و طقانمین نهصد و هفتاد و سه تومان و نه هزار و نهصد و هفده دینار

حاکم الکاء هشتاد جفت م داخل م لازم:

دفعه: مبلغ، دو بیست و بیست و هفت تومان و چهار هزار و هشتصد و چهل دینار
دفعه: بلا مبلغ

حاکم هر سین (۱۲۰ الف) م داخل م لازم:

سیصد و بیست و هشت تومان و سه هزار و نهصد و کسری

سایر امرا که تابعین نیستند: ۱

حاکم کلهر م داخل م لازم:

سه هزار و دو بیست و هفتاد و یک تومان و چهار هزار دینار

حاکم خوار و سمنان م داخل م لازم:

دو هزار و صد و هشتاد تومان و دو هزار و پانزده دینار

حاکم ساوه و حاوه (ب) م داخل م لازم:

هزار و سیصد و نه تومان و دو هزار و نود و سه دینار

حاکم الکاء ری

م داخل م لازم:

هزار و هشتصد و شصت و دو تومان و هفت هزار و پانصد و پنجاه دینار

کرستان و غیره م داخل م لازم:

هزار نفر

حاکم خوجوره م داخل م لازم:

سیصد و شصت و دو تومان [و] هفت هزار دینار

حاکم جوار رود م داخل م لازم:

یک هزار و صد تومان

حاکم اوریان م داخل م لازم:

یک هزار و صد تومان

حاکم م داخل م لازم:

دو هزار و سیصد تومان

لرستان فیلی م داخل م لازم:

۲- ۲-

بختیاری (ب) م داخل م لازم:

سه هزار و سیصد و هفتاد تومان [و] سه هزار و سیصد و بیست دینار

حاکم الکاء بانه م داخل م لازم:

پنججاه نفر

فارس

بیگلربیگی کوگیلوی و توابع

بیگلربیگی م داخل م لازم:

دو هزار نفر

حاکم م داخل م لازم:

شش هزار و هفتصد و چهل و هفت تومان [و] هفت هزار
و پانصد و شصت [و] دو دینار و چهار دانگ و نیم (۱۲۲ الف)

حاکم بحرین م داخل م لازم:

سه هزار و هشتصد و سی و نه تومان هشتصد [و] آنود و نه نفر

حاکم زیدابات م داخل م لازم:

هزار و هشتصد و سی و سه تومان و پنج هزار
و سیصد و سیزده دینار

حاکم سروستان م داخل م لازم:

هزار و سیصد و چهل و سه تومان [و]
پنج هزار و دو دینار

حاکم دورق م داخل م لازم:

پنج هزار و هشتصد و هفتاد و هفت تومان
[و] هفت هزار و چهارصد و پنجاه دینار

حاکم (ب) بندر مبارکه عباسی و غیره

حاکم بندر م داخل م لازم:

چهار هزار و هشتصد و شصت تومان هزار [و] هفتاد و هشت نفر

حاکم دشتستان م داخل م لازم:

دو هزار تومان دویست نفر

والی عربستان

حاکم سیمیرم م داخل م لازم:

هزار و چهل و پنج تومان و شش هزار و صد
و هشت دینار و نیم

۱- در اصل نام محل مذکور نیست

[مقاله سوم] ۱

در ذکر خلاصه مداخل و (۱۲۴ الف) مخارج ولایات ایران

م داخل

نق م جنس

هفتصد و هشتاد و پنج هزار و ششصد
و بیست و سه تومان [و] هشت هزار
و هشتصد و نه دینار باید بدهد
هشت من و نیم و چهار دست
هشتاد مثقال

ب ثابت

مردی ساقی: پانصد نفر

م رکاز دیوانی

نق م جنس

و قیمت جنس:
ششصد و هشت هزار [و]
ششصد و پنجاه و دو تومان و
سه هزار و چهارصد و سه دینار
بدهند
هشت من [و]
نیم [و] هشتاد مثقال

ب ثابت

مردی ساقی: پانصد نفر (ب)

م رکاز اوارجه عراق: م رکاز معادن:

نق م جنس

یک هزار و چهارصد و بیست
و سه تومان و دویست
دینار و کسری
عن مومیائی:
هشت من [و]
نیم و هفتاد مثقال

۲-

۱- در اصل جای این دو تلمه سفید است ۲- در اصل سفید است

ک رمان

هفده هزار و هفتصد و سیزده تومان و هفت هزار دینار و کسری

س ر کار اوارجه خراسان : س ر کار ضابطه :

پنج هزار و یکصد و هشتاد و شش هفت هزار و پانصد و چهل و دو تومان

تومان و شش هزار و کسری و دو هزار و نهصد دینار و کسری

س ر کار خاصه : س ر کار معادن :

سه هزار و چهارصد و سی و دو تومان یک هزار و دو بیست و بیست و سه تومان

و چهار هزار و هفتصد دینار و کسری و هشتصد دینار و کسری (۱۲۴ الف)

س ر کار اوارجه عراق :

سیصد و سی و نه تومان [و] دو

هزار [و] پانصد دینار و کسری

خوزستان :

تقد

یکصد و هفده هزار و ششصد

و بیست و نه تومان و پنج هزار

و هشتصد و پنجاه دینار

س ر کار خراسان :

نود و دو هزار و پانصد و هشتاد و دو

تومان و شش هزار و سیصد دینار و کسری

س ر کار عراق :

دویست و هفت تومان و چهار هزار

و هفتصد دینار و کسری

تقد : جنس :

چهارصد و پنجاه تومان باز :

و شش هزار و چهار دست (ب)

س ر کار خاصه و غیره :

یکصد و هفتاد و شش هزار و نهصد و هفتاد و یک تومان و دو هزار و چهارصد و پنجاه دینار

س ر کار خاصه : س ر کار ارباب التحاویل :

یکصد و هشتاد و شش هزار و دویست هفتصد و چهل و شش تومان [و]

[و] بیست و چهار تومان و پنج هزار [و] شش هزار و نهصد و شانزده دینار

چهارصد و هشتاد و نه دینار

ع راق :

دویست و سیزده هزار و چهارصد و شانزده تومان و شش هزار و پنجاه و هشت دینار پانصد نفر

س ر کار اوارجه عراق : س ر کار خاصه :

شصت و شش هزار و یکصد و

پنجاه و دو تومان و سیصد و چهار

دینار و کسری (۱۲۵ الف)

تقد

یکصد و بیست و شش عن مردی ساقی :

هزار [و] هفتصد و پانصد نفر

شصت و هشت تومان [و]

یک هزار [دینار] و کسری

باز :

چهار دست

س ر کار ضابطه : س ر کار معادن :

نوزده هزار و چهارصد و بیست و

سه تومان و چهار هزار و پانصد

دینار و کسری

س ر کار ارباب التحاویل :

دویست و پنجاه و یک تومان و پنج هزار و هشتصد دینار و کسری

ف راس :

جنس

عن موهیائی :

هشت من [و] نیم و هشتاد مثقال

تقد و قیمت جنس :

یکصد و چهل و دو هزار [و] یک

تومان و سه هزار [دینار] و کسری

س ر کار اوارجه فارس: س ر کار ضابطه:

هفتاد و شش هزار و چهارصد و شصت سی و هفت هزار و یکصد و پنجاه و هشت
و چهار تومان و سه هزار دینار و کسری تومان و دو هزار و هشتصد دینار و کسری.

س ر کار خاصه: س ر کار از باب التجاویل:

بیست و شش هزار و یکصد و هشتاد سی و نه تومان و پنج هزار دینار (ب)
و نه تومان و چهار هزار [دینار].

س ر کار ضابطه: س ر کار معادن:

پانزده هزار و سه تومان و دو هزار چهار هزار و یکصد و هفتاد و هشت
و چهار صد دینار و کسری تومان و کسری.

آذربایجان

یکصد و شصت و یک هزار و نهصد و شصت و نه تومان و هشت هزار و چهار صد دینار و کسری:

س ر کار اوارجه آذربایجان: س ر کار (ق):

یکصد و بیست و شش هزار و چهار صد سی و هفت تومان و شش هزار
و نهصد^۱ دینار و کسری دو هزار [و] یکصد و هفتاد و
هفت تومان و چهار هزار و نهصد^۱ دینار و کسری.

س ر کار ضابطه: س ر کار خاصه:

بیست و شش هزار و هشتصد و شش تومان و پنج هزار و هشتصد^۲
دینار و کسری (۱۲۶ الف)

دارالم

شصت و نه هزار و یکصد و دینار^۳ تومان [و] هفت هزار دینار و کسری.

۱- در اصل: نهصد و ۲- در اصل: هشتصد و ۳- کذا و ظاهراً جای کلمه دینار عددی باید باشد

س ر کار خاصه: س ر کار ضابطه:

شصت و هشت هزار و یکصد و ده تومان

نود و هشت تومان و نه هزار [و] دویست دینار و کسری.

س ر کار معادن:

نهصد و هفت تومان و هفت هزار و نهصد دینار و کسری.

ش پروان:

شصت و سه هزار و هفتصد و هشتاد و چهار تومان و هشت هزار و نهصد دینار و کسری (ب)

س ر کار ضابطه: س ر کار خاصه:

هشت هزار و چهار صد و هفتاد و هفت تومان و چهار صد و چهل و نه تومان
پانصد دینار و کسری.

س ر کار آذربایجان: س ر کار معادن:

چهل و نه هزار و هشتصد و شصت تومان چهار هزار و پانصد و چهل و هفت تومان
و شش هزار [و] هشتصد دینار و کسری.

س ر کار از باب التجاویل:

پنججاه تومان.

خ رج

نق د: س ایر:

سیصد^۲ و بیست و^۳ پنج هزار و دویست [و] عن مردی ساقی کلهر:

هفتاد و سه تومان و شش هزار و کسری پانصد نفر.

س ر کار دیوانی: س ر کار خلاصه:

پانصد و هفت هزار و چهار صد تومان یکصد و هفتاد و سه تومان
و شش هزار و سیصد^۲ دینار و کسری و نه هزار و سیصد دینار و کسری (۱۲۷ الف)

۱- در اصل: سیروان. ۲- در اصل: شصت. ۳- کلمه بیست و تکرار شده است. ۴- در اصل: هشتصد و هفتصد.

تیه ————— ول و مواجب همه ساله :

تقـــــــــــــــــد : ســـــــــــــــــا اير :

چهار صد و نود و يك هزار و هشتصد و نود و
شش تومان و پنج هزار و هفتصد دينار .

تیه ————— ول و عوض تبول :

تقـــــــــــــــــد : ســـــــــــــــــا اير :

سيصد و هفتاد و پنج عن مرديساقى
هزار و سيصد و شصت و ايل كلهر :
شش تومان و سه هزار پانصد نفر .
دينار و كسرى

و كيه ————— ل ثواب جدّه و غيره :

دو هزار و يكصد و نود و يك تومان
و شش هزار و سيصد دينار و كسرى .
و كيه ————— ل و كيه ————— ل
نواب جدّه ماجده : نواب مريم بيگم :

دو هزار تومان . يكصد و نود و يك
تومان [:] شش
هزار و سيصد ^۲ سيصد و چهل و نه هزار و
دينار و كسرى . پانصد تومان و چهار هزار
و سيصد ^۲ دينار و كسرى .

تقـــــــــــــــــد :

عن مرديساقى :
پانصد نفر .
و سيصد ^۲ دينار و كسرى .

فـــــــــــــــــا راش :

پنج هزار و نهصد و پنجاه و شش
تومان و پنج هزار دينار و كسرى .
وايشيك آقاسيان حرم و ديوان و آقايان :
چهار هزار و هفتصد و بيست و يك تومان
و هفت هزار و چهارصد و بيست دينار .

تیه ————— ول : مواجب :

چهار هزار و چهارصد و يك هزار و پانصد
و چهار تومان و چهار و پنجاه و دو تومان
هزار و هشتصد دينار [و] سيصد دينار و
و كسرى كسرى

اطـــــــــــــــــل :

چهار هزار و نهصد و نود و هشت تومان
[و] يك هزار و سيصد دينار و كسرى .

تیه ————— ول : مواجب همه ساله :

يك هزار و هفتاد و شش سه هزار و نهصد و
تومان و چهار هزار و بيست و يك تومان و
[و] هفتصد دينار و شش هزار [و] پانصد
كسرى دينار و كسرى .

يســـــــــــــــــ اولان :

يك هزار و پانصد [و] هشتاد و هفت تومان
[و] پنج هزار و هفتصد دينار و كسرى .

تیه ————— ول :

سيصد و هفتاد و هشت تومان و
هفت هزار و سيصد ^۱ و هشتاد دينار .

مـــــــــــــــــ واجب :

يك هزار و دو و بيست و هشت تومان و
سه هزار دينار و كسرى .

تیه ————— ول : مواجب :

دو هزار و هفتصد و يك هزار و نهصد
چهل و شش تومان و هشتاد و پنج تومان
[و] چهار هزار و دو هزار و سيصد
كسرى . [دينار] و كسرى

عمله بيوتات :

شش هزار و پانصد و چهل و دو تومان
و يك هزار دينار [و] كسرى .

تیه ————— ول : مواجب :

يك هزار و دو و بيست پنج هزار و دو و بيست
و هشتاد و نه تومان و پنجاه و دو تومان
و پنج هزار و سيصد و پنج هزار و سيصد
دينار و كسرى . [دينار] و كسرى .
(۱۲۸ الف)

توپچه ان :

يك هزار و نهصد و چهل و دو تومان
و پنج هزار و كسرى .

تیه ————— ول :

چهارصد و سي و چهار تومان
و يك هزار و سيصد ^۱ دينار و كسرى .

مـــــــــــــــــ واجب همه ساله :

يك هزار و پانصد و هشت تومان
و سه هزار و هفتصد [دينار] و كسرى .

غ ————— امان :

هجده هزار و دویست و شصت و یک تومان
و پنجاه هزار و دویست [دینار] و کسری.

تیه ————— بول :

شش هزار و سیصد و هفتاد و هشت تومان
و پنجاه هزار و پانصد [دینار] و کسری.

مواج ————— ب :

یازده هزار و هشتصد و هشتاد و
دو تومان و نه هزار و هفتصد دینار
و کسری (ب)

ع ————— اریان :

پانزده کی و غیره عن همه ساله :
دو هزار و هفتصد و هفتاد و هشت
تومان و پنجاه هزار و هشتصد و
پنجاه [دینار] و کسری.

مستحفظ ————— ان :

قلاع بندر و فارس و غیره :
دو هزار و یکصد و بیست و چهار
تومان و هشت هزار و هفتصد دینار و
کسری.

قورچیه ————— ان :

بیست و پنجاه هزار و پانصد و هفتاد و
دو تومان و شش هزار و هفتصد [دینار]
و کسری.

تیه ————— بول :

چهار هزار و چهارصد و هفتاد و سه
تومان و یک هزار و یکصد دینار و
کسری.

مواج ————— ب :

بیست و یک هزار و هشتاد و نه تومان و
پنجاه هزار و سیصد دینار و کسری.

تفنگچی ————— ان :

در یکایان و غیره طوایف که در تحت
تفنگچیان ملازمند :

بیست و یک هزار و نهصد و شصت تومان
و سه هزار و سیصد [دینار] و کسری

مواج ————— ب :

بیست و یک هزار و هفتصد و یک تومان
و نه هزار و هفتصد [دینار] و کسری.

س ————— ایر :

جماعت عورات گرجیه و غیره :
هفت هزار و هشتصد و نود و دو تومان
و یک هزار و هفتصد دینار و کسری.

۱- در اصل : شصت ۲- کذا و ظاهرا غازیان

تیه ————— بول :

مواج ————— ب همه ساله :

یک هزار و پانصد و بیست و چهار تومان
و سه هزار و پانصد [دینار] و کسری
(۱۲۹ الف)

تحویل ————— بول :
چهار هزار و سیصد و نود و یک تومان و چهار هزار و پانصد و شصت و نه دینار.

صاحب جمع ————— ان بیوتات :

سی و سه هزار و چهارصد و چهل و هفت
تومان و پنجاه هزار و پانصد دینار و کسری.

حاکم ————— بحرین بجهت خرید

س ————— ایر :

مروراید :
دروجه محمد صالح موم کافوری ساز و غیره :

یک هزار و نود و دو تومان و پنجاه هزار و سیصد
دینار و کسری (ب)

سیور شال و غیره : نود و سه هزار و سی و دو تومان و پنجاه هزار [دینار] و کسری :

سیورغال و معافی :
وظیفه ————— ه :

سی و شش هزار و هفتصد و هفتاد و هفت
تومان و هشت هزار و هشتصد دینار
و کسری.

مق ————— رری :

ان ————— ام :

و مدد معاش و مدد خرج رستم خان چنگیزی
و غیره : نه هزار و چهارصد و چهارده تومان

ب ————— دل اجازه :

قیمت و اخراجات ابریشمی مسلمی :

سیصد و بیست و یک تومان و دو هزار
و هشتصد دینار و کسری.

هفت هزار و هشتاد و پنج تومان و شش هزار
و سیصد [دینار] و کسری (۱۳۰ الف)

۱- در اصل : شصت

اخـراجـات

زکوة

مؤنت زراعت و کرایه منازل مهمانان و غیره
و حق السعی ارباب مناصب و چینه طیور و
حق الشرب و سوخت حمام و سایر مصارف:
بیست و سه تومان و شش هزار و هشتصد
دینار و کسری.

و خمس و تصدق و روضائی مسجد
و حق التولیة مزار خاقانی صاحبقرانی
و نواب طویبی آشیان:
پنجهزار و یکصد و چهل تومان و
چهار هزار و سیصد [دینار] و کسری.

عـوض

وجوه عشور بنادر رسد فرنگان
و انگلیس و پرتگال:

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب .

تذکر

برخی نظرات جدید که در مطالعه مجدد کتاب بدست
آمده است ذیلاً نگاشته میشود

ص ۳۸ س ۲۲ ظ : حضور و خدمت ... نسخجات سپهسالاران بجای ، حضور خدمت ... نسخجات و ...	ص ۷ س ۲۲ ظاهرأ: امراء ارکان بجای، امراء وارکان
ص ۴۵ س ۱۵ ظ : خسانات خالصه، بجای خانان و خالصه.	ص ۸ س ۶ ظ : بجای کلمه مشار الیه چینه دیگری بوده و مینورسکی در ترجمه وزیر اعظم نوشته است
ص ۵۲ س ۱۹ و ۲۱ و ص ۵۴ س ۱۷ و ۱۶ و ص ۵۶ س ۱۹ و ص ۵۷ س ۱۶ و ص ۵۸ س ۷ و ۴	ص ۸ س ۱۵ معنی نیمه دوم سطر روشن نیست.
ص ۱۷ و ص ۶۰ س ۱۷ و ص ۶۱ س ۱۳ و ۱۵ و ص ۷۱ س ۷ و ۱۴ بعد از کلمه هزار و در ص ۵۷ س ۱۱ بعد از کلمه ششصد و در ص ۶۳ س ۲۱ بعد از کلمه نهصد ، ظاهرأ کلمه «دینار» افتاده است .	ص ۱۲ س ۱۲ ظ : دیوان بیکیان بجای دیوان بیکان.
ص ۵۵ س ۲۰ ظ : کبوتر پرانان ، بجای کبوتر بران .	ص ۲۲ س ۱۸ ظ : بگدا از ند بجای بگدا رند .
ص ۶۴ س ۱۷ و ۱۸ ظ : کلیددار .	ص ۲۲ س ۴ ظ : میگدا از اند بجای میگدر اند .
ص ۶۴ س ۲۰ مشرف بقلم ؟؟	ص ۲۳ س ۱۸ ظ : نقده نقره ، بجای نقد و نقره .
ص ۶۵ س ۱۸ - ظاهرأ بعد از کلمه زمان چیزی افتاده است .	ص ۲۴ س ۱۸ مینو رسد ، بجای مینو پسند .
ص ۹۳ س ۴ ظاهرأ بعد از چهار هزار کلمه دینار افتاده است .	ص ۲۶ س ۸ آنچه از ارقام ، بجای آنچه ارقام .
ص ۹۴ س ۱۶ ظاهرأ بعد از کلمه پنجهزار دوم کلمه دینار افتاده است .	ص ۳۱ س ۵ تکیه نمود و درس ۳۲ س ۱۲ و ۱۳ «تکیه و نمود» .
	در هر مورد بدیگری مراجعه شود.
	ص ۳۶ س ۲۰ وصل ارقام ؟؟
ص ۳۸ س ۲۲ ظ : حضور و خدمت ... نسخجات سپهسالاران بجای ، حضور خدمت ... نسخجات و ...	ص ۷ س ۲۲ ظاهرأ: امراء ارکان بجای، امراء وارکان
ص ۴۵ س ۱۵ ظ : خسانات خالصه، بجای خانان و خالصه.	ص ۸ س ۶ ظ : بجای کلمه مشار الیه چینه دیگری بوده و مینورسکی در ترجمه وزیر اعظم نوشته است
ص ۵۲ س ۱۹ و ۲۱ و ص ۵۴ س ۱۷ و ۱۶ و ص ۵۶ س ۱۹ و ص ۵۷ س ۱۶ و ص ۵۸ س ۷ و ۴	ص ۸ س ۱۵ معنی نیمه دوم سطر روشن نیست.
ص ۱۷ و ص ۶۰ س ۱۷ و ص ۶۱ س ۱۳ و ۱۵ و ص ۷۱ س ۷ و ۱۴ بعد از کلمه هزار و در ص ۵۷ س ۱۱ بعد از کلمه ششصد و در ص ۶۳ س ۲۱ بعد از کلمه نهصد ، ظاهرأ کلمه «دینار» افتاده است .	ص ۱۲ س ۱۲ ظ : دیوان بیکیان بجای دیوان بیکان.
ص ۵۵ س ۲۰ ظ : کبوتر پرانان ، بجای کبوتر بران .	ص ۲۲ س ۱۸ ظ : بگدا از ند بجای بگدا رند .
ص ۶۴ س ۱۷ و ۱۸ ظ : کلیددار .	ص ۲۲ س ۴ ظ : میگدا از اند بجای میگدر اند .
ص ۶۴ س ۲۰ مشرف بقلم ؟؟	ص ۲۳ س ۱۸ ظ : نقده نقره ، بجای نقد و نقره .
ص ۶۵ س ۱۸ - ظاهرأ بعد از کلمه زمان چیزی افتاده است .	ص ۲۴ س ۱۸ مینو رسد ، بجای مینو پسند .
ص ۹۳ س ۴ ظاهرأ بعد از چهار هزار کلمه دینار افتاده است .	ص ۲۶ س ۸ آنچه از ارقام ، بجای آنچه ارقام .
ص ۹۴ س ۱۶ ظاهرأ بعد از کلمه پنجهزار دوم کلمه دینار افتاده است .	ص ۳۱ س ۵ تکیه نمود و درس ۳۲ س ۱۲ و ۱۳ «تکیه و نمود» .
	در هر مورد بدیگری مراجعه شود.
	ص ۳۶ س ۲۰ وصل ارقام ؟؟

(فهرست نامهای گسار و جایها)

آ

آذربایجان - ۷۲، ۶۱، ۵، ۳
۹۱، ۹۰

آزادوار - ۸۱

آستارا - ۷۲

آغداش - ۷۸

آقاجمال - ۱

آقا کمال - ۲۹

ا

ابدالوا - ۷۴

ابراهیم آقا - ۱۹

ابرقو - ۲

ابرقوه - ۵۳

ایبورد - ۸۱

اتوزایکی (جماعت) - ۵۸

احساباد - ۷۷

اردبیل - ۵۸

اردستان - ۲

ارس - ۷۸

ارسبار - ۷۷

ارومی - ۵۸

استراباد - ۸۲، ۵، ۲

اسفرائین - ۸۱

اسمعیل آقا - ۱۹

اصفهان - ۲۳، ۱۶، ۱۰، ۵، ۳، ۱

۴۴، ۳۵، ۳۰، ۲۹، ۲۴

۵۵، ۵۱، ۵۰، ۴۸، ۴۷، ۴۵

۷۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸

الباوت - ۷۸

(الکاء انهار از مزارع معانات) - ۵۷

اله دادبیک - ۲۵

الیاس آقا - ۱۹

انکوب (انگور؟ انگوران؟) - ۵۸

انگلیس - ۹۶

اوجرود - ۷۴

اورمان - ۵۸

ایران - ۸۷، ۷۲، ۲۶، ۱۵، ۵، ۴، ۲

ایروان - ۵۸، ۲۹

ایل آذربا - ۷۳

ایل افشار - ۷۲

ایل بایزیدلو - ۷۷

ایل بختیاری - ۵

ایل دنبلی - ۷۴

ایل شقاقی - ۷۴

ایل کری - ۸۲

ایل کلهر - ۹۲

ایل مقدم - ۷۲

ب

باب الابواب دربند - ۷۸

باد غیس - ۸۲، ۷۹

باد کوبه - ۷۸

بالامرغاب - ۷۹

بانہ - ۸۵

بحرین - ۹۵، ۸۶

بختیاری - ۸۵، ۵

بردع - ۷۷

برکشاط - ۷۷

برورود - ۲ (بروجرد؟)

بزاوندق - ۸۲

بسطام آقا (؟) - ۵۸

بلوک روی صحر - ۸۳

پ

پازوکی - ۹۴

پرتکال - ۹۶

پنیک - ۷۷

پنجده - ۷۹

ت

تبریز - ۷۲، ۵۸

تربت - ۸۱

ترشیز - ۸۰

ترکور - ۷۸

تفلیس - ۵

تنکابن - ۸۳

تون - ۸۰

تیموری - ۸۲

ج

جام - ۷۹

جرفادقان - ۲

جلابر - ۸۳

جوانرود - ۸۵

جوانشیر - ۷۷، ۵۸

چ

چابلق - ۲

چغور سعد - ۷۵، ۵

چمشگزک - ۷۸

چهار باغ - ۲

ح

حاجیلر - ۸۳، ۲

حاجی مهدیخان - ۲۹

حاوه (آوه؟) - ۸۴

حسن بیک - ۶۵

حورس - ۷۳

حوروز - ۸۱ (فیروزه؟)

خ

خراسان - ۷۹، ۶۱، ۳

۸۸، ۸۱

خوار - ۸۴

خواف - ۷۹

خوانسار - ۲

خور خوره - ۸۵

خوی - ۵۸

د

دارالمرز - ۹۰، ۸۳، ۵۵

درب قیصریه - ۴۸

دربند - ۷۸

درون - ۸۱

دشتستان - ۸۶

دلیجان - ۲

دنبلی اکراد - ۷۶

دورق - ۸۶

ر

رار - ۲

رانکو - ۸۳

رستم خان جنگیزی - ۹۵

رودمی - ۸۰ (دورمی؟)

ری - ۸۵، ۵۴

ز

زاروز بیل - ۷۶

زاینده رود - ۵۰

زاین کمر - ۸۴

زکم - ۷۷

زمین داور - ۸۲

زنجان - ۷۵

زنوز - ۷۴، ۵۸

زیدایات - ۸۶

س

سالیان - ۷۸

ساوه - ۸۴، ۲

سبزوار - ۸۱

سراب - ۷۴، ۵۸

سرخس - ۸۰

سروستان - ۸۶

سلطان حسین صفوی - ۲۳ ح

سلطان لك سلماسی - ۷۵

سلطانیه - ۷۵

سماوی - ۷۸

سمنان - ۸۴

سنندج - ۵

سیستان - ۸۲

سیمیرم - ۸۶

ش

شادیلو - ۷۶

شاه حسین - ۵۸

شاه سلطان حسین - ۱۹، ۵، ۱

شاه سلیمان - ۱۹

شاه قلی خان - ۲۹

شاه محمود - ۲۴، ۲۳

شاهی سون اینالوا - ۷۵

شفت - ۵۳

شکی - ۷۸

شیخ جعفر قاضی - ۳

شیخ صفی الدین اسحق - ۱۸

شیروان - ۹۱، ۷۸، ۵۵، ۵

ص

صدرك - ۷۶

صفویه - ۱۸، ۴، ۱

ط

طاب طاب - ۷۳

طقانمین - ۸۴

ع

عباس آباد - ۵۸

عباسی (بندر) - ۸۶

عراق - ۸۸، ۸۷، ۶۱، ۳

۸۹

عربستان - ۸۶، ۴

علی خواجه - ۸۲

علی شکر - ۵

غ

غور - ۸۰

غوریان - ۸۲

ف

فارس - ۸۵، ۶۱، ۵۸، ۳

۹۴، ۹۰، ۸۹

فراه - ۷۹

فراهان - ۲

فریدن - ۲

ق

قبة - ۷۸

قپانات - ۵۸

قپانیات - ۷۳

قرا آغاج - ۷۷

قرا آغاج طالش - ۷۵

قرا باغ - ۷۶، ۵

قراچه داغ - ۷۳

قزلباش - ۱۹

قزوین - ۵۸، ۲۳، ۵

قلعه بایزید - ۷۶

قلعه پشك - ۷۵

قلعه قارنیاق - ۷۴

قلهپان - ۷۸

قم - ۲۵، ۲

قندهار - ۸۲، ۵

قومشه - ۲

ك

كاخت - ۷۶، ۵

ملا محمد حسین - ۲
میرزا ابوالحسن ضابطه نویس -

۴۲

میرزا ابوطالب - ۵۳
میرزا رحیم حکیم باشی - ۲۰
میر عارف بلوچ - ۸۲
میر محمد باقر - ۱
مینورسکی - ۸۵ ح

ن

نائین - ۲
نخجوان - ۷۵
نسا - ۸۱
نطنز - ۲
نیشابور - ۸۰

و

ورکپان - ۷۳

ه

هرات - ۷۹، ۵
هرسین - ۸۴
هشتاد جفت - ۸۴
هشترود - ۷۳
همدان - ۵۸

ی

یزد - ۲
یسا کو (نساء) - ۸۱
یموت - ۸۳

ل

لاهیجان - ۷۴
لرستان قلی - ۸۵، ۴
لوزی - ۷۷
لوکه - ۸۲

م

ماروجاق - ۷۹
مازندران - ۵۸، ۲
ماکو - ۷۶
محلات - ۲
محمد - ۱
محمد صالح - ۹۵
محمد علی بیگ معیر الممالک - ۲۳
محمد مؤمن خان - ۲۹
محمود آقا - ۱۹
مدک - ۷۴
مراغه - ۷۲
مرند - ۵۸
مرو - ۸۲
مرو شاهی جهان - ۵
مریم بیگم - ۹۲
مزدج - ۲
مشکین - ۷۴
مشهد مقدس - ۸۰، ۵۸، ۵
معاربرد - ۷۶
مغانات - ۵۷
مقانات - ۵۸
مکه - ۵۵

کارتیل - ۵

کازرون - ۵۳
کاشان - ۳۰، ۲
کاورد - ۷۳ (گاورود؟)
کبود جامه - ۲
کرای - ۸۳
کرایلی - ۲
کرج - ۸۰
کردستان - ۸۵، ۵
کرمان - ۸۸، ۸۳، ۵۸، ۵
کسکر - ۸۳
کلهر - ۹۲
کمره - ۲
کوشک - ۸۲
کوکلان - ۸۳
کوگیلو - ۸۵
کوه گیلویه - ۵
کهدم - ۸۳
کیار - ۲

گ

گرجستان - ۵
گرجستانات - ۵
گرجستان کارتیل - ۵
گرمود - ۷۳، ۵۸
گروس - ۸۴
گلپایگان - ۵۳
گنجه - ۵۸، ۵
گیلانات - ۶۰

لغات و اصطلاحات و برخی ترکیبات من ذکرة الملوك

ا

احداث اریه - ۱۲، ۲
احداس - ۴۸
احضار - ۴۸، ۴۱
احکام - ۵۷، ۴۱ تا ۳۹، ۳۶، ۲۶
۵۸
احکام اجازات - ۴۱
احکام امراء - ۲۵
احکام براتی - ۳۷
احکام تنخواه - ۳۶، ۲۴، ۱۷
احکام تنخواه براتی - ۱۸، ۱۴
احکام تنخواه مواجب - ۴۳
احکام تیول - ۱۷، ۱۴، ۹، ۸، ۷
احکام تیولات - ۴۲، ۴۰، ۳۸، ۳۷، ۳۶
احکام تیولات - ۴۱، ۲۴، ۱۸
احکام سیورعالالت - ۴۱، ۲۴، ۱۷
۴۳

اخراج - ۳۷ تا ۵۱، ۴۰
اخراجات - ۳۴، ۲۸، ۱۲، ۱۱
۹۶، ۵۲، ۳۵
اخراجات ابریشمی مسلمی - ۹۵
اخراجات اضافه - ۳۱
اخراجات خاصه - ۱۰
اخراجات مالیات - ۲۸، ۱۱
اخراجات شترخان - ۱۱
اخراجات ششماه - ۱۰
اخراجات طوایل - ۱۱
اخراجات مقرری - ۳۱
اخراجین - ۳۷ تا ۴۰
ادعای نقصان - ۶
ارامنه جولاهی - ۵۵
اریاب - ۷۶، ۵۰

اریاب التجاویل - ۴۲، ۱۷ (مستوفی)
۳۶، ۳۵، ۳۴، ۲۸، ۱۷، ۱۱ تا
۷۱، ۶۸ - (سرکار) - ۱۷، ۱۵
۸۸، ۴۲ تا ۹۱ (سرورشته) - ۳۵
اریاب حوالات دیوان - ۴۵
اریاب حوالات دیوانی - ۲۶
اریاب حوالات سرکار خاصه - ۲۴
اریاب خیرت و بصیرت - ۳۰
اریاب رجوع - ۱۲
اریاب قلم - ۴۲، ۱۷، ۱۶، ۱۳
اریاب متناصب - ۲۵، ۹، ۷، ۵، ۱
۹۶، ۵۲، ۵۱، ۴۲، ۴۱، ۳۶
اردوی معلی - ۲۵، ۱۳
ارقام - ۳۶، ۲۶، ۱۵، ۱۶، ۱۵، ۱۶
۵۸ تا ۴۸
ارقام اجازات - ۴۱، ۲۷، ۲۶
ارقام استیفاها - ۲۵
ارقام امراء - ۴۳، ۲۵
ارقام ابالت و حکومت - ۲۶
ارقام بیاضی - ۲۶

ا

اتباع - ۵۶، ۴۹، ۳۱، ۳۰، ۱۰
۷۲ تا ۶۶، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۵۷
ابو جمع - ۳۳، ۳۲، ۲۹، ۱۳
۵۱، ۴۳
انوکش - ۳۰
اجازات - ۱۵۶، ۵۲، ۴۱، ۲۷، ۲۶
۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۵۷
اجاره - ۲۴
اجاره دیوالتی - ۲۴
اجرا (قرچی) - ۱۲
اجناس - ۳۳، ۳۱، ۲۹، ۱۱، ۱۰
۶۴، ۶۲، ۵۶، ۵۴، ۴۹، ۳۵
اجناس براتی - ۶۳، ۶۲، ۵۶
اجناس خوراکی - ۹
اجناس دیوان - ۱۲
اجناس شمرنا فضانه - ۶۲
اجناس قورخانه - ۲۹
اجناس همه سالجات - ۱۰
اجنبی - ۲۷

احکام شرعیه - ۱۲
احکام طلب - ۳۸، ۲۴
احکام طلب و تنخواه - ۴۱
احکام لشکر نویسان - ۲۵
احکام مستوفیان - ۴۳، ۲۵
احکام معافی - ۴۳
احکام معافیات - ۴۱، ۱۷
احکام ملازمت - ۱۷، ۱۴، ۹، ۸، ۷
۴۸ تا ۴۰
احکام متناصب - ۴۲، ۴۱، ۳۶
احکام مواجب - ۴۰، ۳۹، ۳۷، ۸، ۷
احکام مواجب براتی - ۴۰، ۸
احکام وزراء - ۴۳، ۲۵
احکام وظائف - ۴۱، ۱۷
احکام همه سالجات - ۲۴، ۱۸، ۱۷
۴۱، ۳۶
احکام همه ساله - ۱۴، ۹، ۸، ۱۷
۴۰، ۳۸، ۳۷، ۳۶
اختیار سفر - ۲۰

بالساوات - ۶۹،۶۸	بالا تشخيص مبلغ - ۷۱،۵۵	بای بوس قره و دن - ۹
بالشافیه - ۶	بالاقیه - ۵۴	بای بوس مناصب - ۹
بالمناصه - ۶۸	بالمبلغ - ۸۵،۸۴،۸۲،۵۳	بای حساب آوردن - ۳۶
بالدعای - ۴۸،۹۲،۱۰	بلوک - ۸۳	بر تهایمی چوبی - ۳۱
بالدور - ۱۸،۱۵،۱۳،۱۱،۸،۷	بلوکات خاصه - ۵۵	بروانجات - ۴۴،۲۶،۲۴
۳۵،۱۳،۳۱،۳۰،۲۶ تا ۲۳،۵۰	بلوک بشاران - ۱۵	بروانجات امراء - ۴۳
۷۲،۷۰،۶۱،۶۰،۵۸، ۴۳	بمعرض عرض رسانیدن - ۷ تا ۹	بروانجات قبول - ۴۳
بدل اجاره - ۵۹	۷۲،۱۴	بروانجات حسابی - ۴۴
بدر - ۴۶،۴۵	بندگان - ۶	بروانجات مناصب - ۴۲
بر (جوه) - ۲	بندگان اشرف - ۱۶	بروانجات وزراء - ۴۳
بر آوردن - ۱۵،۳۶،۲۸،۱۵،۱	بنقصان عمل کردن - ۶	بروانجات همه ساله - ۴۳
(لجه) - ۱۰	بند مهر - ۵۷	پس افتادن - ۳۵،۱۱
بر آوردی - ۵۸،۵۵،۵۴،۲۶ تا ۳۷	بنتجه - ۴۹،۴۷	پشتی مخصوص - ۳۲
برات - ۵۰	بوجه باقی - ۶۵	پنجشاهی - ۲۴،۲۳،۲۱
براتی - ۵۵،۸۴،۱۴،۷ تا ۳۹،۱۴،۷	بوم ذر (ذریفت) - ۳۰	پوشش - ۳۰
۵۹ (احکام) - ۳۷ (اجناس)	بپشت آتین - ۳۷،۳۵،۱۵،۹،۷	پیش خدمت - ۶۹،۶۶،۶۵
۶۳،۶۳،۵۶ (تنخواه) - ۱۴،۹	تا ۴۰	پیش داشتن - ۳۶
۳۷،۲۰،۱۸ تا ۵۹،۴۰ (مواجب)	بپله دوڑان - ۵۵	پیشکش - ۶۲،۵۶ تا ۵۴،۲۹،۹
۴۰،۳۷،۹،۸ (۰۰۰)	بیاض - ۱۲	تا ۷۱
برخی (برخی) - ۴۲	بیاضی (ارغام) - ۲۶	پیشکش نویس - ۶۲،۵۴
بروات - ۴۷،۴۵	بیرون (خزانه) - ۱۹	پیشکش نویس سرکار خاصه - ۹
زبانی - ۳۵،۱۵	بیضا (ملک) - ۳	پیشکش های نوروزی - ۹
بساط بوسی - ۲۱	بیطاران - ۱۴	پیشکشی - ۱۴
بسرخی - ۲۴	بیکار بیکری - ۷۹،۷۶،۷۵،۷۲،۴	پیشماران - ۲
بصیقه انعام - ۵۵	۸۵،۸۴،۸۲،۸۰	پیه سوژ - ۴۱
بصیقه امیرشکار باشی دارالبر - ۵۵	بیکار بیکریان - ۱۷،۱۳،۱۲ تا ۷۲،۴،۱۲،۲۰	پیه کداخته - ۳۱
بصیقه تحصیل قوشچیان - ۱۳	بیکار بیکری تشک - ۴	تابع - ۳۱،۲۷،۱۹،۱۴
بصیقه تحویل خود - ۴۶	بیلدار (مرد) - ۵۱	تایین - ۲۹،۲۷،۱۹،۱۳،۱۰ تا ۲۹
بصیقه حق القرار - ۵۲	بیوتات - ۳۲،۲۸،۲۰،۱۳ تا ۹۱،۵	۸۴،۳۱
بصیقه دولک - ۲۶	۵۶،۵۵،۵۱،۴۹،۴۵،۳۵،۳۴	تایین باشی - ۲۹
بصیقه کاغذها - ۱۶	۵۶،۶۶،۶۱،۵۵،۵۱،۴۹،۴۵،۳۵،۳۴	تایین - ۴۸،۴۷،۴۵،۳۲
بصیقه مدد مباحث - ۵۳	بیوتات مورد - ۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۶،۲۷،۲۸،۲۹،۳۰،۳۱،۳۲،۳۳،۳۴،۳۵،۳۶،۳۷،۳۸،۳۹،۴۰،۴۱،۴۲،۴۳،۴۴،۴۵،۴۶،۴۷،۴۸،۴۹،۵۰،۵۱،۵۲،۵۳،۵۴،۵۵،۵۶،۵۷،۵۸،۵۹،۶۰،۶۱،۶۲،۶۳،۶۴،۶۵،۶۶،۶۷،۶۸،۶۹،۷۰،۷۱،۷۲،۷۳،۷۴،۷۵،۷۶،۷۷،۷۸،۷۹،۸۰،۸۱،۸۲،۸۳،۸۴،۸۵،۸۶،۸۷،۸۸،۸۹،۹۰،۹۱،۹۲،۹۳،۹۴،۹۵،۹۶،۹۷،۹۸،۹۹،۱۰۰	تاج و هاج - ۳۰
بطرا و مهور رسیدن - ۱۴،۹ تا ۷	۴۲	تاجیز - ۱۷،۱۵ تا ۱۳،۱۱،۹،۸،۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱
بقاع الخیر - ۲	پ - ۱۷،۱۳،۱۲ تا ۷۲،۴،۱۲،۲۰	۲۹،۲۷،۱۹،۱۳،۱۰ تا ۲۹
بقایا (نویسنده) - ۶۲	بابند - ۳۳	۵۰،۴۰،۳۸
	بابوسی - ۹	تحریر - ۴۱،۳۷،۲۶،۱۷،۱۶ تا ۱۶
	بازوکی (غازیان) - ۹۴	تحصیلداران - ۷
	بای بوس - ۹	تجه - ۲۹

تعلیق - ۱۴،۱۲،۱۱،۹،۶،۵ تا ۵۰،۴۷،۲۸،۱۵
تعلیق امیرشکار باشی - ۱۳
تعلیق بیاض - ۱۲
تعلیق تخفیف - ۶
تعلیق جات - ۱۴
تعلیق خلفا - ۱۸
تعلیق ناظر - ۱۲
تعلیق وزراء اعظم - ۸،۷
تعلیق وزیر اعظم - ۶
تفاوت - ۲۳
تفاوت ورود سفر - ۴۰ تا ۳۷
نفت های کل - ۵۱
تفریح - ۳۶
تفصیل - ۷،۵،۳ تا ۱۳،۹ تا ۱۶
۱۸،۱۸،۲۸،۲۹،۳۱،۳۴ تا ۴۴
۴۶ تا ۵۲،۵۴،۵۵،۵۶،۷۲
تفنگچی - ۴۸ (مستوفی) - ۶۰
(وزیر) - ۶۰
تفنگچیان - ۹۴،۶۱،۳۹،۹
تفنگچیان جدیدی - ۴۰
تفنگچی آقاسی - ۵۳،۳۹،۹،۱۵
تفویض - ۱۹
تفویضی (موقوفات) - ۳۰،۲
تقبيلات - ۴۱
تقریب - ۲۱،۲
تکثیر - ۴۶ تا ۴۴،۶
تکلیف - ۳۲
تکلیف نمد (تکیه و نمد) - ۳۲،۳۱
تمام عیاری - ۲۲
تمرین - ۳۱
تقوا - ۳۲
تمیز - ۵۰،۴۸،۴۷،۱۴،۱۹
تنباکو - ۳۳
تنباکو فروشی - ۴۱
تنخواه - ۷،۴ تا ۱۳،۱۱،۹ تا ۱۶
۱۷،۲۴،۲۸ تا ۳۸،۳۶،۲۸ تا ۳۸،۳۶،۲۸
۴۱،۴۳،۵۲،۵۳،۵۴،۵۵،۵۶ تا ۶۰
تا ۶۲

تحويل - ۲۸،۹ تا ۴۵،۴۳،۳۵
۹۴،۶۸،۶۵،۶۳،۴۶
تحويلات - ۳۱،۱۰
تحويلدار - ۴۵،۳۳،۲۹،۲۲
۶۵،۵۴
تحويلداران - ۳۲،۱۲،۷
تحويلداران جزء و کل - ۶
تحويلداران سرکار خاصه - ۴۲
تحويلداران عمارات - ۴۲،۳۲
تحويلی - ۲۹
تخته کلاه - ۴۹
تخش کنی (دستگاه) - ۲۱
تسمیر - ۵۰،۴۷،۳۱
تسمیرات - ۴۹
تسمیر نامجات - ۱۰
تسمیر نامچه - ۱۰
تسويد - ۵
تشخیص - ۳۴،۲۸،۱۴،۹،۳
۴۵ تا ۵۰
تصدق - ۹۶ (وجه) - ۲۰
تصدقات - ۲
تصدقی (جوه) - ۲۰
تصدیق - ۱۳،۹،۷ تا ۱۷،۱۵
۲۰،۲۱،۲۲ تا ۲۹،۳۱،۳۴،۴۱،۴۲
۴۹،۵۰،۵۱،۵۲ تا ۵۶
تصدقات - ۳۶ تا ۴۰
تصدقات حضور و خدمت - ۳۶ تا ۴۰
تصدقات حضور و غیبت - ۳۷ تا ۴۰
تصدقات همه ساله - ۴۲
تصدیق خدمات - ۵۱
تصدیق خدمت - ۲۷ تا ۲۹
تصدیق دفتری - ۲۵
تصدیق ملازمت - ۲۵
تصدیق مواجب - ۲۸،۲۷
تعلیق جات - ۷
تعلیقچه - ۶

تنخواه براتی - ۲۰،۱۸،۱۴،۹ تا ۳۷
۵۹،۴۰
تنخواه مواجب - ۴۳،۲۴،۴
۶۰،۵۷
تنخواه و طلب - ۲۴
تنخواه همه ساله - ۶۰،۵۶،۵۳
تنخواه یکساله - ۶۰،۵۶،۵۳
تا ۶۲
تنقیح - ۵۰،۴۶،۴۵
تنقیه انهار - ۵۰
تنک - ۳۳،۳۲
توابع - ۵۳،۴۶
توابع امیرشکار باشی - ۱۳
توابع ایشیک آقاسی باشی حرم - ۲۷
توابع ایشیک آقاسی باشی دیوان - ۸
توابع بیکار بیکری احترا بادی - ۸۲
توابع بیکار بیکری تبریز - ۷۲
توابع بیکار بیکری چغور سعد - ۷۵
توابع بیکار بیکری شیروان - ۷۸
توابع بیکار بیکری عراق - ۸۴
توابع بیکار بیکری فارس - ۸۵
توابع بیکار بیکری قراباغ - ۷۶
توابع بیکار بیکری کوهیلوی - ۸۵
توابع بیکار بیکری مشهد - ۸۰
توابع بیکار بیکری هرات - ۷۹
توابع تفنگچی آقاسی - ۹
توابع توپچی باشی - ۱۴
توابع جباردار باشی - ۳۰
توابع حاکم قندهار - ۸۲
توابع حکیم باشی - ۲۰
توابع داروغه اصفهان - ۴۸
توابع صاحب جمع خزانة - ۲۹
توابع صاحب جمع قیجا جیخانه - ۳۰
توابع قابوچیان - ۲۸
توابع قوالر آقاسی - ۱۹
توابع منشی السالك - ۲۵
توابع ناظر - ۱۱
توابع واقعه نویسان - ۱۵
توابع وزیر اعظم - ۱۳
توابع وزیر بیوتات - ۳۴

توابعی یوزباشیان - ۱۹	جانماز - ۳۲	چراغچی - ۳۱
توامیر - ۳۹۳۵۳۰	جیاخانه - ۲۹	چرخ کسی (مستکاه) - ۲۱
توبره - ۳۳	جیادار باشی - ۲۹۱۹۱۱۲	چربک - ۴۱
توبچی - ۴۸ - (مستوفی) - ۶۰	جیادار باشیکری - ۱۹	چکمه - ۳۲
(وزیر) - ۶۰	جیر - ۶	چوبان بیک - ۴۲۴۱
توبچیان - ۹۳۰۶۱۰۴۰۱۴۱۳	جداول - ۵۰	چهارحوش - ۲۸
توبچی باشی - ۵۳۱۴۰۱۳	جدیدی - ۴۰۳۷	چهاردا انگ و نیم - ۲۴
توبخانه - ۶۳۰۴۰۳۹۰۱۴۱۳	جرائم - ۵۵	چهاربیک - ۵۱
توجیه - ۵۰۴۹۰۴۷	جزایری انداز - ۳۸	چهره - ۲۲
توحید خانه - ۱۸	جزغاله - ۳۲	چهره زر - ۲۲
توشقان نل - ۲۳	جل - ۵۶۳۳۳۲	چهره نویسی - ۴۱
توشمال باشی - ۵۷	جلو - ۵۵	چیت - ۳۱
توقیر - ۴۶۴۵۱۲۳۶	جلوداران - ۶۷۰۵۵	چینه طبور - ۹۶
توقیر - ۲۹	جلوداران خاصه - ۱۴	چینی (ظروف) - ۳۳
تومارسان - ۳۲	جلودار باشی - ۱۴	حاصل - ۵۱
تومان - ۷۵	جلوس - ۲۳	حاکم - ۹۵۰۸۶۱۷۲۰۵۰۴
تومان - ۲۹۰۲۷ تا ۲۴۰۲۰۰۱۲	جلوهای خاصه - ۱۴	حدیده قولان - ۲۱
۹۶ تا ۵۲۰۴۸	جماعت - ۲۰۱۴۰۱۳۹۰۸۰۷	حرم - ۹۲۰۵۴۰۴۱۰۲۷۰۱۹۰۱۸
نیول - ۱۳۰۹ تا ۱۵۰۱۷	۴۸ ۴۴۱۴۱۳۷۳۱۳۰۲۷	حساب دیوانی - ۶
۵۵۰۵۳۰۵۲۱۴۳ تا ۲۶۰۲۶	۹۴۰۵۸۰۵۵	حسابی - ۶ (دقت ۰۰) ۴۵ (دعوا ۰۰)
تا ۹۵۰۹۲۷۲۰۶ تا ۵۶۲۲	جمع - ۳۰۱۸۰۱۳ تا ۱۱۰۹۰۸۰۶	۱۳ (سخن ۰۰) ۵۱۰۴۷
نیولات - ۴۱۰۲۴۱۸۰۱۷	۳۵ تا ۴۷۰۴۵۰۴۲۰۴۰	حسابیه - ۶ (اسناد ۰۰) ۵۱۰۴۶
نیولناجات - ۲۵	۶ تا ۵۷۰۵۵	(جهات ۰۰) ۶
ثبت - ۳۶۰۱۸۰۱۵۰۱۳۰۶۰۵	جمع قدیم - ۶	حسب الارقام - ۱۷
تا ۴۴۰۴۲۰۴۰	جمع و خرج - ۵۰۱۴۷۳۶۰۱۱	حسب الامر الاعلی - ۱۵۱۲
ثبت احکام - ۴۱ تا ۳۷	۵۱	حساب الرقم - ۵۶۱۱۰
ثبت ارقام - ۴۱ تا ۳۸	جنس - ۶۴۰۶۰۰۲۸۰۱۹۰۱۱	حسب الرقم اشرف - ۲۲
ثبت ارقام نیول - ۳۷	۸۹ تا ۸۷۰۷۱۰۶۸۰۶۷	حسب الصلاح - ۴۸۰۱۶
ثبت دفاتر - ۲۵	جنسی - ۶۴۰۳۶۰۱۰	حسب الواقع - ۳۴
	جوارح - ۶۳	حسینی - ۳۲
	جوال - ۳۲	حشوطلب - ۴۳
جارجیم - ۳۲	جوال بخ کشی - ۳۲	حضور - ۲ تا ۷۰۵ تا ۱۴۰۹
جارجیان - ۴۰۳۹۰۹	جوداب - ۳۲	۴۱ تا ۳۴۰۳۲ تا ۳۰۰۲۷۰۲۱
جارجیان توبخانه - ۴۰۱۴۰۱۳	جوداب دوز - ۳۰	۵۱۰۴۷۰۴۶
جارجیان جزایری انداز - ۳۸	جولاهی (ارامنه) - ۵۵	حفاران - ۲
جارجیان دیوان - ۸	جیره - ۶۳۰۵۱	حفاظ - ۲
جارجی باشیکری - ۱۴	جیره خواران - ۳۳	حق - ۴۹۰۳
جارب کردن - ۳۲		حقابه - ۵۰
جام (آخوری) - ۳۲		حقانیت - ۶
جاقی - ۱۵۰۸۰۷۰۵		

حق التوایه - ۹۶۰۵۳	خالصه - ۴۶	خلافت - ۲۱
حق السعی - ۵۹۰۵۷۰۵۳۰۵۲	خانات - ۴۶۰۴۵	خلاف حساب - ۴۸۰۱۷
۹۶۰۶۲۰۶۱	خدمات - ۵۱۰۴۸۰۶	خلاف شرع - ۴۸
حق الشرب - ۹۶	خدمات دفتری - ۱۶	خلافت مکین - ۲۱
حق القرار - ۵۲	خدمات دیوانی - ۴۷۰۴۵	خلعت - ۱۶۳۰۶۲۰۴۷۰۳۰۰۱۱
حق النظارة - ۵۳	خدمات - ۱۶ تا ۱۶۰۱۴۰۱۳۰۱۱	۶۶۰۶۵
حق و حساب - ۴۹۰۴۷۰۶	تا ۲۷۰۲۳۰۲۱ تا ۳۳۰۳۰	خلعت سبکین - ۳۰
حکاکان - ۲۱	۵۱۰۴۹۰۴۲	خلعتی - ۳۰
حکام - ۲۶۰۲۵۰۱۷۰۱۵۰۱۳۰۶۰۴۰۳	خدمات اسفار - ۳۹۰۳۸۰۳۶	خلوت - ۲۸
۹۲۰۷۲۰۴۴۰۴۳۰۴۱۰۳۰۰۲۹	خدمات اشرف - ۱۵۰۱۴۰۹ تا ۷	خلیفه - ۱۸
حکام شرع - ۳۰۲	خدمات اقدس - ۴۶۰۴۵۰۶	خلیفه الخلفاء - ۱۸
حکم - ۳۰۰۲۴۰۱۳۰۸۰۳	خدمات بندکن - ۶	خواجه حرم - ۱۹۰۱۸
حکم جهاننطاق - ۲۴	خدمات مجلس - ۲۷	خواجه سرا - ۲۹۰۱۹
حکم جهاننطاق شد - ۲۴	خدمات نواب اشرف - ۲۰۰۱۵	خواجه سرایان - ۲۹۰۱۹۰۱۸۰۱۴
حکم شرعی - ۳	۴۰	خواجه سرایان سیاه - ۱۹
حکومت - ۵۴۰۲۶۰۲۵۰۸۰۷	خدمات نواب همایون - ۳۳	خواجه سرای سفید - ۱۸
حکیم باشی - ۲۰	خدمات وزیراعظم - ۳۰	خواجه سرای سیاه - ۱۸
حلاج - ۳۰	خدمه - ۲	خواجه سفید - ۱۹
حوالات دیوانی - ۲۶	خرج - ۳۶ تا ۳۰۰۱۸۰۱۲۰۱۰	خواجه سیاه - ۱۹
حواله - ۵۰۰۴۷۰۴۵	۹۱۰۵۱۰۵۰۰۴۷ ۴۴۱۴۲	خواجه کردن - ۱۹
حوینخانه - ۷۰۰۶۸۰۶۳۰۳۱	خرجی (نان) - ۶۳	خواجه های سیاه - ۱۹
خ	خرکارباغات - ۵۱	خوانین - ۴۱۰۱۷۰۷۰۴
خادمان - ۳۳ تا ۳۱۰۱۴۰۱۲	خزانه - ۳۴۰۳۰ تا ۲۸۰۱۹۰۱۱	خوراکی - ۶۳۰۱۱ (اجناس ۰۰) ۹
خادم باشی - ۱۸	۷۲	خیاط - ۳۰
خارج المال - ۶۱	خزانه اندرون - ۱۹	خیاطان - ۵۹
خاصگی - ۳۰	خزانه باهره - ۱۰	خیاط باشی - ۳۰
خاصه (نان) - ۶۳	خزانه بیرون - ۱۹	خیاطخانه - ۶۶
خاصه - ۶۴۰۴۲۰۳۳ تا ۳۱۰۲۹	خزانه دار - ۱۹	خیام - ۳۱
(اخراجات ۰۰) ۱۰ (جلو ۰۰) ۱۴۰	خزانه عامره - ۲۹۰۲۸۰۲۴۰۵	خیمه دوز - ۳۱
(جلوداران ۰۰) ۱۴ (سرکار ۰۰) -	۷۲۰۶۴۰۶۲۰۳۴	
رجوع به سرکار خاصه شود (دفتر ۰۰)	خطه - ۲۱	
۶۱۰۴۷۰۴۶۰۱۷ - ۵۱۰۴۷۰۴۶ (ملوکات ۰۰)	خط گذاردن (گذاشتن) - ۳۴۰۱۱۰	
۵۵ (بشتی مخصوص ۰۰) ۳۲ (رخوت	۴۴۰۴۰ تا ۳۷۰۳۶	
حمام ۰۰) ۳۲ (طعام ۰۰) ۱۲ (غلامان ۰۰)	خط و شد کشیدن - ۳۶	
۱۹ (قیچا جیخانه ۰۰) ۶۳۰۳۰۰۲۹	خط و سر - ۴۲۰۴۰ تا ۳۷۰۳۵	
۶۶ (لباس ۰۰) ۳۲ (محال ۰۰) ۴۵	خط و مهر گذاشتن - ۳۵	
۶۰ (مستوفی ۰۰) ۴۵۰۱۷ تا ۴۷	خلاص - ۲۲۰۲۱	
(موقوفات ۰۰) ۴۴	خلاص (طلا) - ۲۲	
خاصه شریفه - ۱۴۰۱۱ تا ۹۰۷۰۶	خلاع - ۱۱	
۴۵۰۳۵۰۳۴۰۲۹۰۲۴۰۲۲۰۲۰		
۶۸۰۶۵۰۴۶ (مستوفی ۰۰) ۵۹		

د

داد و ستد - ۳۲۰۱۷۰۱۳۰۵۰۲
 ۴۷۰۴۵۰۴۴۰۴۲۰۴۱۰۳۴
 داد و ستد دفتری - ۱۷
 داد و ستدی - ۵۰۰۱۸
 دارالانشاء - ۱۵
 دارالسلطنه - ۱۴۰۴۱۲۹۰۵۰۳۰۱
 ۵۸۰۵۱۰۵۰۱۴۷
 دارالقرار - ۸۲
 داروغگان - ۴۹

داروغگی - ۵۵	دوئل قاهره - ۷۰۶	دولت قاهره - ۷۰۶
داروغه - ۴۹۱۴۸۰۳۶	دولچه - ۳۲	دولچه - ۳۲
داروغه اصفهان - ۵۸۱۴۸	ده نیم - ۶۵۰۵۴۰۶۲۰۶۳	ده نیم - ۶۵۰۵۴۰۶۲۰۶۳
داروغه دفتر - ۱۷	۶۸	۶۸
داروغه دفترخانه - ۵۸۱۴۴۳۶	ده نیم ایشیاع - ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶	ده نیم ایشیاع - ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶
داروغه فراشخانه - ۵۹	تا ۷۱	تا ۷۱
داعانه شتر - ۵۴	ده نیم پیشکش - ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶	ده نیم پیشکش - ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶
دالیر - ۳۱	تا ۷۰	تا ۷۰
دالک - ۲۲ تا ۵۶۱۵۲۱۲	ده نیم دوشلک - ۵۲	ده نیم دوشلک - ۵۲
۸۶۱۷۲	ده نیم رسوم ایشیاع - ۶۲	ده نیم رسوم ایشیاع - ۶۲
دخل - ۴۸۹۹	ده نیم رسومات - ۱۰	ده نیم رسومات - ۱۰
دخل کردن - ۱	ده نیم مصالح نقاشی - ۷۱	ده نیم مصالح نقاشی - ۷۱
دیار بادشاهی - ۲۷	ده نیم مواجب - ۶۸۰۶۷۰۶۴	ده نیم مواجب - ۶۸۰۶۷۰۶۴
در بار کیتی مدار - ۲۵	ده یک - ۶۵۰۵۴۰۶۲۰۶۳ تا ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶	ده یک - ۶۵۰۵۴۰۶۲۰۶۳ تا ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶
در خانه - ۱۸	تا ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶	تا ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶
در دوانخانه - ۴۴۰۶۴۰۶۳	ده یک اعلا - ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶	ده یک اعلا - ۶۶۰۶۴۰۶۳۰۵۶
درگاه - ۴۱۰۲۹	۷۰۶۹	۷۰۶۹
درگاه بادشاهان - ۲۹	ده یک خلعت - ۶۲	ده یک خلعت - ۶۲
درگاه جهان پناه شاهی - ۵	ده یک دوشلک خلعت - ۶۶	ده یک دوشلک خلعت - ۶۶
درگاه معلی - ۵۱۰۴۱۱۲۰۵۱	ده یک رسوم بارووط سازی - ۶۳	ده یک رسوم بارووط سازی - ۶۳
۵۴۰۵۲	دیدنی حواهر اصفهان - ۷۱	دیدنی حواهر اصفهان - ۷۱
درویشان - ۵۰۱۸	دینار - ۲۷ تا ۲۵۰۲۳۰۲۲۰۲۰	دینار - ۲۷ تا ۲۵۰۲۳۰۲۲۰۲۰
دست - ۸۸۰۸۷	۵۵۰۵۳۰۵۲۰۳۵	۵۵۰۵۳۰۵۲۰۳۵
دستچه - ۵۹	دیوان - ۱۰ تا ۱۷۰۱۳	دیوان - ۱۰ تا ۱۷۰۱۳
دستچه کله - ۲۴	تا ۳۳۰۳۱۰۲۹۰۲۸۰۲ تا ۳۳۰۳۱۰۲۹۰۲۸۰۲	تا ۳۳۰۳۱۰۲۹۰۲۸۰۲ تا ۳۳۰۳۱۰۲۹۰۲۸۰۲
دستگاه - ۲۹۰۲۴۰۲۲۰۲۱۰۱۹	۹۲۰۶۱۰۵۴۰۴۶۰۴۵۰۴۳	۹۲۰۶۱۰۵۴۰۴۶۰۴۵۰۴۳
دستور - ۴۴۰۴۳۰۰۲۳۰۱۲۰۳	دیوان احداث اربعه - ۲	دیوان احداث اربعه - ۲
۴۷ تا ۶۵۰۵۶۰۵۰	دیوان اعلا - ۱۷ تا ۱۴۰۹۰۸۰۶۵	دیوان اعلا - ۱۷ تا ۱۴۰۹۰۸۰۶۵
دستور العمل - ۴۲۰۱	تا ۴۳۰۳۱۰۲۹۰۲۸۰۲	تا ۴۳۰۳۱۰۲۹۰۲۸۰۲
دستور رسومات - ۴۲	۵۲۰۵۱۰۴۷ تا ۵۲۰۵۱۰۴۷	۵۲۰۵۱۰۴۷ تا ۵۲۰۵۱۰۴۷
دعای - ۱۳	دیوان بیکی - ۲ تا ۲۴۰۱۳۰۱۲۰۵	دیوان بیکی - ۲ تا ۲۴۰۱۳۰۱۲۰۵
دعای شرعی - ۳	۵۵۰۴۹۰۴۸۰۳۳	۵۵۰۴۹۰۴۸۰۳۳
دهوا - ۵۰۴۸۱۳۶۰۱۳۰۳	دیوان بیکیان - ۱۲۳	دیوان بیکیان - ۱۲۳
دهوای حسابی و عرفی - ۱۳	دیوان حرم - ۴۰	دیوان حرم - ۴۰
دهوای شرعی - ۳	دیوان وزراء اعظم - ۶	دیوان وزراء اعظم - ۶
دفتر - ۶۶۰۴۳۰۲۵۰۱۹۰۱۶	دیوانی - ۴۵۰۴۳۰۱۳۶۰۲۹۰۲۱	دیوانی - ۴۵۰۴۳۰۱۳۶۰۲۹۰۲۱
دفتر توجیه دیوان اعلا - ۲۶	تا ۴۷۰۴۹۰۴۸۰۵۱ تا ۹۱۰۸۷۰۵۱	تا ۴۷۰۴۹۰۴۸۰۵۱ تا ۹۱۰۸۷۰۵۱
دفتر خلوت - ۱۵۰۶	۵۱ (حساب) - ۶ (خدمات) - ۱	۵۱ (حساب) - ۶ (خدمات) - ۱
دفتر - ۴۴۰۴۳۰۳۶۰۱۸۰۱۷۰۱۳	۴۷۰۴۵ - (سرکار) - ۹۱۰۸۷	۴۷۰۴۵ - (سرکار) - ۹۱۰۸۷
۵۱۰۵۰۴۷۰۴۶		

ریش سفیدمین باشیان و ... - ۹	رقم منصب - ۲۶	(مالیات) ۴۳۱۳۶۰۲۹۰۱۷۰۶۰۵
ریش سفید یساولان صحبت و ... - ۸	رقم نویسان - ۱۶۰۱۵	۴۵ - (محصلان) ۴۷ (متوجهات)
ریش سفید یوزباشیان و ... - ۱۳	رقم نویس اعلا - ۱۶	۴۹ - (صارف ضروریه) - ۴۶
ریش سفیدی - ۲	رکاب خانه - ۶۵۰۳۲۰۱۹	(مستغلات) ۴۱ (ملازمان) ۴۷
ریش سفیدی سادات و ... - ۲	رکابداران - ۶۵	(ملازم) ۲۱ (وجوه) - ۱۱
ربیع - ۴۴ تا ۴۶	رکن الدولة العلیة - ۷	(وجوهات) ۵۰۴۷
ربکایان - ۹۴۰۹	رکن السلطنة القاهرة - ۷	دیوانیان - ۴۸۰۳
ز	رکب خانه - ۱۹	ذات اقدس - ۴۹۰۴۸۰۲۰
زبون - ۳۴۰۱۲۰۱۱	رواج - ۲۴۰۲۳۰۲۱	ذکر چلی - ۱۸
زر - ۲۱ تا ۷۲۰۳۴۰۲۳	روپوش - ۲۲	ذوی الاحترام - ۴۱
زربفت - ۲۹۰۲۲	روپوش نقده - ۲۳	ر
زربفت دوم زر - ۳۰	روپوش تفره - ۲۲	راهداری - ۴۱
زرسفید - ۳۴	روزنامهجات - ۳۵۰۳۴۰۱۱	رب انار - ۳۱
زرکشان - ۲۲۰۲۱	روزنامهچه - ۳۳۰۳	رتبه - ۱۸۰۱۶۰۷۰۴۰۲
زرکوب - ۷۱	روشنائی طوایل - ۳۲	رجوع - ۴۳۰۲۱۰۱۳۰۳
زرکوان - ۴۲	روشنائی مسجد - ۹۶	رخصت - ۳۵۰۱۱
زرگران - ۲۲	روغن چراغ - ۳۲	رخوت حمام خاصه - ۳۲
زرگرخانه - ۷۱	ریاغ - ۵۱۰۴۶۰۴۵	رساله - ۱۵۰۶۵
زربفوش - ۳۳	ریش سفید - ۷ تا ۱۱۳۰۱۲۰۱۰	رصد - ۳۷۰۱۷۰۳۷ تا ۵۶۰۵۴۰۴۵
زربهای قلابی - ۳۴	۵۳۰۴۲۰۲۹۰۲۰۰۱۹۰۱۷	۹۶۰۶۶۰۶۵۰۵۷
زیادتی - ۵۰۴۲۰۱۸۰۱۲۰۴	ریش سفید آقاییان - ۸	رسم الاستیفاء - ۵۹
زین خانه - ۶۶	ریش سفیدان - ۴۱۰۳۱۰۱۰۶	رسم الحساب - ۶۱ تا ۵۹
زین داران - ۶۷	۴۹	رسم الوزارة - ۵۲
س	ریش سفیدان اصناف - ۴۷	رسوم - ۵۴۰۵۲۰۵۱۰۲۶۰۲۵ تا ۷۲
سادات - ۲۰۱	ریش سفیدان ایلات و اویماقات - ۴۴	رسومات - ۱۵۴۰۵۲۰۴۲۰۱۷۰۱۰
ساعت سعد - ۲۰	ریش سفیدان درویشان و ... - ۵۰	۶۱۰۶۰
سان - ۴۱ تا ۳۷۰۳۵۰۳۲۰۱۴۰۷	ریش سفید اطباء سرکار خاصه - ۲۰	رسومات دیوان - ۴۲
سان تفنگچیان - ۳۹۰۱۹	ریش سفید ایلات و اویماقات - ۷	رسوم پیشکش - ۶۲
سان توابع ایشیک آقاسی باشی - ۸	ریش سفید حرم - ۱۹	رسوم محلی - ۶۱۰۶۰۱۵۰۸
سان توابعیان - ۴۰۰۱۴	ریش سفید خواجه های حرم - ۱۸	رضانامچه - ۴۷
سان عمله - ۳۵	۱۹	رفع محصول - ۴۶۰۴۵
سان عمله بیوتات - ۱۱	ریش سفید سرکار حرمه دارباشی - ۲۹	رقم - ۶ تا ۱۳۰۹ تا ۲۶۰۱۸۰۱۵
سان غلامان - ۳۸۰۱۸	ریش سفید سرکار قورچو باشی - ۷	۴۳۰۳۹ تا ۳۷۰۳۵۰۳۲۰۳۰۲۸
سان قورچیان - ۳۷۰۷	ریش سفید سرکار نولر آقاسی - ۸	۵۱۰۵۰۴۷ تا ۵۱۰۵۰
سایر الوجوه - ۴۲	ریش سفید سی و سه کارخانه و بیوتات - ۱۲	رقم اشرف - ۱۴۰۹
سبکچی - ۲۱	۱۲	رقم خدمت و ملازمت - ۶۰
سبه سالار - ۲۰۱۵	ریش سفید صاحب جهمان - ۱۲	رقم کردن - ۱۱
سبه سالاران - ۴۱۰۳۹ تا ۳۶	ریش سفید عربان - ۴۳	رقم ملازمت و خدمت - ۶
سرانه هنود - ۴۱	ریش سفید غلامان - ۷	
سرایدان - ۳۲		

سرانجام کردن (مردن) - ۵۱۱۱۱	سرکار آقااسی - ۳۹۱۹	سطل - ۲۳	شریختان غانات - ۷۰	صاحب جمع ایثار - ۳۳	صاحب جمع ایثار - ۳۳
۶۵۱۶۳	سرکار توبیجی باشی - ۴۰۱۱۴	سقیه گری - ۲۲ (دستگاه) - ۲۲	شرط نامی - ۵۰	صاحب جمع ایثارخانه - ۷۰	صاحب جمع ایثارخانه - ۷۰
سرب و یاروط - ۲۹	سرکار جبار باشی - ۲۹	سقاخانه - ۷۱	شروع (حکام) - ۳۱۲	صاحب جمع حویجخانه - ۶۸	صاحب جمع حویجخانه - ۶۸
سرخه - ۷۲۱۴۱۴۱۴۱۴	سرکار جمع - ۴۰۱۳۹۱۳۷	سقایان - ۱۴	شرعاً - ۳	صاحب جمع خزان - ۲۸۱۹۱۱۰	صاحب جمع خزان - ۲۸۱۹۱۱۰
سرخه دات - ۵۱۱۴۳۱۴۱۵	سرکارخانه - ۱۵۰۱۳۱۶۱۱۱۹	سکه - ۲۳۱۴۱۴۱۴۱۴	شرعی (امور) - ۲ (وقف) - ۳	تا ۶۴۱۳۰	تا ۶۴۱۳۰
سرخه - ۴۱	سرکارخانه شریفه - ۱۰۱۹۱۹۱۹	سکه خلافت - ۲۱	(حکم) - ۳ (دعوا) - ۳ (طلاق) - ۳	صاحب جمع خیاطخانه - ۶۶	صاحب جمع خیاطخانه - ۶۶
سرخه نویسن - ۶۲۱۴۱۴۱۸	سرکارخانه شریفه - ۱۰۱۹۱۹۱۹	سکه زن - ۳۳	۳ (موقوفات) - ۳	صاحب جمع رکباخانه - ۶۵۱۳۲	صاحب جمع رکباخانه - ۶۵۱۳۲
سرخه نویسن دیوان اعلی - ۴۱۴۸	سرکارخانه شریفه - ۱۰۱۹۱۹۱۹	سکه کاری - ۳۳	شرعیه - (حکام) - ۱۲ (دعوی) - ۱۲	صاحب جمع زر گرخانه - ۷۱	صاحب جمع زر گرخانه - ۷۱
سرخه - ۲۵۱۲۴	سرکارخانه شریفه - ۱۰۱۹۱۹۱۹	سکه کن - ۲۲۱۴۱	۳ (مرافعه) - ۱۲۱۴ (مسائل) - ۱۰	صاحب جمع زین خانه - ۶۷	صاحب جمع زین خانه - ۶۷
سردار - ۲۰	سرکار خالص - ۱۷	سکه کتان - ۲۱	شرفاء مکه - ۵۵	صاحب جمع سقاخانه - ۷۱	صاحب جمع سقاخانه - ۷۱
سرداران - ۴۱۳۹۱۴۳۶	سرکار خراسان - ۸۸	سکه کنی - ۲۲ (دستگاه) - ۲۲	شرف بساط موسی - ۲۱	صاحب جمع شترخان - ۷۰۱۳۲	صاحب جمع شترخان - ۷۰۱۳۲
سردسته - ۴۸	سرکار دیوان - ۲۹۱۴۳۱۴۳	سلاخان - ۵۵	شرف صدور - ۱۸۱۶	صاحب جمع شریختان - ۶۹۱۳۳	صاحب جمع شریختان - ۶۹۱۳۳
سردشتجات - ۵۱	سرکار دیوانی - ۹۱۸۷	سلاطین (پادشاهان) - ۱۸۱۴۳۱۴۳	شرف نفاد - ۲۴ تا ۲۷	صاحب جمع شیرخانه - ۷۰	صاحب جمع شیرخانه - ۷۰
سردسته - ۲۶۱۴۳۱۴۳۱۴۳	سرکار دیوانی - ۹۱۸۷	تا ۲۵۱۴۳۱۴۳	شریعت - ۳	صاحب جمع عطارخانه - ۷۲	صاحب جمع عطارخانه - ۷۲
۳۵۱۴۳۱۴۳ تا ۴۳	سرکار سرخط - ۴۱	سلاطین - ۷۲۱۴۳۱۴۳۱۴۳	ششدانک - ۲۳	صاحب جمع غانات - ۶۸۱۳۱	صاحب جمع غانات - ۶۸۱۳۱
سردشته ارباب التجار - ۳۵	سرکار صاحب توجیه دیوان - ۴۲	سلطنت - ۲۴۱۴۳۱۴۳	شعر بافتخانه - ۶۴۱۶۳	صاحب جمع فراشخانه - ۶۶	صاحب جمع فراشخانه - ۶۶
سردشته دار ارقام - ۱۶	سرکار صاحب توجیه دیوان - ۴۲	سور - ۳۵۱۴۳۱۴۳	شهرین - ۲۳	صاحب جمع قهوه خانه - ۷۱۳۳۲	صاحب جمع قهوه خانه - ۷۱۳۳۲
سردشته دار ثبت ارقام - ۱۶	سرکار صاحب جمع اصطبل - ۳۳	سند - ۴۴۳۵۱۴۳ تا ۳۳۱۴۳	شغل - ۱ تا ۷۰۱۴۳ تا ۲۲۱۴۳	صاحب جمع قهوجیخانه - ۳۰	صاحب جمع قهوجیخانه - ۳۰
سردشته دشت - ۴۳	سرکار صاحب جمع شترخان - ۳۲	سند اشیاء - ۳۰۱۴۳	۲۴ تا ۴۴ تا ۵۱ تا ۵۴	صاحب جمع قهوجیخانه امرا - ۳۰	صاحب جمع قهوجیخانه امرا - ۳۰
سردشته دیوان - ۴۲	سرکار صاحب جمع قهوجیخانه - ۳۰	سواد - ۴	شغل تحریر - ۱۷	صاحب جمع قهوجیخانه خاصه - ۳۰	صاحب جمع قهوجیخانه خاصه - ۳۰
سردشته دیوان - ۱۹۱۴۳	سرکار ضابط - ۹۱ تا ۸۸	سوانج - ۱۱	شمش - ۲۱	صاحب جمع کلبهخانه - ۷۱	صاحب جمع کلبهخانه - ۷۱
سردشته دیوان توجیه دیوان - ۲۶	سرکار ضابطه نویسن - ۴۲	سوخت حمام - ۹۶	شمالی - ۳۱	صاحب جمع مسگرخانه - ۷۱	صاحب جمع مسگرخانه - ۷۱
سردشته آلاش - ۴۹۱۴۷	سرکار عراق - ۸۸	سوزنی - ۳۱	شهره دان - ۳۱	صاحب جمع مشعلخانه - ۷۱۳۳۲	صاحب جمع مشعلخانه - ۷۱۳۳۲
سردشته مهر دار - ۲۵	سرکار غلامان - ۳۹ تا ۳۷	سوق البواب - ۴۲	شیخ الاسلام - ۳	صاحب جمع مطبخ - ۷۱	صاحب جمع مطبخ - ۷۱
سردشته قری - ۴۱۳۳۸	سرکار فیض آثار - ۵۰۱۴۳ تا ۵۰۱۴۳	سیدات - ۴	شیخ الاصلان - ۲	صاحب جمع میوه خانه - ۶۹۱۳۱	صاحب جمع میوه خانه - ۶۹۱۳۱
سرکار - ۳۱ تا ۲۹۱۴۳ تا ۱۳۸۷	سرکار قورچی - ۴۸۱۳۳ تا ۳۶	سیاهه - ۳۴۱۹	شیره خانه - ۷۰	صاحب جمع نقاره خانه - ۳۲	صاحب جمع نقاره خانه - ۳۲
۳۸۱۳۷ تا ۹۰۱۵۱۴۳ تا ۴۰۱۳۸	سرکار قورچیان - ۳۷	سیاهه - ۱۵	صاحبان مناصب - ۲۶	صاحب جمع نقاشخانه - ۷۱	صاحب جمع نقاشخانه - ۷۱
سرکار آذربایجان - ۹۱	سرکار ممدان - ۹۱ تا ۸۷	سیم - ۲۱	صاحب اختیار - ۱۲۱۳۳ تا ۱۲۱۳۳	صاحب جمع قهوجیخانه - ۷۰	صاحب جمع قهوجیخانه - ۷۰
سرکار آقاییان - ۴۱	سرکار ممالک - ۲۷	سینی - ۳۲	صاحب توجیه دیوان اعلی - ۴۲	صاحب رفقان - ۱۷۰۷	صاحب رفقان - ۱۷۰۷
سرکارات - ۳۶۱۴۸	سرکار موقوفات - ۲۲	سیورقال - ۶۲ تا ۵۷۰۵۳ تا ۴۴	صاحب جمع - ۲۸ تا ۳۰ تا ۳۲ تا ۳۴	صاحب قرانی - ۹۶	صاحب قرانی - ۹۶
سرکارات خرج - ۴۲۱۴۸	سرکار وزیر نفکچیان - ۳۹	۹۵ (ارقام) - ۴۲	صاحب توجیه دیوان اعلی - ۴۲	صاحب منصب - ۱۸	صاحب منصب - ۱۸
سرکار ارباب التجار - رجوع به	سرکار وزیر توبیخانه - ۴۰	سیورغالات - ۱۲ تا ۲۴۰۱۴۳ تا ۱۷	صاحب جمع - ۲۸ تا ۳۰ تا ۳۲ تا ۳۴	صاحب وقف - ۴۶۱۴۵	صاحب وقف - ۴۶۱۴۵
ارباب التجار و یاروتی شود	سرکار وزیر سرکار قورچی - ۳۷	تا ۲۶ تا ۲۴۰۱۴۳ تا ۱۷	صاحب جمع آبدارخانه - ۷۱۳۳۲	صاف کن - ۳۰	صاف کن - ۳۰
سرکار اوقالی - ۴۷، ۴۶	سرکردگی - ۴۸	سیورغالات - ۱۲ تا ۲۴۰۱۴۳ تا ۱۷	صاحب چمنان - ۱۰۰۷ تا ۱۲ تا ۲۸	صدارت - ۵۳۱۲	صدارت - ۵۳۱۲
سرکار اوارجه آذربایجان - ۹۰	سرکرده - ۱۸۰۱	۶۰۱۵۳			

عالیجاه - ۲ تا ۱۸ تا ۲۰
 ۲۶ تا ۳۷ تا ۳۰
 ۴۰ تا ۴۶ تا ۴۹
 عالیجاهان - ۶
 عالیحضرت - ۴۶ تا ۴۷
 ۴۹
 عالی قاپو - ۲
 حامل - ۶۸
 عباسی - ۲۱ تا ۲۳
 عراض - ۱۵ تا ۱۸
 عرض - ۱ تا ۲۱
 ۲۳ تا ۲۹ تا ۳۳ تا ۴۶
 ۴۸ تا ۴۹ تا ۵۱
 عرض اقدس - ۳۰
 عرض الیچای سرکار خاصه - ۱۴
 و ۱۵
 عرض شتران - ۳۵
 عرض مناصب - ۱۶
 عرفی (دعوا) - ۱۳
 عرق - ۳۳
 عریضه - ۱۶ تا ۱۸ تا ۲۸ تا ۳۰
 عزب - ۶۹
 عزبان - ۳۶ تا ۴۴ تا ۷۰
 عزب باشی - ۴۳ تا ۴۴
 عزل - ۱۳ تا ۲۲ تا ۳۴
 عساکر - ۲۴ تا ۳۶ تا ۴۲ تا ۵۶
 ۶۱ تا ۶۲
 عساکر منصوره - ۳ تا ۱۳ تا ۱۷ تا ۳۶
 عساکر نصرت مآثر - ۴
 مشر - ۵۳
 عشور بنادر - ۹۶
 عشیرت - ۴
 عطارد باشی - ۲۰
 عطاردخانه - ۷۲
 عظام - ۱۶
 عظیم الشأن - ۴ تا ۷ تا ۱۳ تا ۲۹
 عقاقیر - ۳۳
 ملی السویه - ۶۵
 علیق - ۱۵ تا ۳۳
 غلام - ۸ تا ۱۳ تا ۳۸ تا ۴۱ تا ۴۸ تا ۶۰

غلامان - ۷ تا ۸ تا ۱۲ تا ۱۴ تا ۳۸ تا ۳۹
 ۶۱ تا ۹۴
 غلامان جدیدی - ۳۸
 غلامان جزایری انداز - ۳۸
 غلامان خاصه - ۱۹
 غلامان سانه - ۱۹
 غلامان گرجی سفید - ۱۹
 غل و غش - ۲۱
 غلبان - ۳۳
 غیبت - ۳۷ تا ۴۱
 غیبت و حضور کشیک - ۳۸
 غیر لازم - ۲۰
 ف
 فاخره - ۱۱
 فانوس - ۳۱
 فراش - ۳۱ تا ۳۲
 فراشان دفتر - ۴۳
 فراش باشی - ۳۱
 فراش باشیان - ۳۱
 فراشخانه - ۵۹ تا ۶۶
 فرمان همایون شده - ۲۴
 فرمان همایون شرف نفاذ یافت - ۲۴
 فصل - ۱۵
 فمله - ۲۲
 فلوس کاری - ۲۴
 فیما بین - ۲۳ تا ۳۶ تا ۴۷ تا ۵۴ تا ۵۸
 ۵۹ تا ۶۸ تا ۷۱
 ف
 فاب - ۶۳
 فابلق دستمال - ۱۹
 فابوچیان - ۲۸ تا ۴۰ تا ۴۱
 فابوچیان حرم - ۲۷ تا ۴۱
 فابوچیان دیوان - ۴۸
 فابوچیان باشی - ۲۸
 فابوچیان خلوت - ۲۸
 فابوچیان باشی دیوان - ۲۸
 قازینکر - ۲۶
 قاضی - ۳
 قاضی اصفهان - ۳
 قاضی عسکر - ۴۳
 قاطبه - ۵ تا ۷ تا ۸ تا ۹ تا ۲۵ تا ۴۱
 قال - ۲۱ تا ۲۲
 قالی - ۳۱ تا ۳۲
 قالی تکایدن - ۳۲
 قالیچه - ۳۱
 قانون - ۳۵ تا ۳۷
 قانون حق و حساب - ۹۶ تا ۹۹
 قبض - ۲۸ تا ۳۰ تا ۳۳
 قبض واخذ - ۲۶
 قبوض - ۱۰ تا ۲۸
 قبله عالم - ۲۵
 قبله عالمیان - ۶
 قدر - ۱۹ تا ۲۲ تا ۲۳ تا ۲۴ تا ۳۷ تا ۴۳ تا ۵۱ تا ۵۷
 قدغن - ۱۰ تا ۱۲ تا ۱۴ تا ۳۸ تا ۴۸
 قرا آفتابه - ۳۲
 قرص - ۲۱ تا ۲۲
 قرص کوب - ۲۱
 قرص کوبی (دستگاه) - ۲۱
 قرص نقره - ۲۲
 قشون - ۴۴ تا ۴۵ تا ۵۴
 قصیل - ۳۳
 قضایه - ۳۲
 قطار - ۳۳
 قطاعی (دستگاه) - ۲۱
 قطع - ۳۰
 قطع و فصل - ۱۷ تا ۱۳
 قلابی - ۲۳ تا ۳۳ (در) - ۳۴
 قلاغ - ۲۹ تا ۹۴
 قلب - ۷۲
 قلمرو - ۵ تا ۸
 قلم - ماهی - ۱۵
 قلم مداد - ۱۵
 قلمی - ۱۰ تا ۱۵ تا ۱۷ تا ۲۸ تا ۳۰ تا ۳۳ تا ۳۷ تا ۴۰ تا ۴۱ تا ۴۴ تا ۴۹ تا ۵۱ تا ۵۰
 قنطره - ۳۳
 قنوت - ۴۴ تا ۴۵ تا ۴۶
 قور - ۳۷ تا ۳۸
 قورچان - ۸ تا ۱۳ تا ۳۷ تا ۴۰ تا ۴۱ تا ۴۲ تا ۴۳
 قورچیان - ۲۷ تا ۳۱
 قورچیان جدیدی - ۳۷
 قورچیان ملایم دیوان - ۷
 قورچیان یراق - ۲۶ تا ۲۷ تا ۳۷
 قورچی اجرلو - ۱۲
 قورچی باشی - ۵ تا ۷ تا ۳۷ تا ۵۳
 قورچی باشیان - ۷ تا ۲۰ تا ۵۳
 قورچی صدق - ۲۷
 قورخانه - ۲۹ تا ۳۳
 قورخانه شاهی - ۲۹
 قورقات - ۱۵
 قوشخانه - ۶۳
 قوشچیان - ۱۳ تا ۴۰ تا ۴۱
 قول بیکی - ۴
 قوللر آقاسی - ۵ تا ۸ تا ۳۸ تا ۵۳
 قوللر آقاسیان - ۱۹
 قهوه بریان کن - ۳۲
 قهوه خانه - ۳۲ تا ۷۱
 قهوه دان - ۳۲
 قیام و اقدام داشتن - ۲
 قیجاجی - ۶۵
 قیجاجیخانه - ۶۵
 قیجاجیخانه امرا - ۳۰ تا ۳۲
 قیجاجیخانه خاصه - ۲۹ تا ۳۰ تا ۳۳
 ۶۶
 قیمت نامه - ۱۰ تا ۳۱
 ک
 کارخانجات - ۱۲ تا ۴۱ تا ۵۳
 کارخانجات خوراکی - ۱۱
 کارخانه - ۱۲ تا ۲۸ تا ۳۶
 کاشی (ظروف) - ۳۳
 کاغذ بها - ۱۶
 کاغذ پنجره - ۳۱
 کاغذ کر - ۷۱
 کابل عبار - ۲۲
 کتاب - ۱۶ تا ۳۷ تا ۴۱ تا ۵۱
 کتابخانه - ۶۳ تا ۷۱

طال - علمان - ۱
 طبابت - ۲۰
 طبیب - ۲۰
 طرح - ۳۵
 طسوج - ۲۳
 طشت مس - ۳۱
 طام - ۳۴ تا ۳۸
 طعام خاصه - ۱۲
 طعام خادمان - ۱۲
 طغرا - ۷ تا ۹ تا ۱۴ تا ۱۵ تا ۲۵
 طغرا کشیدن - ۲۶ تا ۲۹ تا ۳۵
 طغرای آب طلا و سرخی - ۲۵
 طلا - ۲۱ تا ۳۳ (ظروف) - ۳۱
 ۳۳ (قهوه دان) - ۳۲ (مشاعل) - ۳۲
 طلا آلات - ۳۵ تا ۳۷
 طلا، خلاصو - ۲۲
 طلا، شوش - ۲۱
 طلای اشرفی - ۲۴
 طلاطین (مقرش) - ۳۲
 طلاق شرعی - ۳
 طلب - ۳۶ تا ۴۰ (احکام) - ۴۴
 ۳۸
 طلب نوین - ۴۹
 طلب و تنخواه - ۱۲ تا ۱۳ تا ۳۷
 ۳۹ تا ۴۱
 طواحين - ۴۴ تا ۴۶ تا ۵۰
 طوامیر - ۱۴ تا ۳۸ تا ۴۰ تا ۴۱
 ۵۰
 طوامیرسان - ۱۴
 طوامیر سق - ۴۴
 طوایل - ۱۱ تا ۱۴ تا ۳۳
 طویر آشیان - ۹۶
 طوما - ۴۹ تا ۹۹
 طومار عرض - ۱۵
 ظ
 ظروف - ۳۱ تا ۳۳
 ظهور - ۲۶
 ع
 عارض - ۱۲

کتاب دفترخانه - ۶	کتاب دفترخانه - ۶
کجاوه - ۳۱	کجاوه - ۳۱
کجاوه بوش - ۳۱	کجاوه بوش - ۳۱
کدخدایان صنف - ۴۹	کدخدایان صنف - ۴۹
کدخدایان محلات - ۴۷	کدخدایان محلات - ۴۷
کراچی - ۳۸	کراچی - ۳۸
کرنا - ۳۲	کرنا - ۳۲
کر کر افان - ۶۸، ۶۶	کر کر افان - ۶۸، ۶۶
کر کیر افان - ۶۴ تا ۶۵، ۵۶	کر کیر افان - ۶۴ تا ۶۵، ۵۶
کسوف - ۲۰	کسوف - ۲۰
کشیک - ۳۷ تا ۳۹	کشیک - ۳۷ تا ۳۹
کشیک نویسان - ۶۲	کشیک نویسان - ۶۲
کشیکخانه - ۱۹، ۱۸، ۱۲، ۷	کشیکخانه - ۱۹، ۱۸، ۱۲، ۷
کشیکخانه در دولخانه - ۶	کشیکخانه در دولخانه - ۶
کشیکخانه دیوان بیکی - ۴	کشیکخانه دیوان بیکی - ۴
کشیکخانه دیوان بیکیان - ۳	کشیکخانه دیوان بیکیان - ۳
کشیکخانه عالی قابو - ۲	کشیکخانه عالی قابو - ۲
کلاتر - ۴۹، ۴۷، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۰	کلاتر - ۴۹، ۴۷، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۰
۵۰	۵۰
کلاتران - ۴۱، ۱۷	کلاتران - ۴۱، ۱۷
کلاتری ها (ارقام) - ۲۵	کلاتری ها (ارقام) - ۲۵
کلام روز - ۳۰	کلام روز - ۳۰
کله بزان - ۵۵	کله بزان - ۵۵
کلید دار - ۷۰، ۶۹، ۶۶ تا ۶۴، ۵۹	کلید دار - ۷۰، ۶۹، ۶۶ تا ۶۴، ۵۹
کلید دار خزانه - ۱۹	کلید دار خزانه - ۱۹
کم هبار - ۲۱	کم هبار - ۲۱
کم وزن - ۲۲	کم وزن - ۲۲
کوره قال - ۲۲	کوره قال - ۲۲
کپله کومی (دستگاه) - ۲۱	کپله کومی (دستگاه) - ۲۱
کیفیات - ۴۱ تا ۳۵، ۱۷، ۱۳، ۸	کیفیات - ۴۱ تا ۳۵، ۱۷، ۱۳، ۸
۴۳	۴۳
کیفیات حقایق دفتری - ۴۳	کیفیات حقایق دفتری - ۴۳
کیفیات دفتری - ۴۲، ۱۷	کیفیات دفتری - ۴۲، ۱۷
کیفیات طلب و تنخواه - ۳۸، ۱۳	کیفیات طلب و تنخواه - ۳۸، ۱۳
تا ۴۱	تا ۴۱
کیفیات عوض - ۸	کیفیات عوض - ۸
کیفیات مواجب - ۴۰، ۳۹	کیفیات مواجب - ۴۰، ۳۹
کیفیات مواجب براتی - ۸	کیفیات مواجب براتی - ۸
کیفیت - ۱۳، ۱۱	کیفیت - ۱۳، ۱۱
کیفیت شکایت - ۱۳	کیفیت شکایت - ۱۳

مستوفی سرکار تفنگچی آقاسی - ۴۹	مرصع آلات - ۳۵	متصدیان - ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰
۳۹	مرغخانه - ۶۳	متوجهات - ۴۷
مستوفی سرکار توبچی باشی - ۱۴	مزید ارتفاع - ۲۳	منوجهاات دیوانی - ۴۹، ۴۷
۴۰	مس (ظروف) - ۳۳، ۳۱ (قهوه دان)	منوفی - ۴۲ تا ۳۷
مستوفی سرکار غلامان - ۳۹، ۳۸	۳۲ (مشاعل) - ۳۲	منوالی - ۳
مستوفی سرکار فیض آثار - ۵۰	مسائل شرعی - ۱	متوایان - ۴۴، ۴۲
مستوفی سرکار قورچی - ۳۷	مساج - ۴۶، ۴۵	مثال - ۴۴، ۴۲
مستوفی سرکار قورچیان - ۳۷	مساعده - ۴۶، ۴۵	مثال نویسان - ۴۴
مستوفی سرکار قورچی باشی - ۷	مستأجر - ۴۶، ۴۵، ۲۴	مثال نوشتن - ۴۴
مستوفی سرکار قوللر آقاسی - ۸	مستأجران - ۴۴، ۴۳، ۳۶، ۲۲	مثقال - ۸۹، ۸۷، ۲۳، ۲۲
مستوفی سرکار وزیر توپخانه - ۴۰	۵۰، ۴۶	مثقالی - ۳۱
مستوفی غلام - ۶۰	مستحفظان - ۹۴	مجالس خاص و عام - ۲۰، ۱۶، ۱۵
مستوفی قورچی - ۶۰	مستدعیات - ۲۱، ۱۲	۲۵
مستوفی موقوفات ممالک - ۴۴	مستغلات - ۵۰، ۴۶، ۴۵، ۴۴	مجالس عام - ۲۷
مسکوک - ۲۳ تا ۲۱	مستغلات دیوانی - ۴۱	مجالس عام و خاص - ۲۰
مسگران - ۲۲	مستمر - ۲۴	مجلس - ۵۱، ۳۴، ۲۷، ۱۱، ۸
مسگرخانه - ۷۱	مستمره - ۶	مجلس بهشت آیین - ۳۷، ۲۵، ۹، ۷، ۰
مسلی - ۶۱	مستمری - ۲۶	تا ۴۰
مسلیات - ۵۳، ۵۲، ۴۴	مستوفی - ۵۰، ۴۷، ۴۵، ۳۸، ۱۱	مجلس بادشاهان - ۱
مسند - ۱	۷۰ تا ۶۸، ۶۳	مجلس خاص - ۲۷
مسوده - ۴۴، ۱۵	مستوفیان - ۴۱، ۳۶، ۲۵، ۱۷، ۲	مجلس خاص و عام - ۲۱
مسوده دفاتر - ۱۶	۴۴، ۴۳	مجلس عام - ۲۶
مسوده دفتر موقوفات - ۴۴	مستوفیان جزو - ۱۷	مجلس نشین - ۲۵، ۸
مسوده دفتری - ۴۴	مستوفیان جمع و خرج - ۳۶	مجلس نشینان - ۸
مشاعل - ۳۲	مستوفیان سرحدات - ۴۱	مجلس نویس - ۵۹، ۱۶، ۱۵
مشافیه - ۳۰، ۲۱، ۱۵	مستوفیان عظام - ۴۱، ۷، ۶	مجمع - ۵
مشرف - ۵۴، ۳۴، ۳۰، ۲۹، ۱۵	مستوفی ادبای التعاونیل - ۱۱	مجمع جاتی - ۵
۷۱ تا ۶۴، ۵۵	۷۱، ۶۸ تا ۶۴، ۳۵، ۳۴، ۲۸، ۱۷	مجموعیان - ۵۵
مشرفان - ۲۸، ۲۱، ۱۵، ۱۱، ۹	مستوفی اصفهان - ۵۵، ۴۵، ۱۰	محاسبات - ۴۶ تا ۴۲، ۳۶، ۶
۴۹، ۴۱، ۳۵	۵۹، ۵۱	۵۹، ۵۰
مشرف آبدارخانه - ۶۳	مستوفی الممالک - ۱۷، ۱۶، ۱۵	محاسبه - ۴۷، ۴۴، ۳۶، ۳۵، ۶
مشرف ایایخانه - ۶۳	۶۰، ۵۹، ۴۳	۵۱، ۵۰
مشرفان بیوتات - ۳۵، ۳۴، ۱۰	مستوفی ایشیک آقاسی باشی - ۸	مجال - ۵۰، ۴۶ تا ۴۴، ۲۵، ۱۲، ۲
۵۶	مستوفی تفنگچی - ۶۰	تا ۶۱، ۵۹، ۵۳
مشرف بیوتات - ۹	مستوفی توبچی باشی - ۶۰، ۴۰	محل خاصه - ۶۰
مشرف توپخانه - ۶۳	مستوفی خاصه - ۴۶، ۴۵، ۱۷، ۶	محال خالصه - ۴۵
مشرف جباخانه - ۲۹	۵۹، ۵۱، ۴۷	محاسب الممالک - ۴۹، ۳۱، ۱۰
مشرف جوبجخانه - ۶۳	مستوفی سرکار آقاییان - ۴۱	۵۸
مشرف خزانه - ۶۲	مستوفی سرکار انتقالی - ۴۶	محرر - ۴۲، ۳۹، ۳۷، ۳۶، ۱۸
مشرف شربخانه - ۶۳	مستوفی سرکار ایشیک آقاسی باشی - ۸	محرران - ۳۸، ۲۵، ۱۷، ۱۸، ۲ تا

صفحه	سطر	نا درست	درست
۵	۲۱	شعل	شعل
۵	۷	(ب)	(ب)
۶	۱ حاشیه	ضبط	ضبط
۷	۲۰	سوم	سوم (۱۲ الف)
۱۲	۲۱	غورسی	غورسی
۱۴	۱۸	(پس از شماره ۱ اضافه شود) : و طوا و یرسان جماعت مذکوره را که عالیجاه ناظر بیوتات ملاحظه	
۱۵	۱۰	مناسب	مناسب
۱۵	۱۹	قلم	قلمی
۱۶	آخر	اعظام	عظام
۲۸	۲۲	مشتمل	مشتمل
۳۲	۱	و غیره تنگ	و غیره - تنگ
۳۲	۱۲	تحویلداران	تحویلداران
۳۲	۲۱	نقارخانه	نقاره خانه
۳۷	۱۷	حقرازا	سفر را
۴۲	۸	قلم	قلم
۴۴	۲۳	بیا	بیان
۴۵	۲۱	باز یافت	باز یافت
۵۲	۱۱	ه ه	ه ه
۵۳	۲۱	بنجهزار سیصد	بنجهزار و سیصد
۵۳	۲۴	نومان	نومان
۵۴	۱۳	یافت	یافت
۵۵	۲ حاشیه	کلمه	دو کلمه
۵۵	۱۰	چهل	چهل و
۵۶	۱۹	دفتر	دفتر
۵۷	۳	سل	سال
۵۹	۱۳	جمعی	و جمعی
۶۰	۹	ع	۱
۶۱	۱۴	اوراجه	اوراجه
۶۳	۳	آنجه	آنجهله
۶۳	۲۲	مراجب	مواجب
۶۴	۱	مدیق	مدین

وزراء اعظم - ۱۳۸ تا ۲۰	نویسنده نظارت - ۶۲
وزراء اوقاف - ۲	نهادنگ و نیم - ۲۴۲۳
وزراء توبیجی باشی - ۴۰	نهی از منکرات - ۳
وزراء دیوان اعلی - ۱۷	نهی منکر - ۱۸
وزراء سرحدات - ۴۳	نیم شاهی - ۲۷
وزراء سرکار تفنگچی آفاسی - ۳۹	و
وزراء غلامان - ۳۸	واجب الرض - ۶
وزراء قورچی - ۳۷	واحدی - ۳۳ تا ۲۲
وزن شاه - ۷۱	واصل - ۴۴
وزیر - ۵۰ تا ۴۷	واصلی (وجه) - ۲۴
وزیر اصفهان - ۵۹ تا ۵۱	واقعه نویس - ۱۶ تا ۱۵
وزیر اعظم - ۱۳۸ تا ۲۸	واقعه نویسان - ۲۶ تا ۱۵
۳۰	واقف - ۳
وزیر اعظم دیوان اعلی - ۵	والی - ۶۸ تا ۵۱
وزیر ایشک آفاسی باشی - ۸	وجود مقدس - ۴۸ تا ۲۰
وزیر بیوتات - ۳۲ تا ۱۱	وجوه - ۹۶ تا ۳۴
۳۵ تا ۳۴	وجوهات - ۲۹ تا ۱۸
وزیر تفنگچی - ۶۰	۵۹ تا ۵۱
وزیر تفنگچیان - ۳۸	وجوهات اصفهان - ۴۵
وزیر توپخانه - ۴۰ تا ۳۹	وجوهات انفادی - ۵
وزیر دارالسلطنه اصفهان - ۴۴	وجوهات حلال - ۲
۵۰ تا ۴۵	وجوهات دیوانی - ۵۰ تا ۴۷
وزیر دیوان اعلی - ۱۴ تا ۷	وجوه انفادی - ۲۹
۱۵ تا ۲۸	وجوه بر - ۲
۴۵ تا ۴۳	وجوه تحویل - ۲۹
۵۳ تا ۵۱	وجوه تصدقی - ۲۰
وزیر سرکار آقاییان و ... - ۴۰	وجوه دیوانی - ۱۱
وزیر سرکار انتقالی - ۴۷ تا ۴۶	وجوه راهداری - ۴۱
وزیر سرکار تفنگچی آفاسی - ۳۹ تا ۳۸	وجوه مشورینادر - ۹۶
وزیر سرکار توبیجی باشی - ۴۰ تا ۳۹	وجوه مالیه اصناف - ۲۹
وزیر سرکار غلامان - ۳۸ تا ۳۷	وجه - ۱۳ تا ۲۴
وزیر سرکار فیض آثار - ۵۰ تا ۴۴	۴۴ تا ۲۰
وزیر سرکار قورچی - ۳۷ تا ۳۶	وجه بر آورد - ۱۰
وزیر سرکار قورچی باشی - ۷	وجه تصدق - ۲
وزیر سرکار قوللر آفاسی - ۸	وجه مؤت - ۴۶
وزیر قورچی و وزیر غلام - ۶۰	وجه واجبی - ۳۳
وزیر کل خراسان - ۸۱	وجه واصلی - ۲۴
وصل ارقام واحکام - ۳۶	وزارت اعظم - ۵
وصول - ۲۹ تا ۱۳	وزارتها (ارقام) - ۲۵
وضع - ۱۰ تا ۴۳	وزراء - ۲۶ تا ۳۰
وظایف - ۴۲ تا ۱۳	۳۸ تا ۵۶
وظیفه - ۹۵ تا ۹۰	۶۲ تا ۴۱
وقفی - ۵۳ تا ۴۷	
وقوف - ۳۰ تا ۲۰	
وکالت - ۵۲	
وکلاء - ۴۸	
وکیل - ۹۲ تا ۳۴	
وکیل دیوان اعلی - ۵۲	
ولایه - ۲۰ تا ۵۴	
ولایات - ۱۳ تا ۱۰	
۱۷ تا ۲۹	
۸۷	
ولایت - ۱۷	
۵	
هفت دانگ - ۲۳	
ملیله - ۳۳	
هم قلم - ۴۲ تا ۳۴	
هم قلمی - ۱۷	
همه سالجات - ۱۰ تا ۱۷	
۴۱ تا ۳۶	
همه ساله - ۷ تا ۱۳	
۲۰ تا ۲۶	
۵۵ تا ۶۲	
(تصدیقات) ۴۲ (مواجب) ۹۲	
۹۵ تا ۹۳	
همه ساله براتی - ۴۱	
میش کشیک - ۴۰ تا ۳۹	
میه خانه - ۷۰	
ی	
یادداشت - ۱۵	
یراق - ۲۶ تا ۲۷	
یساقی (مرد) - ۸۷ تا ۸۹	
یساقیان - ۴۱	
یساولان - ۴۰ تا ۴۱	
یساولان صحبت - ۲۸ تا ۲۷	
۹۲ تا ۴۳	
یساولان قور - ۳۸ تا ۳۷	
یکساله (تنخواه) - ۵۳ تا ۵۶	
یوزباشی - ۱۹	
یوزباشیان - ۱۹ تا ۳۰	
۳۷ تا ۴۰	
یوزباشیان غلام - ۳۸	
یوزباشی آقاییان سقید - ۱۹	
یوزباشی آقاییان سیاه - ۱۹	
یوزباشی گری - ۱۴ تا ۸	
یوزده - ۱۹	
یونجه - ۳۳	

صفحه	سطر	نادرست	درست
۶۴	۲۳	باز یافت	باز یافت
۶۴	۲۴	آ را	آنرا
۶۵	۹	()	[]
۶۸	۲۰	غانات	غانات
۶۸	۲۴	نمایند	نمایند
۶۸	۲۴	بالساوات	بالمساوات
۶۹	۸	عربان	عربان
۶۹	۸	کلید دارودوشلکی	کلید دار و دوشلکی
۷۱	۶	از او بوده	از او بوده
۷۲	۲۴	تومان سه	تومان و سه
۸۱	۱۱	نر	نفر
۸۳	۱۷	نومان	تومان
۸۳	۲۳	هفتاد پنجفر	هفتاد و پنجفر
۸۴	۷	ذری کمر	ذری کمر
۸۵	۲۰	بانہ	بانہ
۸۹	۸	دینار	دیناره

این چند غلط را نیز اصلاح فرمائید

۱۲	۱۱	اعظام	عظام
۱۶	آخر	اعظام	عظام
۲۴	۲۱	شرت	شرف
۲۶	۱۰	قاربکی	قازیکی
۵۲	۳	معلی وکیل	معلی - وکیل
۵۳	۷	میزا	میرزا
۵۵	۳	حاشیه بعد از کلمه اصل بجای کلمه « و اینجا » نوشته شود : شش سطر بالا بعد از کلمه رسوم داشته .	
۵۸	۱۳	انکوب را بروفسور مینورسکی انکود (انک-ورن) اصلاح کرده است .	
۵۹	آخر حاشیه	بدنیال عبارت افزوده شود : وزائد می نماید .	
۶۰	۷	تنخواه	تنخواه
۸۵	۷	حو حوره	خور خوره
۸۵	۱۱	اوربان	اورمان
۹۷	۱	(ستون دوم) اضافه شود : ص ۳۶ س ۳۴ و	
۱۰۲	۱۵	(ستون اول) مدد	مدد
۱۰۳	۶	(ستون سوم) آقای	آقای
۱۰۶	۳۵	(ستون اول) جزایری	جزایری

ملاحظات

ص ۲ ب - ص ۱ تهران ، سطر ۶۹ در کلمه میر محمد باقر - میر محمد باقر مجلسی
مجدد اعتقاد صحیح مذهب تشیع در ۱۱۱۰ هـ - ق - مطابق با ۱۶۹۹ م - در گذشت
(بر طبق ماده تاریخ « جز تون و غمون »)
ص ۳ الف - ص ۱ تهران ، سطر ۱۹ در کلمه آقا جمال - رجوع به تعلیقات یعنی
جلد دوم تذکرة الملوك شود .
ص ۳ الف - ص ۱ تهران ، سطر ۴ در کلمه محمد حسین - رجوع به جلد دوم
تذکرة الملوك شود
ص ۳ ب - ص ۲ تهران ، سطر ۹ در کلمه تقویضی - در حسب انتخاب شخص و سلیقه
خصوصی
ص ۳ ب - ص ۰ تهران ، سطر ۶۴ در کلمه صدور عظام - آیا منظور صدر خاصه است ؟
صفحه عکسی ۴ الف - ص ۲ تهران مراجعه کنید
ص ۴ الف - ص ۲ تهران ، سطر ۱۵ در کلمه سرکار فیض آثار : دو فصل ۷۳ و ۸۲
را در جلد دوم بایکدیگر مقایسه و نیز صفحه ۱۴۶ جلد دوم تذکرة الملوك نگاه کنید
ص ۴ الف - ص ۲ تهران ، سطر ۱۸ در کلمه عالی قاپو : دروازه مر و مر مدخل اصلی
قصر از میدان بزرگ بشمار میرفته است و اگر این نام را با نام دروازه مشابه آن که در
تبریز وجود دارد قیاس کشیم چنین بر می آید که اصلاً این لفظ در ترکی آلا قاپو بوده
است بمعنی دروازه خاص یا خوش رنگ . سائون در ص ۵۶ آلا قاپو را بخلط چنین معنی
میکند : « La porte de Dieu - در خدا » - بهر صورت عالی قاپو بمعنی « در عالی

۱ - حواشی و توضیحاتی را که استاد مینورسکی بر ترجمه انگلیسی متن تذکرة الملوك
افزوده است چنانکه در مقدمه وعده کردیم ، رعایت امانت را ، بترتیب و با نشان
دادن مواضع و صفحات چاپی و عکسی اینجا می نگاریم و از مترجم شائستہ و دوست عزیز
آقای مسعود رجب نیا که این ملاحظات و هم جلد دوم تذکرة الملوك را از انگلیسی
فارسی برگردانده اند و نام « سازمان اداری حکومت صہوی » بدان داده ، تشکر
میکنیم .

ووالا مقام « است و تعبیر اشتباهی شاردن در سفرنامه (فصل نهم ص ۲۲۶) که لفظ « Porte d'Aly » را آورده است مؤید همین معنی و معین معنی عالی است در تداول عامه مردم. فصل ۳۱ در جلد دوم نیز مراجعه کنید.

ص ۴ الف - ص ۱ تهران، سطر ۱۸ در کلمه محال: محال گویا اصطلاح فنی است جهت ولایات تحت نظارت خاصه سلطنتی و مخصوصا ولایاتیکه در مجاورت و اطراف پایتخت قرار دارند. بصفحات عکسی ۲۷ الف و ۹۲ ب - ص ۱۷ و ۶۰ تهران مراجعه کنید.

ص ۶ ب - ص ۴ تهران، قبل از اول باب دوم: تاحدودی مربوط بامور روحانی است و فصل ۹۱ در جلد دوم تذکرة الملوك نیز بهین سوال است.

ص ۷ الف - ص ۴ تهران، سطر ۱۷ در کلمه قول بیکی: شاردن در فصل ۵ ص ۲۵۶ مأموران تابع و زیر دست سگرمیکی را غلام بیکی مینامد و چون غلام همان قول ترکست باید قول بیکی بخوابیم که میشود « سر کرده و فرمانده غلامان باخدمه ». بهر حال تلفظ این کلمه بصورت قول بیکی، « رئیس يك جناح » را « قول اردو » می‌مصلح در حکومت عثمانی، که سراد از آن « جناح سیاه » باشد و سانسون در ص ۴۵ تصریح و تأیید کرده است. تأیید میکنید، وی میگوید: Gol-begus c'â d. Kans de bras « Gol-begus c'â d. Kans de bras ».

ص ۸ الف - ص ۵ تهران، سطر ۱۲ در کلمه چهار نفر ارکان دولت قاهره: فصل ۶ جلد دوم تذکرة الملوك نیز نگاه کنید.

ص ۹ الف - ص ۶ تهران، سطر ۱۲ در کلمه تعلیقه: شاردن در ج ۵ ص ۳۳۹ اصطلاح Contre-scel را بکار میرسد.

ص ۹ الف - ص ۶ تهران، سطر ۳ در کلمه حق و حساب: مقصود قوانین اسلامی است. بقیه مطالب مربوط قوانین جاری و عمومی است.

ص ۹ ب - ص ۶ تهران، سطر ۸ در کلمه ترسده لفظ « شده » در این عبارت باید اشتباه باشد و « شده » با سیاق عبارت مناسب تر است و همین مطلب از معنای آن نیز مستفاد میگردد و در ص عکسی ۲۵ الف - ص ۱۵ تهران نیز عبارتی نظیر آن هست.

ص ۹ ب - ص ۶ تهران، سطر ۹ در کلمه ضمن رقم: از ضمن رقم مراد داخل و درون آن است.

ص ۱۰ الف - ص ۶ تهران، سطر ۱۲ در کلمه تعلیقه: در نسخه اصلی اشتباه املائی رخ داده است.

ص ۱۰ الف - ص ۶ تهران، سطر ۱۳ در کلمه مستوفی خاصه: شاید امضای مستوفی خاصه با امضای ناظر بیوتات ضروری بود و امضای مستوفی الممالك در « دیوان »، پیشهادهای مأمور ارشد قسمت با دائره مربوطه را تأیید میکرد. فصل ۷ و جز آن ص ۱۰ ب - ص ۶ تهران، سطر ۱۷ در کلمه مقاصد حساب: مقاصد گویا همان لفظ مصافات است که در فارسی تحریف گشته است.

ص ۱۰ ب - ص ۶ تهران، سطر ۲۲ در کلمه دفاتر خلود: این اصطلاح در فرمان قاسم بن جهانگیر (کتاب مینوویسکی تحت عنوان سیورغال ص ۹۳۰ سطر ۱۵) در این عبارت: « رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت گردانیده » آمده است، که گویا مقصود دفتر مخصوصی است که در آن ارقام را بطور « مخلد » و دائم مانند نتیجه تصمیم نهائی وارد میساخته اند. در این مورد اصطلاح مخلد در (همان صفحه کتاب مذکور سطر ۱۳) و در فرمان سلطان یعقوب (همان کتاب ص ۹۵۴) آمده است.

ص ۱۲ الف - ص ۷ تهران، سطر ۱۲ در کلمه طغرا: بصفحه عکسی ۴ ب - ص ۲ و ۳ تهران نگاه کنید.

ص ۱۲ ب - ص ۸ تهران، سطر ۱۱ در کلمه آقاییان: آقا در اغلب موارد بمعنی « مخنت » است ولی در اینجا ممکن است مراد کلمه « صاحبان مناصب » مذکور در متن کتاب (ص ۱۳ ب - ص ۸ تهران) باشد. بصفحه ۱۱۸ جلد دوم تذکرة الملوك رجوع کنید.

ص ۱۹ ب - ص ۱۲ تهران، سطر ۱ در کلمه خادمان یا حواجه ها

ص ۲۱ الف - ص ۱۲ تهران، سطر ۱۶ در کلمه چهار پنج تومان

در مورد دعاوی کمتر به ص عکسی ۷۹ ب - ص ۴۸ تهران مراجعه کنید

ص عکسی ۲۱ الف - ص ۱۲ تهران، سطر ۲۱ در کلمه قورچی اجرلو:

شاردن در جلد ۷ ص ۴۲۱ چنین بیان میدارد:

« کاخ یوزباشی یا فرمانده صد نفر سپاهی که بشام آنگلو خوانده میشود بمعنی کوه نشین یا کوهستانی است و مقصود از این کلمه رسانیدن مفهوم غرور و جسارت آنهاست » این استنباط غلط است و اجرلو بمعنی « کسی است که مزد (اجر) دریافت میدارد » محتمل اجرلوها قورچی هائی بودند که از وجود آنان بمشابه ژاندارم جهت مأموریتهای مخصوص استفاده میشد.

ص عکس ۲۲ الف - ص ۱۳ تهران، سطر ۹ در کلمه اردو:

مقصود دربار سلطنتی است. اصطلاح اردو که لغتی است بازمانده از عصر مغول

دورمانیکه پادشاهان صفوی پایتخت خود را باصفهان منتقل کرده بودند دیگر کهنه و منسوخ شده بود. رجوع کنید به ص عکسی ۴۲ ب - ص ۲۵ تهران.

ص ۲۴ الف - ص ۱۴ تهران، سطر ۱۴ در کلمه اصطبل :

طبق نوشته شاردن (ج ۵ ص ۴۵۷) به اصطبل شاهی در پایتخت وجود داشته

است :

ص ۲۴ الف - ص ۱۴ تهران، سطر آخر در کلمه جلودار :

جلوداران مهتران عالیرتبه توی هستند که در بیتابیش از بابان خود میرانند

(شاردن ج ۵ ص ۴۸۸)

ص عکسی ۲۴ الف - ص ۱۴ تهران سطر ۱۷ در کلمه خواجه سرایان :

مشکل است که مقصود خواجهگان، خصی شده باشد.

ص عکسی ۲۵ الف - ص ۱۵ تهران، سطر ۱۱ در کلمه دفاتر خلود :

به صفحه عکسی ۲۵ ب - ص ۱۵ تهران نگاه کنید.

ص عکسی ۲۵ الف - ص ۱۵ تهران سطر ۱۲ در کلمه مشافیه :

به ص عکسی ۹ ب - ص ۶ تهران نگاه کنید.

ص عکسی ۲۵ الف - ص ۱۵ تهران، سطر ۱۲ در کلمه وزیر دیوان اعلی

شاید برای آن بود که بررسی کنند و به یسند که جمله معمول و مصطلح در اقرار

تعلیق « بر آن نوشته شده است یا نه

ص عکسی ۲۵ ب - ص ۱۵ تهران، سطر ۱۴ در کلمه سیارتند :

متن چندان واضح نیست.

ص عکسی ۲۵ ب - ص ۱۵ تهران، سطر ۱۴ در کلمه قلم مداد :

این نوع از استاد (همچنین به ص عکسی ۴۲ ب - ص ۲۵ تهران نگاه کنید) ظاهراً با

اسنادی که بر آن طغرا بدست منشی الممالک ثبت میشود متمایز و متفاوت است. (به ص

عکسی ۴ الف بنگرید)

ص عکسی ۲۵ ب - ص ۱۵ تهران، سطر ۱۵ در عبارت بدیگری نسبت ندارد :

به ص عکسی ۲۴ ب - ص ۱۴ تهران نگاه کنید.

ص عکسی ۲۶ ب - ص ۱۶ تهران، سطر ۱۱ در عبارت « اعتبار و اعتماد » :

این عبارت معمول و مصطلح را در پایان مدارك تحت شماره 4039 or. مجموعه

فرامین سلطنتی (فرمان دهم الف) و ضمیمه فهرست ریو ص ۲۵۱ و ۲۵۶ میتوانید

ملاحظه کنید.

ص ۲۸ الف - ص ۱۷ تهران، سطر ۵ در عبارت کیفیات دفتری که بمهر...

حرف « که » که در عبارت « و کیفیت دفتری که بمهر مشارالیه رسیده باشد » آمده است همانا

حرف ربط و بمعنی « همچون یا مانند » است نه ضمیر نسبت.

ص عکسی ۲۸ الف - ص ۱۷ تهران در عنوان وزیر اعظم :

وزراء دیوان اعلی بجای وزیر اعظم مورد تردید است.

ص عکسی ۲۸ الف - ص ۱۷ تهران، سطر ۸ در عبارت « تجویز مشارالیه تعیین

میشود » بجای تصدیق، تجویز نوشته شده است.

ص عکسی ۲۹ ب - ص ۱۸ تهران، سطر ۵ در عنوان خلیفة الخلق :

از لحاظ اینکه این شغل دارای جنبه شبه مذهبی است قاعده این قسمت را میبایستی

در باب اول مینوشت ولی نظر باختلاف و تفرقه موجود بین مذهب تشیع و طریقه صوفیه

این دورا جدا ساخته است.

ص عکسی ۳۰ ب - ص ۱۸ تهران، سطر ۱۸ در کلمه صاحب منصب :

در خصوص خواجه سرایان بطور مطلق به ص عکسی ۲۴ الف - ص ۲۰ تهران نگاه کنید.

ص عکسی ۳۱ ب - ص ۱۹ تهران، در کلمه حرم :

به ج ۸ ص ۱۳۳ سفر نامه شاردن نگاه کنید.

ص عکسی ۳۲ الف - ص ۱۹ تهران، سطر ۱۶ در نام اسمعیل آقای خواجه سفید :

در ص ۲۱۰ الف زیادة التوایخ چنین مسطور است که چون طهماسب میرزا در

صدد گرفتن تاج و تخت برآمد، محمد آقا یوزباشی غلامان خاصه بیست للگی ملازم

دائمی وی گشت. اما چون محمد آقا از متابعت طهماسب میرزا هنگامیکه آهنگ شکستن

محاصره افغانیان را کرد، سر باز زد منصب، وی به اسمعیل آقا جباردار باشی تفویض

شد که با موفقیت طهماسب میرزا را به قزوین رسانید.

ص عکسی ۳۶ الف - ص ۱۹ تهران سطر ۱۹ در عبارت « غلامان خاصه » :

در اینجا مقصود « خواجهگان جوان » است.

ص عکسی ۳۲ ب - ص ۱۹ تهران، سطر ۲۰ در کلمه ساده :

یعنی خصی نشده (۱).

ص عکسی ۳۲ ب - ص ۱۹ تهران، سطر ۲۲ در کلمه یوزده :

یوز بزبان ترکی بمعنی « یکصد » است و ده فارسی است. شاید مقصود این باشد که غلامان

در واحدهای صد نفری قرار میگرفتند. حتی اکنون نیز در ایران یوزباشی و ده باشی

میگویند.

ص عکسی ۳۲ ب ص ۱۹ تهران، سطر ۲۲ در عنوان قولدر آقاسی :
شاید مقصود يك تن واحد باشد (فصل ۸) برای این علامتی انتخاب خدمت نظام امیری
الزام آور و اجباری نبود

ص عکسی ۳۳ ب ص ۲۰ تهران، سطر ۱۲ در نام حکیم باشی میرزا رحیم :
در زمان سلطنت شاه سلطان حسین، میرزا رحیم یکی از یو طقه گران و دسیسه بازان
اصلی و بزرگ بود و بتحریر او در ۱۷۲۰ میلادی (۱۱۳۰ هـ) وزیر اعظم فتحعلی
خان از کار برکنار شد . هنگام تسلیم شاه به محمود افغان در ۱۷۲۲ وی در رکاب
شاه بود (به ص عکسی ۲۰۶ الف و ۲۰۸ الف زیادة التواریخ بنگریه)

ص عکسی ۳۳ ب ص ۲۰ تهران سطر ۱۳ در کلمه هر ساله :
بدیهی است مقصود همه ساله در اصطلاح فنی است و بمعنی « هر ساله » نیست .

ص عکسی ۳۳ ب ص ۲۰ تهران، سطر ۱۵ در کلمه مقرر بود :
اما طبق مندرجات ص عکسی ۱۲۸ الف (ص ۹۳ تهران، سطر ۶) این مبلغ ۴۹۹۸
تومان و ۱۳۰۰ دینار بوده است .

ص عکسی ۳۴ ب ص ۲۱ تهران، سطر ۶ در کلمه سکه خلافت :
در اینجا شاید بعنوان لقب خلافت ممکن (ص عکسی ۳۵ الف ص ۲۱ تهران، سطر ۸)
پادشاهان صفوی نظر داشته است .

ص عکسی ۳۶ الف ص ۲۱ تهران، سطر ۱۴ در کلمه کپله کوئی :
کپله بمعنی « يك تکه طلا یا نقره باريك سکه » است و کوبیدن و کوبیدن بمعنی « کوبیدن
یا زدن » است .

ص عکسی ۳۶ الف ص ۲۲ تهران سطر ۲ در کلمه زر :
زر بمعنی « طلا » و « نقره » هر دو است .

ص عکسی ۳۶ ب ص ۲۲ تهران، سطر ۴ در کلمه میگذارند :
در اصل میگذارند است ولی بهتر است میگذارند بخواهید

ص عکسی ۳۶ ب ص ۲۲ تهران، سطر ۸ در کلمه ضابطان :
شاید منظور ضابطان و تحریر داران خزانه داری باشد (به ص ۳۷ ب ص ۲۲ سطر ۱۹
نگاه کنید)

ص عکسی ۳۶ ب ص ۲۲ تهران، سطر ۱۰ در عبارت : « ب عزل او معزول و منصب او

منصوب شناسند » :

متن فارسی کاملاً واضح و آشکار نیست . شاید منظور آنست که دولت مأموران و غیره
را موظف به بازرسی در کار زرگران و همکاران وی ساخته است تا معلوم سازند که
بدون اجازه معیر المالک بکسب مشغول نشوند .

ص عکسی ۳۷ الف ص ۲۲ تهران، سطر ۱۱ در کلمه اشرفی کهنه دوتی :
شاید منظور از دوتی سکه ای است که روی هر دو طرف آن شکل باشد . کتاب

سیاحت شیراز (A Tour to Sheraz) تألیف اسکات وارئینگ (Scott Warning)
چاپ لندن سال ۱۸۰۷ فصل سی و سوم ص ۱۲۸ سکه های دوتی ویزی را
معادل ۶ پیاسه قیمت میکند و دومان در گزارش خویش بنام « کشور ایران در سال ۱۶۶۰
ص ۳۳ » محبوبیت طلای ویزی را تصدیق و تأیید میکند و بیان میدارد که هر گاه شاه
دادار یکی از مردم تبعه خویش رود ، بشکراته این موهبت ، صاحب خانه يك قاب
مملو از سکه های ویزی (تقدیم شاه میکند) زیرا در اینجا مردم بسیار راغب و شیفته
« سکه های ویزی هستند و حتی زنان ارمنه نیز گرد عارض خویش را با آن زینت میبخشد »
(ممکن است دوتی نام مصطلح و معمولی باشد برای ducas دوکای طلا) .

ص عکسی ۳۷ ب ص ۲۲ تهران، سطر ۱۸ در کلمه بگذارند :

بجای میگذارند بهتر است میگذارند بخواهید . همچنانکه در ص عکسی ۳۶ ب ص ۲۲
تهران سطر ۴ بهمین شیوه عمل شده است

ص عکسی ۳۷ ب ص ۲۲ تهران سطر ۲ در کلمه شاه سابق :

پس از شکستهای متوالی سپاهیان از خراسان (۱۷۰۶ تا ۱۷۱۹ م . ۱۱۱۹ تا ۱۱۲۹ هـ)
امیران سپاه تصمیم گرفتند که شاه باید شخصا لشکری برای مشرق تدارک کند . شاه
سلطان حسین در ۲۷ رجب ۱۱۲۹ هـ مطابق با ۷ ژوئیه ۱۷۱۹ م . اصفهان را ترک کرد
و در ۲۷ شعبان برابر با ۶ اوت همان سال بفرزین رسید . شیز مجویی و منازعات و
دوگانگی های موجود در میان درباریان حرکت مجدد شاه را سه سال به تأخیر انداخت
فرزین را در غرة ذی الحجه سنه ۱۱۳۲ مطابق با ۴ اکتبر ۱۷۲۰ ترک گفت و پس از يك
تأخیر دیگر در تهران وعزل و میل کشیدن در چشم وزیر اعظم فتحعلی خان در ۲۹ ربیع الاول
۱۱۳۳ برابر با ۲۸ ژانویه ۱۷۲۱ بتأییدت خویش بازگشت و هنوز نه ماه از این مقدمه
نگذشته بود که خبر تسخیر کرمان بدست افغانان واصل گشت . به ص عکسی ۲۰۳ الف

و ۲۰۶ الف زبدة التواريخ بنگرید

ص عکسی ۳۷ ب-ص ۲۳ تهران سطر ۲ در کلمه همت دانگ:

برابر است بایک مثقال .

ص عکسی ۳۸ الف ص ۲۳ تهران سطر ۳ در نام محمد علی بیک :

در ص ۲۱۰ الف زبدة التواريخ چنین مسطور است :

محمد علی بیک معیر (که به املائی معتمد الممالک است) معروف به شنبه منسوب شخص طهماسب (خواهان تاج و تخت) بود ولی گویا از متابعت وی در فرار بقزوین امتناع کرد . حسین علی بیک معیر الممالک که نقش مؤثری در مذاکرات فیما بین طهماسب و ناصر بعد از دافقت باین سمت تعیین گردید . بتاریخ نادری تألیف میرزا مهدیخان استرآبادی چاپ سنه ۱۲۸۶ هجری ص ۱۹ مراجعه کنید . محمد علی بیک مزبور ممکن است از بستگان میرزا مهدیخان باشد .

ص عکسی ۳۸ الف ص ۲۳ تهران سطر ۶ در کلمه جلوس :

در رمضان ۱۱۳۵ مطابق با ژوئن ۱۷۲۳ م . زیرا که محمود در ۱۱ محرم ۱۱۳۵ تخت نشست . بکتاب سکه های شاهان بقلم ر . س . بول ص ۴۹ مراجعه کنید .

ص عکسی ۳۸ ب ص ۲۳ تهران سطر ۱۳ در کلمه توشقان نیل :

رمضان ۱۱۳۵ ه . ق . مطابق است با ۵ ژوئن الی ۴ ژوئیه ۱۷۲۳

ص عکسی ۳۸ ب-ص ۲۳ تهران سطر ۱۴ در کلمه نه دانگ ونیم :

یعنی دارای ارزش ۵ شاهی است و وزن آن برابر نه دانگ ونیم است .

ص عکسی ۳۸ ب ص ۲۳ تهران سطر ۱۵ در کلمه واجبی :

آنچه که قبل از رمضان ۱۱۳۵ معمول بوده است .

ص عکسی ۳۹ الف ص ۲۴ تهران سطر ۱۴ در کلمه فروش :

سکه عثمانی .

ص عکسی ۳۹ ب-ص ۲۴ تهران سطر ۷ در کلمه مستأجر :

منظور مستأجر ضرابخانه است . این شخص غیر از مستأجر نقده سازی و فلوس کاری است .

ص عکسی ۳۹ ب-ص ۲۴ تهران سطر ۸ در کلمه دستجه کله :

شاید نوعی از مدال یا مخصوصاً سکه بزرگ (مانند مهر اشرفی) بوده است .

واسر در دائرة المعارف اسلامی ج ۶ چاپ ۱۹۲۳ ص ۱۳۸ اشاره بیک سکه طلای

دو تومانی میکند که متعلق بسال ۱۱۰۱ ه . ق . برابر با ۱۶۰۹ م . است که وزن آن معادل ۷۱۱ گندم (Grain) واحد وزن انگلیسی است برابر با ۶۴۸ ر . گرم) است . یکصد عدد از این مسکوک ممکن بود ۲۵۰ تومان هم در بازار ارزش حاصل کند .

ص عکسی ۴۰ الف - ص ۲۴ تهران سطر ۲۴ در کلمه طغرا :

متن مزبور چنین میگوید که طغرا امضای شاه نبود ، بلکه یکی از عبارات مشخص و معهودی است که جای امضای معظم له را می گرفت و در اینجا آنها را می شمرد .

ص عکسی ۴۰ الف - ص ۲۴ تهران سطر ۲۴ در کلمه شجره :

به فصل ۱۴ باب دوم نگاه کنید . شجره عبارتست از مدرکی که در آن سلسله مرشدان هر صوفی و درویش ثبت است .

ص عکسی ۴۱ ب - ص ۲۵ تهران سطر ۲۰ در کلمه ضابطه :

این جمله چون مربوط به حقوق و مستمری مهرداد است بایستی در ابتدای این فصل نوشته میشد .

ص عکسی ۴۲ الف - ص ۲۵ تهران سطر ۲۲ در کلمه احکام :

برای تعیین مهر های مختلف شاه به باب چهارم تعلیقات قسمت (ج) نگاه کنید .

ص عکسی ۴۲ الف - ص ۲۶ تهران سطر ۳ در کلمه مهرداران :

شاید در اینجا فقط منظور فصل ششم از نوع دوم ، مقاله اول باب سوم باشد .

ص عکسی ۴۲ ب - ص ۱۶ تهران سطر ۱ در کلمه قاز بیکی :

یک قاز بیکی = ۵ دینار = $\frac{1}{10}$ شاهی = $\frac{1}{20}$ تومان است (شاردن ج ۵ ص ۱۸۲)

ص عکسی ۴۲ ب - ص ۲۶ تهران سطر ۱۴ در عنوان واقعه نویسان :

نمیتوان گفت که این نوع از اسناد با آنچه منشی الممالک بر آن طغرا میکشید و در ص عکسی ۴۰ الف - (ص ۲۵ تهران) ذکر آن آمده است یکی است . ممکن است که اسنادی وجود داشته که ظهر آن را واقعه نویس و منشی الممالک هر دو توقیع میکرده اند .

ص عکسی ۴۲ ب - ص ۲۶ تهران سطر ۱۴ در کلمه مهر آثار :

به ص عکسی ۹ الف (۱۱ تهران) نگاه کنید

ص عکسی ۴۳ الف - ص ۲۶ تهران ، سطر ۱۵ در کلمه تیول :

به فصل ۱۲ جلد دوم کتاب نگاه کنید .

ص عکسی ۴۳ ب - ص ۲۶ تهران ، سطر ۲۳ در کلمه ششماهه :

به فصل ۱۰۱ در جلد دوم کتاب نگاه کنید .

ص عکسی ۴۳ ب - ص ۲۷ تهران ، سطر ۴ در کلمه مهرشرف نقاد :

اشتباهاً بجای مقامی که در فصل هفتم از نوع دوم مقالة اول باب سوم ذکر شده ، آمده است .

ص عکسی ۴۵ الف - ص ۲۸ تهران ، سطر ۴ در نام دولتخانه میدان :

دولتخانه میدان گویا اشاره است به تالار واقع در بالای دروازه عالی (alā)

بمعنی والا و بهجت افزا (و خوشترنگ) قاپو (به ص عکسی ۳ ب - ص ۲ تهران) بنگرید .

ص عکسی ۴۶ ب - ص ۲۹ تهران ، سطر ۶ در نام شاه قلی خان :

رضا قلی خان در ضمیمه کتاب روضة الصفا ج ۸ وزیران اعظم شاه سلطان حسین را بترتیب ذیل نام میبرد :

۱ - شیخ قلیخان پسر وزیر اعظم کرد نژاد شاه سلیمان ، شیخ علیخان زنگنه .

۲ - محمد مؤمن خان شاملو .

۳ - میرزا طاهر وحید ، مؤلف کتاب شاه عباس ثانی که گویا در ۱۱۲۰ هـ برابر

۱۷۰۸ م (۴) کتاره گیری کرد . به فهرست ریو ص ۴۱ الف بنگرید .

۴ - فتحعلیخان داغستانی ابن القاس میرزا ابن ایلدزم خان شمشال که در ۷

صفر ۱۱۳۳ = ۸ دسامبر ۱۷۲۰ بامر شاه کور شد . به ص ۲۰۵ ب - زبدة التواریخ نگاه کنید .

۵ - محمد قلیخان شاملو که سابقاً سمت قورچی باشی داشت و باشاه در ۱۱ محرم

۱۱۳۴ = ۲۳ اکتبر ۱۷۸۲ به اردوی افغانان رفت

ص عکسی ۴۹ الف - ص ۳۰ تهران ، سطر ۱۳ در عبارت حکم قبای

پوشیده دارد :

مقصود جامه ایست که تن پوش سلطان بوده است .

ص عکسی ۴۹ الف - ص ۳۰ تهران ، سطر ۱۴ در کلمه لندره : دومان در ص ۲۴۸

مینویسد Lodéré و شاردن در ج ۷ ص ۳۶۷ Londra و آنرا مانند « پارچه انگلیسی »

تعریف میکنند . در فرهنگ فارسی جانشون « پارچه سرخ » « red cloth » ذکر شده است . این کلمه از نام لندن که تلفظ ایتالیائی آن لندرا میباشد آمده است .

ص عکسی ۴۹ ب - ص ۳۱ تهران ، سطر ۲۰ در عنوان مشعلدار باشی : تر کیب فارسی

آن بنظر میرسد که بمعنی « فراشباشی است که مشعلدار باشی هم هست » لذا شخص

مزبور متصدی نگهداری اثاث البیت و وسایل روشنایی بوده است ، به فصول ۴۴ و ۴۵ در جلد دوم کتاب نگاه کنید .

ص عکسی ۵۰ الف - ص ۳۱ تهران ، سطر ۶ در کلمه نمد لنگه الوان :

نمد تنك (۴) الوان تنك بضم اول و دوم بمعنی « نازك و ظریف » است . بمعنی

دیگری نیز آمده است که آن « شلواری است که کشتی گیران در بر میکنند » شاید

بعلت اینکه هر دو از يك جنس ساخته میشوند بیک نام خوانده شده اند .

ص عکسی ۵۰ الف - ص ۳۱ تهران سطر ۷ در کلمه مثقالی :

به لغت روسی mithqâli مراجعه شود .

ص عکسی ۵۰ الف - ص ۳۱ تهران سطر ۸ در کلمه موچکدان :

موچکدان یعنی جای مگس پران .

ص عکسی ۵۰ ب - ص ۳۱ تهران ، سطر ۶ در کلمه غانات :

ظاهراً غان در ترکی بمعنی خون است . به کمپفر ص ۲۳ نگاه کنید .

ص عکسی ۵۱ ب - ص تهران ، در کلمه تحویلداران :

تحویلداران بمعنی يك تن تحویلدار است .

ص عکسی ۵۲ الف - ص ۳۲ تهران ، سطر ۱۷ در کلمه طلاطین :

لغت طلاطین که در ترکی عثمانی نیز معمول است ، از ریشه telyâtin است بمعنی گوساله .

ص عکسی ۵۲ الف - ص ۳۲ تهران ، سطر ۱۹ در عنوان مشعلخانه :

راجع به اغتشاشی که در تعیین مشاغل روی نموده . بفصول ۳۶ و ۴۴ در جلد دوم کتاب بنگرید .

ص عکسی ۵۲ الف - ص ۳۲ تهران ، سطر ۲۰ در کلمه نواله :

نواله یا بمعنی « قسمتی است از غذا » یا بمعنی « کهنه پارچه » است . در اینجا گویا مقصود تکه های پارچه پنبه ای باشد که بمنزله فتیله در چراغهای روغنی و بیه سوز بمصرف میرسیده است .

ص عکسی ۵۲ ب - ص ۳۳ تهران ، سطر ۱ در کلمه انبار :

یا انباردار باشی .

ص عکسی ۵۲ ب - ص ۳۳ تهران ، سطر ۲ در کلمه قصیل :

شاردن در ج ۳ - ص ۳۷۴ مینویسد « علف سبك و بر آب » برای پاك کردن
جهازهاضمة حیوانات در بهار (۱) .

ص عکسی ۵۲ ب - ص ۲۳ تهران ، سطر ۳ در کلمه قنطرغه :

قنطرغه بدون تردید قیطورقه بوده که بمعنی « کیسه فراخ و دراز » است .
به ردلف (Radloff) ج ۲ ص ۴۲۸ بنگرید . در زبان مغولی قیطورقه بمعنی
« جیب » است . به مقدمه الادب . پوپ - ص ۲۸۵ و ۴۴۴ در ذیل لغت قنطارغن بمعنی
(« کیسه ») (بقول ابن مهنا) نگاه کنید .

ص عکسی ۵۳ الف - ص ۳۳ تهران ، سطر ۱۱ در کلمه خادممان :

شاید مقصود خواجه سرایان باشد . به قسمت فوقانی ص عکسی ۲۹ ب بنگرید .

ص عکسی ۵۴ الف - ص ۲۳ تهران ، سطر ۲۴ در عبارت حساب او را

(و مخصوصاً ضمیر او) :

آیا مقصود ضرابی باشی است ؟

ص عکسی ۵۴ ب - ص ۳۴ تهران ، سطر ۲ در کلمه ضابط :

مقصود آنکه ضرابی باشی شخصاً مانند محصل وجوهات قابل پرداخت بدولت

عمل میکند . (به ص عکسی ۳۷ الف نگاه کنید) .

ص عکسی ۵۴ ب - ص ۳۴ تهران ، سطر ۴ در کلمه معیر الممالك :

به ص عکسی ۳۵ - ص ۲۱ تهران نگاه کنید .

ص عکسی ۵۵ الف - ص ۳۴ تهران ، سطر ۱۸ در عبارت تواین مشارالیه :

ظاهراً ضمیر مشارالیه به ناظر بر میگردد نه وزیر .

ص عکسی ۵۵ ب - ص ۲۴ تهران ، سطر ۲۰ در عبارت خط گذاشته :

همان امضاء است .

ص عکسی ۵۶ ب - ص ۳۵ تهران ، سطر ۹ در کلمه خط :

ترتیب صحیح قرار گرفتن سه اصطلاح مزبور باید همانا خط و تجویز و

رقم باشد .

ص عکسی ۵۷ ب - ص ۲۶ تهران ، سطر ۱ در کلمه برآورد :

یعنی آنکه از اعتبارات سال دیگر بهمان مبلغ می‌کاهند ؟

ص عکسی ۵۸ الف - ص ۳۶ تهران ، سطر ۸ در کلمه عسا کر :

برای تعیین حدود وظایف لشکر نویس بفصل ۶۳ و برای تعیین حدود و کمیت اردو
به ص عکسی ۲۱ بنگرید .

ص عکسی ۵۸ الف - ص ۳۶ تهران ، سطر ۹ در کلمه افراد محاسبات :

مقصود آنکه هر فرد بیک موضوع جداگانه اختصاص دارد . به شاردن ج ۵ ص
۴۵۰ نگاه کنید .

ص عکسی ۵۸ ب - ص ۳۶ تهران ، سطر ۱۵ در کلمه شد :

ذیل مهرهائی که در پشت فرمانهای مختلف وجود دارد ، چنین ظاهر نویسی شده
« قلمی شد » ملاحظه شد . به ص عکسی ۱۷ الف - ص ۱۰ تهران و غیره نگاه کنید .
نظر نویسنده تذکرة الملوك باید باین توقیعات باشد . این موضوع از مطالبی که
در پشت فرامین ۴۹۳۵ و ۴۹۳۶ نوشته شده است و باینقرار می‌باشد :

خطوط و د شدها، که بر پشت این سه فرمان کشیده شده است و غیره کاملاً
روشن است .

ص عکسی ۵۸ ب - ص ۳۶ تهران ، سطر ۱۸ در کلمه ضمن :

ضمن یعنی پشت یا صفحه طرف راست .

ص عکسی ۵۹ الف - ص ۳۷ تهران ، سطر ۱ در کلمه تجویز :

بترتیب صحیح و منطقی باید تجویز بر رقم مقدم داشته شود . این همانا تکرار
مطالب فصول ۴۷ و ۵۹ و ۶۱ است .

ص عکسی ۶۰ الف - ص ۳۷ تهران ، سطر ۱۲ در کلمه نفری :

به ص عکسی ۶۹ الف عبارت قدر نفری قشون و کمپفر ص ۶۹ « مبالغ مواجب »
مراجعة شود . ولی معنی نفری بستگی دارد به عبارت و با آن تغییر میکند .

ص عکسی ۶۱ الف - ص ۳۸ تهران ، سطر ۴ در کلمه جزایری :

تفنگهای کالیبر بزرگ سپاه جزایری تحت فرماندهی تفنگچی باشی بود . به ص
۳۴ جلد دوم این کتاب نگاه کنید .

ص عکسی ۶۱ ب - ص ۳۸ تهران ، سطر ۳ در کلمه محرر :

به ص عکسی ۶۴ الف نگاه کنید .

ص عکسی ۶۱ ب - ص ۳۸ تهران ، سطر ۱۳ در کلمه نفری :

در اینجا نفری گویا بمعنی مفرد آمده است یعنی صنف واحد

ص عکسی ۶۳ ب - ص ۳۹ تهران ، سطر ۲ در عنوان همیشه کشیک :

آریا مقصود مدت زمانی است که در کشیکخانه شاه صرف شده است ؟ به فصل ۶۳ بنگرید .

ص عکسی ۶۴ الف - ص ۳۹ تهران ، سطر ۱۹ در عبارت چهار نفر محرر :
به فصل ۵۸ مراجعه شود .

ص عکسی ۶۴ ب - ص ۴۰ تهران ، سطر ۴ در عنوان تفنگچیان جدیدی :
باید توپچیان جدیدی باشد نه تفنگچیان جدیدی .

ص عکسی ۶۵ الف - ص ۴۰ تهران ، سطر ۱۳ در عبارت طلب همیشه کشیک :
طالب همیشه کشیک (در فصل ۶۰ طلب و همیشه کشیک آمده است) « تقاضا یا درخواستی برای اشتغال به کار جان پناه ؟ » یا اینکه « تقاضا و درخواستها یکی در نتیجه داشتن سمت کشیکچی قصر برای افراد پیش میآید » .

ص عکسی ۶۵ ب - ص ۴۰ تهران ، سطر ۲۳ در عنوان آقایان :
به ص عکسی ۱۳ ب - ص ۸ تهران نگاه کنید .

ص عکسی ۶۶ ب - ص ۴۱ تهران ، سطر ۷ در عنوان یساقیان :
افراد نظامی دائمی .

ص عکسی ۶۷ الف - ص ۴۱ تهران ، سطر ۱۱ در جمله « داد و ستد ایشان با سرکار سرخط است با اتفاق سرخط نویسنده نسخجات سائر میخوانده و مینوشته اند » :
جمله مزبور متعلق به فصل ۶۴ است .

ص عکسی ۶۷ ب - ص ۴۱ تهران ، سطر ۲۲ در کلمه مستقلات :
مستقلات است نه مستقلات .

ص عکسی ۶۹ الف - ص ۴۲ تهران ، سطر ۱۸ در کلمه برخی :
طبق نظر وولرس ج ۱ ص ۲۱ برخی بمعنی (الف) « تقدیمی - قربانی »
(ب) « آنچه در عوض چیزی بکسی دهند » یعنی عبارت یا برایگان دادن است و یا جبران خسارت .

ص عکسی ۶۹ ب - ص ۴۲ تهران ، سطر آخر در عبارت « قدر نفری قشون » :
شاید هم تعیین سهیه قشون باشد .

ص عکسی ۷۰ ب - ص ۴۳ تهران ، سطر ۲۰ در اصطلاح حقائق دفتری :
شاید منظور آنست که مطالب بخصوصی را مطابق مقررات در اوراق درج کنند .

ص عکسی ۷۱ الف - ص ۴۳ تهران ، سطر ۲۱ در کلمه نسخ :
در اسناد خرج ایشان نسخ و در افراد بمطالعه مینویسند ، به ص عکسی ۷۲ الف مراجعه شود .

ص عکسی ۷۲ الف - ص ۴۴ تهران ، سطر ۱۳ در کلمه محال (در ص عکسی ۷۲ الف هم فصل نوشته نشده است) :

از اصطلاح محال مقصود اطراف اصفهان است و ناحیت هائی که تحت اداره خاصه هستند .

ص عکسی ۷۲ ب - ص ۴۴ تهران ، سطر ۱۹ در اصطلاح نسخه کشیده :
آیا نسخه کشیده را باید بکسر دوم خواند ؟ به ص عکسی ۷۰ ب مراجعه شود .

ص عکسی ۷۲ ب - ص ۴۴ تهران ، سطر ۲۰ در عبارت امثله دفتری :
از متن تذکرة الملوك چنین برمیآید که صفت بارز این امثله عبارت بود از اینکه از روی نسخ حوالجاتی که در دفتر نگاهداشته میشد ، تهیه و تنظیم میگشتند و علت تهیه آنها شاید مضمون مهم یا موضوع ممیزه آن بوده است .

ص عکسی ۷۲ ب - ص ۴۵ تهران ، سطر ۱ در اصطلاح محال خالصه :
شاید آن قسمتی از محال باشد که جزء خاصه محسوب میشد بتعلیقات مراجعه شود .
ص عکسی ۷۳ الف - ص ۴۵ تهران ، سطر ۳ در کلمه بزور :

املاى صحیح آن بزور است . اما به اشتباه املائی ناسخ در ص عکسی ۷۵ الف نگاه کنید .

ص عکسی ۷۳ الف - ص ۴۵ تهران ، سطر ۳ در کلمه باز یافت :
لغت باز یافت گویا بطور نا مناسبی بکار رفته است .

ص عکسی ۷۳ الف - ص ۴۵ تهران ، سطر ۳ در کلمه آفت :

عبارتی مشابه عبارت مزبور در ص عکسی ۷۵ الف هست ، ترکیب عبارت مبهم و درهم است ! آفت معمول و فراوان حشره سن بوده است . به شاردن ج ۵ ص ۳۸۵ Sym و به مقاله آقای حسن تقی زاده در مجله مدرسه علوم شرقیه بریتانیا (BSOS) دوره دهم شماره دوم سال ۱۹۳۸ ص ۳۲۱ تا ۳۲۵ مراجعه کنید .

ص عکسی ۷۳ ب - ص ۴۵ تهران ، سطر ۱۴ در عبارت از باب حوالات دیوان :
یعنی آنکه میتوان غله را بفروش رسانید و عواید حاصله را باعتبار دولت گذاشت .

ص عکسی ۷۴ الف - ص ۴۵ تهران ، سطر ۱۸ در عنوان مستوفی :

از مقایسه با عبارت مشابه این عبارت از ص عکسی ۷۵ ب چنین معلوم میگردد که مقصود مستوفی آن دایره است (فصل ۸۲) .

ص عکسی ۷۵ الف - ص ۴۶ تهران ، سطر ۱۱ در کلمه یا اینکه :

به ص عکسی ۷۲ ب - ص ۴۰ تهران نگاه کنید .
 ص عکسی ۷۷ ب - ص ۴۷ تهران در عبارت حواله و محصل :
 اصطلاحی "معادل" و مترادف اصطلاح مزبور در ص عکسی ۸۰ ب (ص ۴۹ تهران) یافت
 میشود و آن تقسیم و توجیه است .
 ص عکسی ۷۸ ب - ص ۴۸ تهران ، سطر ۰ در نای قیصریه :
 قیصریه « بازار قماش گران بها و قیمتی » بوده است که در طرف شمال میدان شاه قرار
 داشته . (شاردن ج ۷ ص ۳۵۷) .
 ص عکسی ۷۸ ب - ص ۴۸ تهران ، سطر ۱۲ در کلمه نقاره :
 نقاره را در ساعت دو بعد از نیم شب میزدند ،
 ص عکسی ۷۹ ب - ص ۴۸ تهران ، سطر ۲۰ در عبارت دوازده تومان :
 به حواشی ص عکسی ۲۰ ب (ص ۱۲ تهران) بنگرید .
 ص عکسی ۸۲ الف ص ۵۰ تهران ، سطر ۸ در کلمه رعایا :
 بجای رعایا کاتب بخلط رعایا نوشته است
 ص عکسی ۸۲ الف ص ۵۰ تهران ، سطر ۹ در عنوان مستوفی :
 به ص عکسی ۷۷ ب (ص ۴۷ تهران) بنگرید .
 ص عکسی ۸۲ ب - ص ۵۰ تهران ، سطر ۱۴ در کلمه قلمی
 یا اینکه ظهیر نویسی میکردند که « قلمی (شد) »
 ص عکسی ۸۴ ب - ص ۵۱ تهران ، سطر ۲۰ در اصطلاح گل تفتهای گل :
 گل تفته باید دسته گل یا محتملا « فرشهای گل » باشد که ایرانیان با جدا کردن گل
 از برگ و ساقه بتعدادی کمتر در یک قاب میریختند .
 ص عکسی ۸۴ ب - ص ۵۱ تهران ، سطر ۲۴ در کلمه ولایات ایران :
 استاد مینورسکی پس از عبارت ولایات ایران که عنوان و موضوع خاتمه است
 در بین الهالین اضافه کرده که (ومجمل مداخل ومخارج ایران) . و در حواشی قید
 کرده اند که این عبارت را از ص عکسی ۱۰۷ ب - ص ۷۲ تهران برداشته و اینجا اضافه
 کرده اند . و گفته اند که عنوان خاتمه نامربط است . و بعد میگویند که مؤلف تذکرة الملوك
 فراموش کرده است که خاتمه باید دارای سه مقاله باشد و مقاله سوم را بمثابه قنمت
 دوم از مقاله دوم میگردد ولی ما بهمان طریق منطقی سه مقاله ای وفادار مانده ایم .
 ص عکسی ۸۵ الف - ص ۵۲ تهران ، سطر ۸ در کلمه اخراجات :
 به حواشی ص عکسی ۱۶ الف (ص ۱۰ تهران) نگاه کنید . شاید مقصود اخراجات باشد
 که در ص عکسی ۱۳۰ الف (ص ۹۵ تهران) بآن اشاره شده است .

ص عکسی ۸۵ ب - ص ۵۳ تهران ، سطر ۶ در عبارت ده نیم از سیورغال :
 مجموع یا ۱۵٪ .
 ص عکسی ۸۶ الف - ص ۵۳ تهران ، سطر ۱۰ در عنوان وزراء :
 معنی این فصل آنست که از مبالغ وضع شده یا موضوعه بر حقوق زیر دستان
 صاحبان مناصب عالی (یعنی قورچی باشی و غیره و مناصب مذکور در ص ۱۲ الف -
 ص ۷ تهران) و هم وزراء سهمی میبردند . لذا باید قبل از کلمه وزراء يك « و » بگذاریم .
 ص عکسی ۸۶ الف - ص ۵۳ تهران ، سطر ۱۲ در عبارت مواجب و تیول :
 شاید همه مبلغ هزار و سیصد و نود و یک تومان و هفت هزار و دویست دینار و کسری است .
 ص عکسی ۸۶ ب - ص ۵۴ تهران ، سطر ۱ در عبارت قشون مقرری :
 شاید منظور تعدادی از ملازمان باشد همچنانکه همه حکام داشتند .
 ص عکسی ۸۷ ب - ص ۵۵ تهران ، سطر ۲ در عبارت از انعام از قرار رأسی
 پنجهزار دینار :
 بهتر این بود که میگفت از هر تومان ده درصد که عوارض باشد بر قیمت مال پیشکش .
 اما به فصل صد مراجعه شود .
 ص عکسی ۸۸ ب - ص ۵۵ تهران ، سطر ۱۳ در کلمه تیول :
 شاردن در ج ۲ ص ۳۸۳ میگوید که امیر شکار « دارای عواید مخصوصی است که
 از مداخل و مالیات ابرر حاصل میشود » .
 ص عکسی ۸۸ ب - ص ۵۵ تهران ، سطر ۱۶ در کلمه صادان :
 صادان (؟) گویا صیادان بوده و بخلط کتابت شده است . ممکن که امیر شکار مبلغ مقطوع
 صد تومان را در ازای عوارضی که برصید ماهی مشهور شیروان (در مصب رود گر)
 تعلق میگرفت ، دریافت میداشت .
 ص عکسی ۸۸ ب - ص ۵۵ تهران ، سطر ۱۶ در عبارت « انعام همه ساله
 آرامنه جولاهی » :
 انعام عبارتست از بخششی که از جانب بزرگی و مهتری (شاه) به زیردستی داده شود . اما
 در اینجا گویا مقصود « پیشکش » یا تقدیمی باشد .
 ص عکسی ۸۹ ب - ص ۵۶ تهران ، سطر ۱۴ در عبارت « اجناس براتی » :
 به فصول ۱۲۷ و ۱۳۱ نگاه کنید . مقصود از اجناس براتی شاید اجناسی باشد که در
 محل باید وصول شود و حواله آن به سر بازاران داده میشود .
 ص عکسی ۸۹ ب - ص ۵۶ تهران ، سطر ۱۴ در کلمه انقاد :

ظاهره تقدیمی جنسی (قماش و غیره) است که در محل وصول میشد .

ص عکسی ۸۹ ب - ص ۵۶ تهران ، سطر ۱۷ در کلمه طوایل :

طبق گفته شاردن در ج ۵ ص ۳۶۴ شاه دارای سه اصطبل بود یکی جهت اسبانی که ارزش آنان از ۶۰ تومان بیشتر بود و یکی برای اسبانی که قیمت آنان بین ۱۲ الی ۶۰ تومان بود و یکی هم جهت اسبان کم ارزش . شاردن اسامی آنها را ذکر میکند . علاوه بر ج ۵ ص ۴۵۷ سفرنامه شاردن تحت عنوان اصطبلهای صاحب الزمان بنگرید .

ص عکسی ۹ الف - ص ۵۷ تهران ، سطر ۴ در عبارت « از يك تومان بدین

موجب رسوم دارد . » :

به فصل ۲۴ مراجعه شود .

ص عکسی ۹۰ الف - ص ۵۷ تهران ، سطر ۹ در عبارت « مهر دار مهر شرف نفاذ از » :

به فصل ۲۵ بنگرید .

ص عکسی ۹۰ ب - ص ۵۷ تهران ، سطر ۱۸ در عبارت « دواتدار احکام

و بشرح جزو رسوم داشته » :

به فصل ۲۷ بنگرید .

ص عکسی ۹۱ ب - ص ۶۰ تهران ، ۲ در جمله « و مبلغ بیست و یک تومان و ...

مقرر بوده » :

این عبارت ظاهره متعلق است به ص عکسی ۹۵ الف (ص ۶۱ تهران) است .

ص عکسی ۹۳ ب - ص ۶۰ تهران ، سطر ۱۳ در عبارت « غلام و تفنگچی سی تومان » :

فقط يك مستوفی برای دودستگاه وجود داشته به ص عکسی ۹۲ الف (ص ۵۹ تهران) بنگرید .

ص عکسی ۹۵ ب - ص ۶۱ تهران ، سطر ۱۴ در عبارت « وسایر رسومات او

بدستور اوارجه نویس عراقست » :

این عبارت باید دنباله جمله ص ۹۲ ب (ص ۵۹ تهران) باشد .

ص عکسی ۹۸ ب - ص ۶۳ تهران ، سطر ۸ در عبارت « با يك شخص بود » :

به فصل ۱۳۳ رجوع شود .

ص عکسی ۹۹ الف - ص ۶۳ تهران ، سطر ۱۶ در عبارت « شش عدد نان ، دو

خاصه و چهار عدد خرجی » : شاردن در ج ۷ ص ۳۸۷ میگوید که چهار نوع نان در

ناواخانه سلطنتی پخته میشد که عبارت باشند از : « نان لواش (Le pain de feuille)

که چون کاغذ نازک است و نانی که بر روی شن میزنند و به بزرگی يك لکن نقره ای

و بسیار سفید مطلوب است (نان سنگك م) و نانی که با شیر و تخم مرغ میزنند

(نان شیرمال م) و نان معمولی که مانند دیگر نانها کلفتی آن از ضخامت انگشت

کوچک هم تجاوز نمیکند . (نان تافتون م) « دو خاصه » گویا مقصود نوع اول

یعنی نان لواش است و خرجی باید همان نان معمولی (یا نان تافتون باشد) (۱) .

ص عکسی ۹۹ الف - ص ۶۳ تهران ، سطر ۱۴ در عبارت « تحویل اصناف » :

عبارت « تحویل اصناف » در ص عکسی ۱۰۱ الف (ص ۶۵ تهران) آمده است و ما آنرا

نظر عبارت مشابه ص عکسی ۱۰۱ الف بمفهوم سهمیه پادانگی که به اصناف میدادند

ترجمه کردیم .

ص عکسی ۹۹ ب - ص ۶۳ تهران ، سطر ۲۰ در مورد مواجب مشرف شریافخانه

« و از یک تومان رسوم که جمع شود » :

گویا در اینجا لغتی یا عبارتی حذف شده باشد .

ص عکسی ۱۰۱ الف - ص ۶۵ تهران ، سطر ۷ در نام « حسن بيك » :

مقصود اوزون حسن آق قویونلوست (که بین سالهای ۱۴۶۶ تا ۱۴۷۸ م . (۸۷۲-۸۸۲ ه .)

میزبسته است) میباشد .

ص عکسی ۱۰۳ الف - ص ۶۷ تهران ، ۲۶ در عنوان مشرف در ذیل رسوم متعلق

به صاحب جمع زینخانه یحتمل ۱۳۶ دینار از دودانگ است .

ص عکسی ۱۰۳ الف - ص ۶۷ تهران ، سطر ۲ در عنوان صاحب جمع در ذیل عبارت

آنچه از تحویل وزراء کرکراقان تحویل نمایند گرفته میشود « آمده است :

شاید صد دینار یا حتی ۲۰۰ دینار بوده است زیرا همیشه صاحب جمع دو برابر مشرف

مواجب میگرفته .

ص عکسی ۱۰۳ ب - ص ۶۸ تهران ، سطر ۲۷ در عبارت « از جنسی که

بسرکار خاصه شریفه آورند » : شاید منظور از جنس در اینجا حیوانات باشد .

ص عکسی ۱۰۴ الف - ص ۶۹ تهران ، سطر ۹ در عنوان « کلید دار و دوشلکی » :

شاید کلید داران سمت تحصیلداری دوشلک را داشتند :

(۱) خاصه نان نیست که آرد آن از مغز گندم تهیه و چند بار پیخته شود و این اصطلاح

در متداول مردم برخی نقاط ایران هنوز باقیست . و خرجی مقابل آنست و اصطلاح رایج

« خاصه و خرجی کردن » یعنی خوب و بد یا چاق و لاغر کردن از اینجاست (م . د) .

- ص ۱۰۴ عکسی الف - ص ۶۹ تهران، سطر ۱۰ در محاسبه و جمع کل :
جمع وجوه مزبور ۱۰۱۰۰ میشود نه ۱۰۰۰۰
ص ۱۰۵ عکسی الف - ص ۷۰ تهران، سطر ۱۰ در عنوان صاحبجمع شریفخانه
غانات :
حتماً باید مفهومی که در مورد لفظ صاحبجمع غانات در اینجا در نظر گرفته شده
است با آنچه در فصول ۱۴۵ و ۱۴۷ آمده است متفاوت باشد اما معلوم نیست که چه
رابطه و نسبتی ممکن است بین شریفخانه و قصابخانه باشد .
ص ۱۰۵ عکسی الف - ص ۷۰ تهران، سطر ۱۱ در کلمه سرکار خاصه :
شاید بامراجعه به فصل ۱۴۷ است .
ص ۱۰۵ عکسی الف - ص ۷۰ تهران، سطر ۱۲ در کلمه ایابغخانه :
ایاباغ (در ترکی) بمعنی یا یا «فنجان و جام» آمده است . کمپف در ص ۱۲۵ ایابغخانه را
مرادف باچینی خانه آورده است .
ص ۱۰۷ عکسی ب - ص ۷۲ تهران، سطر ۹ در موضوع مقاله دوم :
آنچه در باره «مجموع مداخل و مخارج ایران» است در مقاله سیم مورد بحث
قرار میگیرد .
ص ۱۱۲ عکسی الف - ص ۷۶ تهران، سطر ۲۲ در نام کاخ :
متن در اینجا نامرتب است به ص ۱۹۳ مراجعه شود . شاید اشاره به کاخ از این
جهت شده است، بعد نامی از «حاکم زگم» بمیان میآید «زگم» در گرجستان دغن
(Dzaghin) تلفظ میشود و بر ناحیه زاگانالی کنونی اطلاق میگردد .
ص ۱۱۲ عکسی ب - ص ۷۸ تهران، سطر ۱ در نام ترکور :
سه نام اخیر با قرا باغ هیچ نسبتی ندارند . مگر آنکه بیکلر یکی آنجا حقوق
مالی و فردی در آن نواحی دور افتاده غربی داشته است .
ص ۱۱۶ عکسی ب - ص ۸۱ تهران، سطر ۱۰ در عنوان «وزیر کل خراسان» :
عنوان وزیر ظاهراً مبین آنست که متصدی مزبور از طرف خاصه شریفه
مأموریت مییافت .
ص ۱۰۷ عکسی ب - ص ۸۲ تهران، سطر ۹ در رقم هشت هزار و سیصد و سی و یک :
این رقم تعداد درخت را نشان میدهد نه مبلغ پول را ؟
ص ۱۰۹ عکسی الف - ص ۸۳ تهران، در نام دارالمرزگیلان :

- از بیکلر بیکلی سخنی بمیان نیامده است ! طبق اظهار سانسون (ص ۴۵) يك
وزیر در رشت بوده است .
ص ۱۱۹ عکسی ب - ص ۸۳ تهران، سطر آخر در نام کرمان :
به ص ۲۰۲ جلد دوم کتاب بنگرید .
ص ۱۲۰ عکسی ب - ص ۸۴ تهران، سطر ۱۶ عنوان «امرا که تا این نیستند» :
(استاد مینورسکی به امرای مستقل ترجمه کرده است . م .)
ص ۱۲۱ عکسی ب - ص ۸۵ تهران، سطر ۱۱ در عنوان حاکم اوریان :
(در زیر نام اوریان نام محل مأموریت حاکم را ننوشته است و استاد مینورسکی
اوریان را اورمان دانسته . م .) این اقدام باید مربوط به اورمان لهون (غربی)
و اورمان تخت (شرقی) باشد .
ص ۱۲۲ الف - ص ۸۵ تهران، سطر ۱۸ در مورد سیصد و شصت و يك نفر :
«در جنگ عراق»
ص ۱۲۳ الف - ص ۸۷ تهران، سطر ۹ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۸ در نام سروسه تان
و دورق و بندر مبارکه عباسی و دشتستان :
چهار شهرستان اخیر بدون تردید از توابع کوه گیلو نیستند .
ص ۱۲۳ الف - ص ۸۷ تهران، سطر ۲ در ذکر خلاصه مداخل :
نویسنده تذکره الملوك با شتابی که در کار داشته آنچه در ص ۸۴ بمیان داشته
بود که خاتمه حاوی سه مقاله خواهد از خاطر برده و مقاله سوم را همچون قسمتی از مقله
دوم گرفته است .
ص ۱۲۳ ب - ص ۸۷ تهران، سطر ۱۵ در اصطلاح سرکار :
در این فصل سرکار را باید بدو طریق تعبیر کرد یکی سرکار دیوانی و دیگری سرکار خاصه
که همان دودستگاه دیوان و خاصه باشد و اینها حسابهای بوده که مطالبات حکومت
تحت نام آن حسابها به خزانه ریخته میشده است .
ص ۱۲۴ الف - ص ۸۷ تهران، سطر ۱۸ در اوارجه عراق :
به آنچه در حاشیه درباره کرمان و خوزستان و عراق بیان شده است بنگرید .
ص ۱۲۵ الف - ص ۸۹ تهران، سطر ۴ در رقم یکصد و هفتاد و شش هزار . . .
رقم صحیح آن ۱۸۶۲۳۴ است که این رقم نتیجه تفریق عواید دیوان است از جمع
کل عواید .
ص ۱۲۷ ب - ص ۹۲ تهران، سطر ۱۵ در نام نواب مریم بیگم :

این زن عمه محبوب و سوغلی شاه سلیمان بود . سانسون در سفرنامه خود در صفحه ۱۲۵ داستان مطولی از سرگذشت او بیان میکند که پس از آنکه شوهر اول خویش را که صدر بود از دست داد ، دلداده قورچی باشی ساروخان شد (در حدود سال ۱۶۹۱ م . ۱۱۰۳ ه .) . شاه سلطان حسین را به اشاره او [وحسب الخواهش وصلاح مریم بیکم (زبدۀ التواریخ ص ۲۰۵ الف)] به تخت سلطنت نشاندند .

ص ۱۳۰ ب - ص ۹۶ تهران ، سطر ۴ در نام نواب طوبی آشیان : هر يك از شاهان صفوی پس از مرگ بلقی خاص ملقب میشدند . فی المثل شاه اسمعیل اول لقب خاقان سلیمان شأن و شاه طهماسب اول لقب شاه جنت مکان و سلطان محمد خدا بنده لقب نواب اسکندرشان و همسرش لقب نواب مرحومه داشتند .

لقب اول باید خاص شاه عباس ثانی باشد که در سکه ضرب عنوان « صاحبقران » را بار دیگر باب کرد . بکتاب سکه های شاهان ایران (The Coins) تألیف R.S Poole الواح شصت و هشتم و هشتاد و هشتم بنگرید . لقب دوم متعلق به شاه سلیمان بود (به زبدۀ التواریخ تحت شماره Or. 3498 موزه بریتانیا ص ۱۷۵ الف بنگرید .)

ص ۱۳۰ ب - ص ۹۶ تهران ، سطر ۷ در اصطلاح «عوض وجوه عشور » این اشاره ایست به نیمی از عواید گمرکی بندر عباسی که به انگلیسها بواسطه خدماتی که در ۱۶۲۲ م . (= ۱۰۳۲ ه .) کرده بودند اختصاص یافته بود . همچنانکه نیمی از عواید بندر کنگ را به پرتغالیان درازاء واگذاری بحرین (به ص ۲۲۴ ج ۲ این کتاب مراجعه کنید) تخصیص داده شده بود . اما آیا بخاطر مراعات اصول بلاغت و منشیگری است که آنها را «عوض عشور » نامیده است ؟



Iranian Culture
And Literature

17

TADHKIRAT AL-MOLUK

A
MANUAL OF SAFAVID ADMINISTRATION

EDITED
BY

MOHAMMAD DABIR SIAGHI

TAHOORI

Publisher & Bookseller

Shah - Abad Avenue

Tehran, Iran

1956